

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يُعْرَفْ إِمامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيْتَةً الْجَاهِلِيَّةَ

رسانی شنگر کی اخراج آمد

شناخت امام عصر (عج)

چهل حدیث در مناقب و فضائل و ظہور حضرتش

بضميمة

چهل غزل و قصیده از معاصرین



پیامبر ﷺ: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه
مهدی منتظر کی خواهد آما

شناخت امام عصر «عج»

چهل حدیث در مناقب و فضائل

و ظهور حضرتش

به ضمیمه

چهل غزل یا قصیده از معاصرین

و شرح مختصری از احوالات امام عصر (عج)

از نشریات انتشارات اسلام

تلفن ۶۶۴۰۳۹۵۰

سیّاح، احمد، ۱۲۹۹ -، گردآورنده
شناخت امام عصر (عج): چهل حدیث در مناقب و فضائل و
ظهور حضرتش به ضمیمه چهل غزل یا قصیده از معاصرین /
مؤلف: احمد سیّاح. -- تهران: اسلام، ۱۳۷۰
ISBN 964 - 5843 - 32 - 4

۱۲۸ ص. فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فيپا.

چاپ دوم: ۱۳۸۴ - فارسي - عربي .

۱. احاديث شيعه. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم،
۲۵۵ ق. - شعر. ۳. محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم ۲۵۵ ق.
- احاديث. ۴. اربعينات - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۴۳/۹/۹

م ۷۰-۳۹۲۶

کتابخانه ملي ايران

نام کتاب: شناخت امام عصر (عج) با چهل حدیث

مؤلف: احمد سیّاح

نوبت چاپ: دوم

ویراستار: فاطمه مشایخ

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۸۴

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

ناشر: انتشارات اسلام

تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، اول نظری شرقی، پلاک ۲۴۰

ISBN. 964-5843-32-4

شابک: ۴-۳۲-۵۸۴۳-۹۶۴

مقدمه - الْحَمْدُ لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَالصَّلٰوةُ عَلٰى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلٰيْهِ وَآلِهِ وَسَلَامٌ عَلٰى أَوْلَائِيهِ عَلٰيْهِمُ السَّلَامُ بِسْمِ اللّٰهِ الْأَعْظَمِ الْحَجَّةِ ابْنِ الْمَحْسِنِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلٰيْهِ.

و بعد، در عصر حاضر بسیاری از مسلمانان و معتقدین به مبدأ و معاد، در اعتقادات خود سنت و سرگرم به تشریفات و لهویات و خوشگذرانیها گشته و به دنبال متاع دنیا رفته، در حال غفلت بسر می برند، اسباب سفر هم مهیا نشده، ناگهان کوس الرحیل به گوش رسد، این مطلب حقیر را برعکس داشت تا وعده‌های حق سبحانه و تعالی و سفارشات رسول گرامی درباره ظهور حجت را یادآور شوم، امید است برای بعضیها چون امثال خود تنبه‌ی به وجود آید و به فکر عوالم بعد از مرگ شده و در صدد توشیه‌جوئی باشیم.

لذا سی آیه از ۱۳۳ آیه شریفه قرآن مجید درباره صاحب‌الامر را به ضمیمه چهل حدیث در فضائل و مناقب و علامات ظهور و تکالیف شیعیان از کتاب منتخب الاثر و یوم الخلاص اختیار و ترجمه نمودم با ذکر اصل مدارک آن، بعد از هر حدیث یک شعر غزل یا قصیده از معاصرین در وصف مولایمان حضرت ولی عصر آورده شده، انتظار داریم باعث تقویت ایمان مؤمنین و مخلصین به ساحت مقدس آن-

شناخت امام عصر (عج)

بزرگوار گردد و حقیر فقیر الى الله را بیش از پیش مورد عنایات خاصه

خود قرار دهد، شاید توان خدماتی پیدا نماید و توشهئی باشد برای

برزخ و قیامتش، ضمناً توصیه می شود که خصوصیات زندگانی و

غیبت و دهها مطالب دیگر درباره آن حضرت به طور اختصار در کتابی

گرد آمده و به چاپ رسیده به نام الرسول و الذاری تهیه نمایند و

اولادهای خود را با شناسائی آن بزرگوار آشنا کنند که از اهم واجبات

است و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم.

خادم اهلیت احمد سیّاح

شناخت امام عصر(ع)

وَقَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرْتُ إِلَيْهِ وَقَدْ أَسْتَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَجْرِ
(الأسود)، ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَئِمَّةِ النَّاسِ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ النَّاسَ عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَسَلَبَ حَقَّنَا،
إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدًا وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ، مَنْ يُحَاجِنَا فِي اللهِ فَإِنَّا أَوْلَى
النَّاسِ بِاللهِ، وَمَنْ يُحَاجِنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَمَنْ يُحَاجِنَا بِثُوْبَنَا
أَوْلَى النَّاسِ بِثُوْبَنِ، وَمَنْ يُحَاجِنَا بِإِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ يُحَاجِنَا
بِالنَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، وَمَنْ يُحَاجِنَا فِي كِتَابِ اللهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ
بِكِتَابِ اللهِ، أَلَيْسَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُحْكَمٍ كِتَابِهِ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ
إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِزْرَانَ عَلَى الْغَالِمَيْنَ، ذُرْيَةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلَيْمٌ:

(آية ٣٣ سوره آل عمران)

فَإِنَّا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ، وَذَجِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ، وَمُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ،
أَلَا وَمَنْ خَاجَنِي فِي سُنْنَةِ رَسُولِ اللهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنْنَةِ رَسُولِ اللهِ فَأَشْهِدُ اللهَ
مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ، لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدَةَ مِنْكُمُ الْغَائِبَةَ وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللهِ وَرَسُولِهِ وَ
بِحَقِّ فَيْنَ لِي عَلَيْكُمْ حَقُّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللهِ أَعْنَثُمُونَا وَمَنْعَثُمُونَا مَمْنُ يَظْلِمُنَا،
فَقَدْ أَخْفَنَا وَظَلَمَنَا، وَطَرِدَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا، وَبَغَنَ عَلَيْنَا وَدَفَعَنَا عَنْ حَقَّنَا،
فَافْنِ أَهْلَ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا.

فَاللهُ فِينَا لَا تَخْذُلُنَا، وَانصُرُونَا يَنْصُرُكُمْ اللهُ، إِنَّا نَسْتَنْصِرُ الْيَوْمَ كُلَّ مُسْلِمٍ ثُمَّ
يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللهِ وَسُنْنَةِ نَبِيِّهِ وَالوِلَايَةِ، وَمَعَهُ عَهْدُ رَسُولِ اللهِ أَوَّلُ مَنْ
يُبَاعُهُ جَبَرَتِيلُ طَبَّالٌ، ثُمَّ الْأَنْضَارِ.

از علامه اربلي:

عَلِيُّ الْإِمَامِ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ
إِذَا أَزَادَ الْحُكْمَ فِي الْفَالِمَ
وَالآخِذُ الْحَقَّ مِنَ الظَّالِمِ
مَنْ عَادَلَ فِي حُكْمِهِ غَافِلَ
الْقَلُوئُ الْطَّاهِرُ الْفَاطِمِ
مُحَمَّدُ النَّدِيُّ خَيْرُ بَنِي آدَمَ
الْأَكْرَمُ الْمَوْلَى أَبُو الْقَائِمِ
مُسْتَحْنُ فِي الزَّمَنِ الْفَاثِمِ
فِي حَجَفَلٍ ذِي غَيْثٍ قَائِمِ
أَهْلًا وَسَهْلًا يَكَّ مِنْ قَادِمِ

مَحِيمَةُ اللَّهِ وَرِضْوَانُهُ
عَلِيُّ إِمَامٍ حُكْمَهُ نَافِذٌ
خَلِيفَةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ
الْغَادِلُ الْغَالِمُ أَكْرِمُ بِهِ
مُطَهَّرُ الْأَرْضِ وَمُحِيُّ الْوَرْنِ
نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ كَهْفُ الْوَرْنِ
الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ وَالْمَاجِدُ
وَصَاحِبُ الدُّولَةِ يُحِبُّ إِلَيْهَا
لَوْاْنِي شَاهِدٌ قَدْ مُقِبِّلٌ
لَقْلُوتُ مِنْ فَرْطٍ - سُورِي بِهِ

مناجات حضرت صاحب الامر عجل الله تعالى فرجه الشریف

از کتاب نجم الثاقب به نقل سید بن طاووس که در سحرگاهی در سردار مطهر شنیده شده: اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْقَنَا خُلِقَتْ مِنْ شَعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةٌ طَبَيْقَنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً إِنْكَالًا عَلَى حُبُّنَا وَ وِلَائِنَا وَ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْتَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِيَنَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْتَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْتَهُمْ وَ قَاسِ بِهَا عَنْ حُسْنِنَا وَ أَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ زَحِّ حُبُّهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمِعْ بَيْتَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ.

پروردگارا همانا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده‌ای چنانچه آنان گناهان زیادی به پشتیبانی بر محبت و ولایت ما بجا آورده‌اند اگر گناهان آنها در ارتباط با تو است از آنان بگذر که ما را راضی نموده‌ای و آنچه از گناهان در ارتباط با خودشان است خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمیکه حق ما است به آنان عطا فرماتا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بخش و آنان را با دشمنان ما در غضب خود جمع نفرما.

در قرآن مجید ۱۳۳ آیه تفسیر و تأویل به ظهور قائم علیه السلام دارد، بعض آن آیات را تیمناً متذکر شده‌ایم و ضمن روایات هم توضیح داده شده است.

شناخت امام عصر (ع)

۱- آنَّ الْأَرْضَ إِلَهٌ يُورِثُهَا مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْفَاقِهُ لِلْمُتَقِينَ

(سوره اعراف، آیه ۱۲۸)

موسی به قوم خود وعده می دهد که صبر کنید و از خدا کمک بخواهید آخر الامر زمین را بندگان صالح او وارث خواهند شد.

۲- قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (حجر ۳۷-۳۸)

شیطان می گوید مرا تا روز قیامت مهلت ده، خدایتعالی می فرماید تا روز حجت به تو مهلت دادیم

۳- وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا. (اسری آیه ۳۳)

حضرت امام حسین طیلاً مظلوم شهید گردید ولی صاحب خون او که، اولادش صاحب الامر است سلطه خواهد یافت.

۴- وَ قُلْ جِإِنَّ الْحَقَّ وَرَهْقَ الْبَاطِلِ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.

(سوره اسری، آیه ۸۱)

پس از آن که دنیا را ظلم گرفت و حکومتهای باطل مستولی هستند، خدایتعالی به پیامبر ش می فرماید: بگو حق آمد و باطل را سرنگون نمود.

۵- وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الرَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ آنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ

(سوره انبیاء، آیه ۱۰۵)

همانا در زبور نوشتیم که بعد از قرآن زمین را از بندگان صالح پر کنیم.

۶- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيُسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

استَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ. (سوره نور، آیه ۵۵)

وعده خداوند است برای اهل ایمان همان طور که قبلًا خلیفه در زمین

داشته (پیامبران)، همانا خلیفه خود را ظاهر سازد.

شناخت امام عصر(عج)

۷- وَ تُرِيدُ أَنْ يَمْكُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلُهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلُهُمْ
الْوَارِثِينَ.
(سوره قصص، آيه ۵)

اراده کردیم که منت نهیم بر مستضعفین روی زمین و آنان را پیشوایان
و وارثان قرار می دهیم

۸- قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَ لَا هُمْ يَنْظَرُونَ.
آنان که کافرند در روز ظهور حجت نفعی نمی بردند به سبب ایمان
آوردنشان زیرا انتظاری برای ظهور نکشیدند.

۹- وَ أَشَرَّقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا.
(سوره زمر، آيه ۶۹)

روشن می گردد زمین به نور پروردگار

۱۰- سَرُّهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ.
(سوره فصلت، آيه ۵۳)

به زودی می بینند کافران آیات ما را در آفاق و نفوس خودشان تا
آشکار شود که آن آیات حق است.

۱۱- وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُثَادُ الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ. (سوره ق، آيه ۴۱) گوش فرا
دار، روزی که منادی از نزدیک نداکند.

۱۲- إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحِبِّي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.
بدانید که خدای تعالی زنده کند زمین را بعد از مردنش.

۱۳- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غَورًا فَنَّ يَاءٌ تِيكُمْ ۖ إِنَّا مَعِينٌ.
(سوره ملک، آيه ۳۰)

بگو با تأمل بنگرید که اگر آب که مایه زندگی شماست صبحگاهی فرو
رودکیست که آب گوارا پدید آورد (وجود امام از آب بهتر و مهمتر است).

شناخت آمام عصر (ع)

(سوره والعصر)

۱۴- وَالْقَضَرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَبِيْ خُسْرٍ.

قسم به عصر عدل (زمان حجت) که انسانها در خسراندند مگر اهل ایمان که عمل صالح دارند.

۱۵- ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ.

(سوره بقره، آیه ۲)

این کتاب که هیچ شکی در آن نیست مایه هدایت متقین است، همان کسانیکه به غیب ایمان دارند.

۱۶- بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

باقي مانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.

۱۷- قُلْ إِنَّا لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنَتَّظِرِينَ.

(سوره یونس، آیه ۲۰)

بگو غیب از آن خدادست، پس انتظار بکشید ما هم همراه شما انتظار می کشیم.

۱۸- وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا.

(سوره آل عمران، آیه ۸۳)

هر چه در آسمانها و زمین است از روی رغبت یا اکراه تسلیم او می شوند.

۱۹- الَّذِينَ إِنْ مَكَنُوا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقْامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ.

(سوره حج، آیه ۴۱)

کسانیکه اگر به آنان در زمین میکنند دهیم نماز را برابر پاداشته و زکات می دهند.

شناخت امام عصر(عج)

۲۰- وَ لَنْبُلُونَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ
الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الظَّاهِرِينَ.
(سوره بقره، آيه ۱۵۵)

هر آینه شمارا با اندکی ترس و گرسنگی و کمبود اموال و نفوس و
میوه‌ها می‌آزمائیم و صابران را بشارت یده.

۲۱- لَا خَيْرٌ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمْرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ.
(سوره نساء، آيه ۱۱۴)

هیچ خیری در بیشتر نجواهایشان نیست، جز آنکه امر به صدقه یا
نیکی کنند.

۲۲- إِنَّ شَاءَنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ هَـا خَاضِعِينَ.
(سوره شуرا، آيه ۴)

اگر بخواهیم از آسمان نشانه‌ای می‌فرستیم تا گرونهایشان در برابر آن
خاضع شود.

۲۳- وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا كُوِّمِنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ
عَلَيْهِمْ شَهِيدًا.
(سوره نساء، آيه ۱۵۹)

هیچ یک از اهل کتاب نیست جز آنکه قبل از مرگ به او ایمان می‌آورد
و روز قیامت او بر آنان گواه خواهد بود.

حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده است که عیسیٰ قبل از قیامت می‌آید
و پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می‌گزارد.

۲۴- وَ مِنَ الَّذِينَ قَاتَلُوا إِثْنَا عَشَرَ نَصَارَى أَخَذْنَا مِنْ شَاقُّهُمْ فَنَسُوا حَظَّاً مِّمَّا ذُكْرُوا بِهِ.
(سوره مائدہ، آيه ۱۴)

برخی از آنانکه گفتند ما بکیش عیسیٰ هستیم از آنها عهد گرفتیم که

شناخت امام عصر (ع)

پیرو (کتاب) و رسول خدا باشند، آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند) نصیب بزرگی را از دست دادند.

حدیث از از امام صادق فرمود مراد از فنسوا حظا طایفه‌ئی از اکراد هستند که با قائم ظاهر شوند.

۲۵- وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ ذَائِبَةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ الْثَّاسَ كَانُوا بِإِيمَانٍ لَا يُوقِنُونَ - وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مُّنْ يُكَذِّبُ فَهُمْ يُوزَعُونَ.
(سوره نمل، آیات ۸۲-۸۳)

هنگامی که حکم الهی بر آنان واقع شود جنبندهای از زمین خارج می‌سازیم که با آنان سخن می‌گوید، رسول خدا ﷺ فرمود: در آن هنگام که او ظاهر شود عصای موسی و انگشت‌تر سلیمان همراه اوست که با عصای موسی صورت مؤمن را درخشان نموده و با انگشت‌تر سلیمان صورت کافر را سیاه می‌سازد - روزیکه از هر امتی گروهی را که به آیات ما تکذیب نمودند جمع کرده و آنان را تقسیم می‌کنیم.

قال رسول الله: إِنَّهُ تَخْرُجُ ذَائِبَةً الْأَرْضِ وَ مَعَهَا عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ وَجْهَ الْمُؤْمِنِ بِعَصَا مُوسَى وَ شَسْمُ وَجْهَ الْكَافِرِ بِخَاتَمِ سُلَيْمَانِ.

۲۶- حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ، فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَفَ فَنَاصِرًا وَ أَقْلَّ عَدَدًا
(سوره جن، آیه ۲۴).

تا زمانیکه آنچه وعده داده شده‌اند ببینند، بزودی خواهند دانست چه کسی از نظر تعداد و یاور ضعیف و کمتر است.

حدیث: قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْنِي الْقَائِمَ وَ انصَارَهُ بِالنِّسْبَةِ لِأَعْدَاءِهِ.

حضرت امام سجاد علیه السلام فرمود: منظور و مراد از آیه حضرت حجت و

شناخت امام عصر(عج)

یارانش در مقایسه با دشمنان اوست.

۲۷- وَلِنَّ أَخْرَئُنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ كَيْقُولُنَّ مَا يَحِبُّهُمُ الْآتِيُّونَ
(سوره هود، آيه ۸).

و اگر عذاب آنان را تازمان شمارش شده تأخیر اندازیم، می گویند چه
چیزی آن را تأخیر انداخته، همانا روزی که عذاب به آنان رسد هرگز از
آنان منصرف نخواهد شد.

حدیث قال الصادق علیه السلام: إِنَّ الْأُمَّةَ الْمَعْدُودَةَ هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ هُمْ وَاللهُ الْأَمَّةُ
المعدودة، (بدرستی امت محدود اصحاب مهدی (عج) هستند).

۲۸- أَئُنْ يُحِبُّ الْمُضطَرُ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ
(سوره فل، آيه ۶۲).

کیست آنکه دعوت مضطرب بیچاره را در زمانیکه او را بخواند اجابت
می کند و گرفتاری او را بر طرف کرده و شمارا جانشین در زمین قرار
مید هد.

حدیث قال الباقر علیه السلام: تَرَأَتِ فِي الْقَائِمِ وَ اللَّهُ هُوَ الْمُضطَرُ الَّذِي يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَكْشِفُ
عَنْهُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: این آیه در باره قائم آل محمد است به خدا قسم
او مضطرب است که خدا او را اجابت کرده و سوء را از او بر طرف نموده
و وی را جانشین در زمین قرار می دهد.

۲۹- وَ قُلِ اعْتَلُوا، فَسَرِّئُ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.
(سوره توبه آیه ۱۰۵).

بگو عمل کنید بزودی خدا و رسول و مؤمنان اعمال شمارا می بینند.

أَيُّ الْأَنْهَىٰ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ يَرَوُنُ أَعْمَالَ الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ.

یعنی ائمه یکی بعد از دیگری اعمال دوستان و دشمنان خود را مشاهده می کنند.

۳۰- مِلَةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ، هُوَ سَهَّلُكُمُ الْمُسْلِمِينَ (سوره حج، آیه ۷۸).

مانند آئین پدر شما ابراهیم خلیل است که خدا از این پیش شما امت را در کتاب او و در این قرآن، مسلمان نامیده.

إِلَىٰ قَوْلِهِ فِي قِصَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ: رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ، وَمِنْ ذُرْيَتِنَا أَمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ إِلَىٰ قَوْلِهِ فِي قِصَّةِ فِرْعَوْنَ حَقٌّ إِذَا أَدْرَكَهُ الْفَرْقُ قَالَ أَمَنَّتُ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي أَمَنَّتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَىٰ قِصَّةِ سُلَيْمَانَ وَبِلْقِيسَ، وَأَتُؤْنِي مُسْلِمِينَ وَقَوْلُهَا وَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَوْلُ عِيسَى طَبَّلَهُ مِنْ أَنْصَارِهِ إِلَىٰ اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِثُونَ تَحْنَ أَنْصَارُ اللَّهِ آتَنَا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَا مُسْلِمُونَ.

نتیجه آن که دین حق نزد حق تعالی اسلام است که تمام انبیا بر آن روش بودند حتی فرعون هم وقت رسیدن عذاب و غرق به دریا گفت من از مسلمین تو هستم و از بین مسلمین فرقه ناجیه آنانی هستند که به وجود چهارده معصوم اعتراف نموده و آنان را خلفاء حق می دانند و انتظار فرج قائم را دارند.

حدیث ۱- عن کنز العمال، روی عن ابن مسعود قال: قالَ رَسُولُ اللهِ لِيَائِتِينَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَسْلِمُ لِذِي دِينٍ دِينَ إِلَّا مَنْ يَفْرُطُ مِنْ شَاهِقٍ إِلَى شَاهِقٍ وَمِنْ حَجَرٍ إِلَى حَجَرٍ كَالشَّعَلِ بِإِشْبَالِهِ، قَالُوا وَمَنْ ذَلِكَ الزَّمَانُ؟ قَالَ: إِذَا لَمْ يَسْنَلِ الْمَعْشِيَةُ إِلَّا يَعْصِيَ اللَّهَ فَعِنْدَ ذَلِكَ خَلَتِ الْغُرْزُوَةُ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ أَسْرَنَا بِالْتَّزْوِيجِ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ: بَلِّي وَلَكِنْ إِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ فَهَلَّأَ الرَّجُلُ عَلَى يَدِي أَبُوِيهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبُوَانِ فَعَلَى يَدِي زَوْجِتِهِ وَوَلَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَلَا وَلَدٌ فَعَلَى يَدِي قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ، قَالُوا وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللهِ، قَالَ: يُعِيرُونَهُ لِضيقِ الْمَعْشِيَةِ وَيُكَلِّفُونَهُ مَا لَا يُطِيقُ حَتَّى يُورِدُنَّهُ مَوَارِدَ الْمَلَكَةِ.

حدیث اول- ابن مسعود صحابی گفت: رسول خدا فرمود: در پیش است که سالم نمیماند دین صاحب دینی مگر آن که بگریزد از قله کوهها به قله کوهها دیگر و از مخفی گاهی به مخفی گاه دیگری مانند رویاه و بچه او، گفتند چه وقت است این زمان، فرمود: زمانیستکه تهیه معاش نشود مگر با گناه، لذا در چنین زمانی بی همسری جایز است گفتند: یا رسول الله تو ما را به ازدواج امر فرموده ای، فرمود ص: بلى و لکن در آن زمان هلاکت مرد به دست پدر و مادرش است و اگر ابوین ندارد به دست زوجه و اولادش میباشد، و چنانچه زوجه و اولاد ندارد به دست اقوام و همسایگانش است، گفتند: چگونه یا رسول الله، فرمود: به جهت تنگی معیشت و تکالیف مالای طاق تا این که بر سد به هلاکت دین.

آفتاب گمشده

از سید رضا مؤید

گر قسمتم شود که تماشا کنم ترا
ای نور دیده جان و دل اهدا کنم ترا
این دیده نیست قابل دیدار روی تو
چشمی دگر بده که تماشا کنم ترا
تو در میان جمعی و من در تفکرم
کاندر کجا برآیم و پیدا کنم ترا
هر صبح جمعه ندیه کسان در دعای آن
از کردگار خویش تمنا کنم ترا
یابن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من
در عالم خیال، هویدا کنم ترا
گویند دشمنان که توبنmodه ای ظهور
زین افترای محضر مبرا کنم ترا
همچون مؤیدم به تکاپو مگر، دمی
ای آفتاب گمشده پیدا کنم ترا

نور حضور

از ملام محسن فیض

یارب که کارها همه گردد به کام ما
نور حضور خویش فروزد امام ما
ما باده محبت او نوش کرده ایم
ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما
هرگز نمیرد آنکه ازین باده زنده شد
ثبت است بسر جریده عالم دوام ما
ای باد اگر بکوی امام زمان مارسی
زنهار عرضه دار به پیشش پیام ما
گو همتی بدار که مخمور فرقیم
شاید برآید از می وصل تو کام ما
از اشک در ره تو فشاندیم دانه ها
باشد که مرغ وصل بیفتد بدام ما
فیضت به صبح و شام ز جان می کند سلام
پیکی کجاست تا بر ساند سلام ما

شناخت امام عصر (ع)

حدیث ۲- عنِ کفایةُ الْاَثَرِ- عنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يَقُومَ قَائِمُ الْحَقِّ مِنْهَا، وَ ذَلِكَ جِئْنَ يَادِنُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ تَسْبِعَهُ نَجْسِي، وَ مَنْ تَخْلُفَ عَنْهُ هَلْكَ، فَإِنَّهُ بِاللَّهِ عِبَادٌ اللَّهُ اِيَّهُ اِبْتُوءُ عَلَى الشَّالِجِ! فَإِنَّهُ خَلِيقُ اللَّهِ، قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَىٰ يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجَّاً وَ مَرَجَّاً وَ هُوَ الْثَّابِطُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

حدیث دوم- ابی امامه گفت: رسول خدا فرمود: قیامت بر پا نشود تا این که قائم مابر حق قیام نماید، و این هنگامی است که خدایتعالی اذن فرماید، لذا کسانی که پیروی او کنند نجات یابند و آنان که سرپیچی نمایند هلاک گردند، سپس فرمود: به خدا قسم بندگان خدا نزد او می‌آیند بر روی برف و یخ، همانا او خلیفه خدای تعالی است، گفته‌یم: ای رسول خدا ﷺ چه وقت قیام نماید قائم شما؟ فرمود: زمانی است که دنیا دچار هرج و مرج و به هم ریخته شود، او نهمنی از ذریه حسین است.

ایضاً حدیث عن کتاب یوم الخلاص قالَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَخْرُجُ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَ خَيْرَةٍ، لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِثَاقَهُمْ، بِوَلَا يَتَّسِعُ، وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ.

ترجمه حدیث - حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: ولی عصر بعد از غیبت و حیرت ظهور می‌کند در آن وقت ثابت نیستند در آن حیرت بر دینشان مگر آنان که خالصند و مباشرند به روح یقین آنچنانکه خداوند از آنها عهد و پیمان گرفته به ولايت ما و نوشته بر دلهاشان ایمان را و مؤید به روح الامر و رحمت الهی هستند.

ناخدا

یا صاحب الزمان که پناهی مرا بیا
دستم بگیر تا نفتادم ز پابیا
خون شد دلم ز طعنه بیگانگان و نیست
اکنون مرابه غیر توکس آشنا بیا
عمرم گذشت و دولت و صلت نشد نصیب
تاسربگیرم عمر خود از ابتدایا
تاراهیان کربلا بار بسته اند
ای ره گشای قافله کربلا بیا
تا کی به چنگ مرحب دوران حریم قدس
ای جانشین حیدر خیر گشا بیا
فلک نجات ماست حسین و تو ناخدا
ای ناخدای کشتی خون خدا بیا
طوفان فتنه موج فکن شد در این محیط
بهر نجات شیعه ز گردابها بیا
مرا میان این همه دشمن ز شرق و غرب
اکنون که نیست جز به خدا اتکا بیا
اکنون که بهر شیعه به کیش ستمگران
جرم و خطاست مهر و ولای شما بیا

تـا انتقام خون شهیدان بـی گـناه

گـیری ز خـصم بـهـر تـسـلـای مـاـبـیـا

ای حـجـت زـمـان بـهـ زـمـان توـکـی روـاست

رـیـزـدـ بـخـاـکـ اـینـ هـمـهـ خـوـنـ نـارـوـاـبـیـا

از پـیـروـانـ مـکـتبـ خـوـنـیـنـ کـرـبـلاـ

بنـگـرـ بـهـ وـضـعـ زـمـانـ اـینـهـمـهـ شـورـ وـنـوـاـبـیـا

ای روـیـ حقـ نـمـایـ توـ رـوـحـ (ـامـیدـ) جـانـ

بـنـمـایـ روـکـهـ جـانـ گـنـمـتـ روـنـمـاـبـیـا

حدیث ۳۔ عنِ کفایة الأثر عن عمار بن یاسر قال: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي
بعض غَزَّاتِهِ وَ قُتِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْحَابُ الْأَلْوَاهِ وَ فَرَقَ بَمَعْهُمْ وَ قُتِلَ
عَمْرُوبْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجَمْحُونِي، وَ قُتِلَ شَبَّابَةُ بْنِ نَافِعٍ، أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا
رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عَلَيَّاً قدْ جَاهَدَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ:

إِنَّمَا مِنِي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ ارْتَعَى عِلْمِي، وَ قَاضَى دِينِي وَ مُنْجِزٌ وَ عَدِي وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي،
وَ لَوْلَاهُ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُ الْمَحْضُ بَعْدِي، حَرَبَةُ حَرَبٍ وَ حَرَبَةُ حَرَبٍ اللَّهُ، وَ سَلَمَةُ
سَلَمِي وَ سَلَمِي سَلَمُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ أَبُو سَبْطِي وَ الْأَمَمَةُ بَعْدِي مِنْ صَلِيبِهِ يُخْرِجُ اللَّهُ
تَعَالَى الْأَمَمَةِ الرَّاشِدِينَ، وَ مِنْهُمْ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأَمَمَةِ، فَقُلْتُ يَا أَبِي أَنَّتَ وَ أَمَّى يَا
رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا الْمَهْدِيُّ؟ فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ يَا عَمَّارُ اعْلَمُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهْدَهُ إِلَيْهِ
يُخْرِجُ مِنْ صَلِيبِ الْحُسَينِ أَعْمَّةَ تِسْعَةَ وَ التِّاسِعَ مِنْ وُلْدِهِ يَغْبِيُ عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُ

الله عـزـ وـجـلـ (ـقـلـ آـرـآـيـتـ إـنـ آـصـبـعـ مـاءـ كـمـ غـورـأـ فـنـ يـأـتـيـكـمـ بـاءـ مـعـيـنـ (ـسـوـرـهـ مـلـكـ،

آـيـهـ ۳۰ـ) يـكـونـ لـهـ غـيـبـهـ طـوـيلـهـ، يـرـجـعـ عـنـهـاـ قـوـمـ وـ يـشـبـهـ عـلـيـهـاـ آـخـرـوـنـ، فـاـذـأـكـانـ فـيـ

حدیث سوم- عمار یاسر گفت: من بارسoul خدا در یکی از جنگها بودم که علی علیه السلام صاحبان علماهای مشرکین را کشت (چون الویه جمع لوا به معنای علم است) و آنان را متفرق نمود و عمر بن عبدالله جممحی را هم از پای در آورد و همینطور شیبه را، آمدم خدمت رسول خدا و گفتم: یا رسول الله، علی علیه السلام جهادی کرد در راه خدا که حق جهاد را ادا نمود، رسول خدا فرمود: همانا علی از من است و من از اویم، او وارث علم من و ادا کننده دین من است و وعده مرا انجام می دهد، و خلیفه بعد از من است، و اگر نبود علی، مؤمن خالص شناخته نمی شد، جنگ با او جنگ با من است و جنگ با من جنگ با خدا، و تسليم او تسليم من و تسليم من تسليم خداوند است، آگاه باش او پدر دو سبط من است و امامان بعد من از صلب او خارج می شوند، خدا است تعالی امامان راشدین را از صلب او آورده و از ایشانست مهدی این امت، عمار گفت: پدر و مادرم قربانت ای رسول خدا کیست این مهدی؟ فرمود: ای عمار بدان خدای تعالی عهد و پیمان بر من گرفت که خارج نماید از صلب حسین امامان نه گانه را و نهمین آنان از صلب حسین غیبت می کند و این قول خداوند (آیه ۳۵ سوره تبارک) در باره اوست (بگو ای رسول به دیده تامل بنگرید که اگر آب مایه زندگانی شما است، صبحگاهی هم به زمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آرد)، می باشد برای قائم غیبت طولانی، که بر می گردند گروهی از او و ثابت می مانند بر آن

شناخت امام عصر (ع)

گروهی دیگر، پس زمانی که در آخر زمان ظهر کرد همانا پر می کند
دنیارا از عدل و مقاتله می کند بر تأویل قرآن کما این که من مقاتله
کردم بر نزول قرآن واو هم اسم من است و شبیه ترین مردم است به من.

از صغير اصفهانی واسطه فیض

ای فلکت پایہ کاخ و قار

ای ملکت چاکر و خدمتگزار

واسطه فیضی و خلاق جود

عالی امکان بہ تو دارد وجود

شاه و گدا جمله، غلام تواند

ریزه خور سفره عام تواند

ابر بے فرمان تو باردھمی

خاربه حکم توگل آرد همی

خسرو عدلت چو فرازد عَلَم

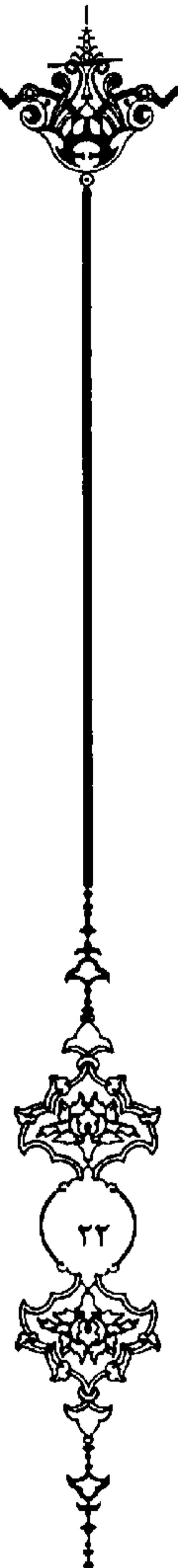
ظلم نهاد روی به سوی عدم

مهروش آفاق مسخر کنی

عالی از چهره منور کنی

خواست صغير امي شه عالي جناب

ختم به نام تو شود این کتاب



بیا که دیده براه تو شد سپید بیا

بزیر بار غمت پشت ما خمید بیا

ز فرط درد جدائی و رنج تنهائی

دل رمیده دمی رانیار مید بیا

ز طول شام سپاه فراقت ای همه حسن

سان روی تو موی ما سپید بیا

بجای اشک روانی که سوخت ز آه سحر

ز دیده در شب هجر تو خون چکید بیا

برای دیدن ای آفتاب چرخ کمال

به اشتباق دل از دیده سر کشید بیا

دل شکسته ز پاشد ولی ز گلشن وصل

بدست دیده گل آرزو نچشید بیا

در ام تداد ره انتظار مستظر

ز خون مستظران لاله ها دمید بیا

حَدِيثٌ: عَنْ كِتَابِ الْبَيَانِ - أَتَيْتُ أَبَا سَعِيدَ الْخِدْرِيَ فَقُلْتُ لَهُ فَلَمْ شَهِدْتُ بَدْرًا فَقَالَ: نَعَمْ فَقُلْتُ: أَلَا تَحْدُثُنِي بِشَيْءٍ وَمِمَّا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ وَفَضْلِهِ؟ فَقَالَ بَلَى أَخْبُرُكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرِضَ مَرَضَةً نَقَةَ مِنْهَا، فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَعُودُهُ، وَأَنَا جَالِسٌ عَنْ يَمِينِ رَسُولِ اللَّهِ تَعَالَى شَغَلْتُهُ، فَلَمَّا رَأَتْ مَا بِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ الْضُّعْفِ خَنَقْتُهَا الْعَبْرَةُ حَتَّى بَدَتْ دُمُوعُهَا عَلَى خَدَّهَا، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ: مَا

شناخت امام عصر (ع)

یُبکیکِ یا فاطمَةُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا
آبَاكِ فَبَعْثَةَ نَبِيًّا، ثُمَّ إِطْلَعَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ بَعْلَكِ فَأَوْحَى إِلَى فَانِكَحَتْهُ وَاتْخَذَتْهُ وَ
صُنِّيًّا، أَمَا عَلِمْتَ إِنَّكِ بِكِرَامَةِ اللَّهِ تَعَالَى إِيَّاكِ زَوْجَكِ أَعْلَمُهُمْ عَلَيْهَا وَأَكْرَهُمْ جِلْمًا
وَأَقْدَمُهُمْ سِلْمًا فَضَحَّكَتْ وَاسْتَبَشَّرَتْ فَأَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ أَنَّ يَزِيدَهَا مَزِيدًا خَبْرُكُلَّهُ
الَّذِي قَسَّمَ اللَّهُ تَعَالَى مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهَا: يَا فاطِمَةٌ وَلِعَلِيٍّ ثَانِيَةً أَضْرَابِ
يَعْنِي مَنَاقِبِ: إِيمَانُ بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَحِكْمَتُهُ وَرَوْجَتُهُ، وَسُبْطَاهُ الْمُحَسَّنُ وَالْمُحْسَنُ، وَ
أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ، يَا فاطِمَةٌ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أَعْطَيْنَا بِسْطُ خِصَالٍ لَمْ
يُعْطِهَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَلَا يُدْرِكُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِينَ غَيْرُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ، نَبِيُّنَا حَيْرُ
الْأَنْبِياءِ وَهُوَ أَبُوكِ وَوَصَّيْنَا حَيْرُ الْأَوْصِياءِ وَهُوَ بَعْلُكِ، وَشَهِيدُنَا حَيْرُ الشَّهِيدَاءِ
وَهُوَ حَمْزَةُ عَمِّ أَبِيكِ وَمِنْهَا سُبْطَاهُذِهِ الْأَمَّةِ وَهُنَّا إِنَّا كِ، وَمِنْهُ مَهْدِيُّ الْأَمَّةِ
الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْهِ خَلْفَةُ ثُمَّ ضَرَبَ عَلَى مَنْكِبِ الْمُحَسَّنِ، فَقَالَ: مَنْ هَذَا مَهْدِيُّ
الْأَمَّةِ، وَرَوَاهُ الشَّيْخُ فِي غَيْبَتِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ مَهْدِيَ هَذِهِ
الْأَمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْهِ خَلْفَةُ مِنْهُ ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى مَنْكِبِ الْمُحَسَّنِ وَقَالَ: مَنْ
هَذَا مِنْ هَذَا.

حدیث چهارم - در کتاب بیان و عیون المعجزات (علم الهدی) و
غیبت (شیخ طوسی) و دلائل الامامه از ابی سعید خدری نقل
می کنند ابی هارون عبدی گفت آمدم نزد ابی سعید و به او گفتم آیا
حاضر بودی در جنگ بدر، او گفت: بله، گفتم: آیا حدیث می کنی
چیزی از آنچه شنیده ای از رسول خدا درباره علی طبله و فضل او؟
گفت: بله خبر دهم تراکه رسول خدا ص در بیماری موت بود که
فاطمه طبله وارد شد و من نشسته بودم طرف راست رسول خدا فَلَمَّا
لَمَّا

وقتی فاطمه ع پدر را به آن حالت ضعف مشاهده نمود گلویش را گریه گرفت تا این که اشکش به صورتش جاری شد، رسول خدا^{علیه السلام} فرمود: چرا گریانی ای فاطمه جان، آیا می‌دانی خدای تعالیٰ نظر افکند به زمین و اختیار نمود پدرت را و مبعوث نمود او را به رسالت، سپس نظر کرد و شوهر تو را اختیار نمود و وحی کرد به من که تو را به نکاح او درآورم، و او را وصی خود قرار دهم، آیا می‌دانی به جهت کرامت تو در نزد حق تعالیٰ خداوند شوهر تو را اعلم امت قرار داد از لحاظ علم و حلم و مقدم داشت اسلام آوردنش را، فاطمه^{علیها السلام} تبسم نموده و رسول خدا زیاد کرد برای او زیادتهای خیر و خوبی را، سپس فرمود: ای فاطمه جان برای علی هشت منقبت است، ایمان به خدا و رسول، حکمت، زوجه اش، دو پسرش، امر به معروف، نهی از منکر، ای فاطمه جان: خداوند به ما اهل بیت شش خصلت بخشدید که به احدی عطا ننموده از اولین و درک نخواهد کرد کسی از آخرین غیر از ما اهل بیت، پیامبر ما بهترین پیامبران است که پدر توست و وصی ما بهترین وصیّین است که او شوهر توست، و شهید ما بهترین شهدا است که او حمزه عمومی پدر توست، و از ما دو سبط این امت است و آن دو فرزندان تو هستند و از ما است مهدی (صاحب الزمان) این امت که عیسی نماز خواند پشت سر او، سپس بر کتف حسین^{علیهم السلام} زد و فرمود: از این است از این (یعنی مهدی (ع) از نسل اوست).



از محمد صالح مازندرانی مقیم سمنان یکی از ده بند او:
 ای که در جمع ائمه همه ممتازی و مفرد
 گرچه هست از تو علی و حسین افضل و امجد
 کوکب دید فروزنده به معراج محمد ص
 حلقه بر گرد تو یک سلسله خوش یازده بر زد
 می درخشید ز تو عالم انوار مجرد
 او ملک برده ز مهدت به سراپرده ایزد
 مرحاگفت خداوند بدان عید مؤید
 به تو اعمال پذیرم به تو اعمال کنم رد
 به تو بخشم به تو گیرم به تو هم فتح و به تو سد
 به تو روزی و همی تنگ و فراخ از خوش و از بد
 زادگاه تو چراغی است که خاموش نگردد
 نام آن خانه حمد است و به حمد است محمد ص
 وان چراغی است که تاروز ظهر تو درخشید
 بیعت هیچ که بر گردن تو بند نبند
 از لقبهای تو دارند ملایک همه مشهد
 او صیارا نشد اینان لقبی ورد وزبان زد
 تو به هر بحر و بری حاضر و سردار تو معبد
 هست آیات و علامات تو ناچار صدش عد
 نام تو شد به همه کام ملل قند مجرد
 واستمع یوم ینادی سخن از روز تو گوید



شناخت امام عصر(ع)

از ظهور تو خبر داده کتاب الله احمد

تاكه بر پاي به دستت علم حمد نمائی

حججه بن الحسن اي آنکه ولی الله مائی

تو بزرگی و در آئینه کوچک ننمائی

از صدر الشريعة تنكابني

روح مجسمی که بدش لامکان مکان

جسم مجردی که بُدش در سما قرار

روحی که ساخت کالبدش را به دست خویش

نقاش قدرت ازلی پشت نه حصار

روح است اي عجب ز چه رو پس مجسم است

جسم است از چه رو نبود پس علاقه دار

آن علتی که ممکن واجب نما بود

وان حجتی که واجب و امکانیش شعار

انسان کاملی که بود منشا کمال

ام الکتاب شاهد غیب هشت و چار

عنقای قاف سرمدی و موجود عقول

صداق اسم اعظم و در قاف حق نگار

سبط رسول، نجل علی، زاده بتول

پور حسن سلیل حسین دوده کبار

مولای عصر حجت حق صاحب الزمان

مهدي خلق قائم موعد کردگار

شناخت امام عصر (عج)

ایضاً - حدیث عن کتاب یوم الخلاص قال موسی الكاظم علیه السلام: طوبي لشیعتنا المتمسکین بحیانا فی غیبیة قائمنا، الثابتین علی موالاتنا و البرائیة من أعدائنا أولئک میثا و نحن منهم، وقد رضوا بنا آغا و رضيوا بهم شیفۃ، طوبي هم اهم و الله معنا في درجتنا یوم القيمة.

ترجمه حدیث - حضرت موسی الكاظم علیه السلام فرمود: خوشابه حال شیعیان ما که تمسک به دوستی ما دارند و در غیبت قائم ما، آنان ثابت‌اند بر دوستی و معاودت، و بر بیزاری از دشمنان ما، آنان از مایند و ما از ایشان، آنان به امامت ما رضایت دارند و ما هم به شیعه بودن آنان، خوشابه حال ایشان، ایشان والله بما در درجات ما هستند در روز قیامت.

حدیث ۵ - عن الرؤوضة، عدّه من أصحابنا عن مُعویة بن عمار عن أبي عبد الله علیه السلام قال: خرج النبي ﷺ ذات يوم و هو مستبشر يضحك مسروراً فقال له الناس: أضحك الله سنه يا رسول الله وزادك سوراً، فقال رسول الله: إنّه ليس من يوم ولا ليلة الأولى فيها، تحفة من الله إلا إنّ ربّي أتحفني في يومي هذا تحفة لم يتحفني بها فيما مضى إنّ جبريل أتاني فاقرأني من ربّ السلام و قال: يا محمد إنّ الله عزّ وجل اختار من بني هاشم سبعة لم يخلق مثلهم فيمن مضى، ولا يخلق مثلهم فيمن بقى، أنت يا رسول الله سيد الثبین و على بن أبي طالب و صيّيك سيد الوصيّين، والحسن و الحسن سبطك سيد الأسباط، و حمزة عمك سيد الشهداء و جعفر بن عمك الطيار في الجنة يطير مع الملائكة حيث يشاء و منكم القائم يصلي عيسى بن مريم خلفه إذا أهبطه الله إلى الأرض من ذرية على علیه السلام و فاطمة علیه السلام من ولد الحسن علیه السلام.

حدیث پنجم - عده‌ای از اصحاب شیعه از معاویه بن عمار از امام صادق ع نقل می‌کنند که فرمود: روزی رسول خدا ص خارج شد خندان و مسرور، مردم گفتند خداوند تو را دائماً خندان و مسرور نماید و زیاد کند سرور تورا، رسول خدا ص فرمود: روز و شبی نیست مگر آن که برایم تحفه‌ای از طرف خدای تعالی می‌رسد، آگاهید که پروردگارم تحفه‌ای امروز به من عطا نمود و مانندش در گذشته نبود، جبریل آمد و گفت خدایت سلام می‌رساند ای محمد ص خداوند از بنی هاشم هفت کس را اختیار نمود که در گذشته مانندش را نیافریده و در آینده هم نیافریند، تو رسول خدا بزرگ پیامبرانی و علی بن ابیطالب وصی تو بزرگ وصیین، و حسن و حسین دو سبط تو آقای اسپاط و حمزه عمومی تو سید الشهداء و جعفر پسر عمومیت طیران کند در بهشت با ملائکه هر جائی که بخواهد، و از شما قائم است که عیسی نماز کند پشت سر او در زمانی که هبوط دهد خداوند او را به زمین، او از ذریه علی و فاطمه از اولاد حسین است.

حدیث ۶: عَنْ كِتَابِ يَنَابِيعِ الْمَوْدَةِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيرٍ وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي
كَمَالِ الدِّينِ عَنْ أَبْنِ جُبَيرٍ عَنْ أَبْنِ عَبْدَاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ عَلَيَّاً إِمَامٌ
أَمْقِي مِنْ بَعْدِي وَمِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي إِذَا ظَهَرَ يَمْلأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا
كَمَا مُلْئَتْ جَوَارًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعْثَنِي بِالْحَقِّ بَشِّرَأَ وَنَذَرَأَ. إِنَّ الشَّاثِيتَيْنَ عَلَى القَوْلِ
بِإِيمَانِهِ فِي زَمَانٍ غَيْبَتِهِ لَا غَرَّ مِنَ الْكِبَرِيَّةِ الْأَجَرِ، فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْلَدِكَ الْقَائِمُ غَيْبَةً؟ قَالَ إِنِّي وَرَبِّي لَيَحْصَنُ الَّذِينَ
آتَوْا وَلَيَعْلَمُ الْكَافِرُونَ، يَا جَابِرٌ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرْرٌ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوَى

شناخت امام عصر (ع)

من عبادِ اللهِ فَائِيَاكَ وَالشَّكْ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَ فِي أَمْرِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ كُفُرٌ.

حدیث ششم - سعید بن جبیر از ابن عباس حدیث کند که گفت رسول خدا فرمود: همانا علی، امام امت من است بعد از من و از اولاد او قائم منتظر است که وقتی ظاهر گردد، پر کند زمین را از عدل همانطور که پرشده از ستم و ظلم، به آن کسی که مرا مبعوث به حق و بشارت دهنده و ترساننده گردانید، آنان که ثابت و پابرجا باشند بر قول بامامنش در زمان غیبتیش از کبریت احمر کمیابترند، سپس جابر برخاست و گفت ای رسول خدا مگر برای فرزند شما قائم غیبت است؟ فرمود: بلى خدای من همانا آزمایش نماید مؤمنین را و محو نماید کافران را، ای جابر این امر از امرهای خداوند و سری از اسرار خداوندیست که مخفی است از بندگان خدا، پس بر تو باد از شک در آن، هر آینه شک در امر خداوند عزو جل کفر است.

حدیث ۷ - عنِ کِفَائِيَةِ الْأَئْرِ، جَابِرُ جُعْفَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ لِلشَّهَابِ: الْمَهْدَىٰ مِنْ وُلْدِي إِسْمَعِيلَ وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتُ أَشْبَهِ الثَّالِثِ بِخَلْقَهُ وَخَلْقَأَ يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَخَيْرَهُ تَضَلُّ فِيهَا الْأَقْمَمُ كُمَّ يَقْبَلُ (أو يَظْهَرُ) كَالشَّهَابِ الْثَّاقِبِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَرَوَاهُ كَمَالُ الدِّينِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

حدیث هفتم - جابر بن یزید جعفی از جابر بن عبد الله انصاری حدیث کند که گفت رسول خدا فرمود: مهدی از اولاد من است و اسم او اسم من و کنیه او کنیه من (محمد، ابو لقاسم) شبیه‌ترین مردم است به من از نظر صورت و

شناخت امام عصر(عج)

سیرت و برای او غیبی و حیرتی است که گمراه می شوند در آن حیرت و غیبت، امتهای سپس ظاهر گردد مانند شهاب ثاقب (ستاره ایست) پر کندز مین را از عدل بعد از آن که پرشده باشد از ستم و ظلم.

ایضاً حدیث عن کتابِ یوم الخلاص، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ تَعَالَى: وَ الَّذِي يَعْنَى
بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَيَغْيِبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وَلْدِهِ، بِعَهْدِ مَعْهُودِ إِلَيْهِ مِنْهُ حَتَّىٰ يَقُولَ أَكْثَرُ
النَّاسِ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ خَاجَةٌ، وَيَشُكُّ أَخْرَوْنَ بِدَلَائِلِهِ، فَنَأْدِرَكَ زَمَانَةً
فَلَيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلَ لِلشَّيْطَانِ عَلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكْهِ فَيَزِيلُهُ عَنْ مِلْتَقِي وَ يُخْرِجُهُ
عَنْ دِينِي، فَقَدْ أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ، وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّيْطَانِ
أُولَيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.

ترجمه حدیث، رسول خدا ﷺ فرمود: قسم به آن که مرا مبعوث نموده به حق تا بشارت دهنده باشم هر آینه غیبت می کند قائم از اولاد من، به عهد گرفته شده از من تا این که بیشتر مردم می گویند، نیست برای خدا در آل محمد حاجتی و شک کنند دیگران به نشانه های او، پس کسانی که درک آن زمان نمایند باید به دین او تمسک بجویند و قرار ندهند برای شیطان بر دینشان راهی به شک که از ملت من خارجند و خارج خواهند شد از دین همان طور که پدر و مادرشان از بهشت خارج شدند در قبل، و خداوند عزیز قرار داده برای شیطان دوستانی که به خدا ایمان نیاورده اند.

حدیث ۸- عن کتابِ یَنَا بِيَعُ المَؤَدَّةِ عن فَرَائِدِ السُّمْطَنِ عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
الأنضاري قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ تَعَالَى: مَنْ أَنْكَرَ خُروجَ الْمَهْدَى فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ
عَلَى مُحَمَّدٍ تَعَالَى، وَ مَنْ أَنْكَرَ نُزُولَ عِيسَى فَقَدْ كَفَرَ، وَ مَنْ أَنْكَرَ خُروجَ الدُّجَالِ

شناخت امام عصر (ع)

فَقَدْ كَفَرَ وَرَوَاهُ فِي غَایةِ المَزَامِ فِي فَضْلِ الْمُرْتَضِی وَالْبُشُولُ وَالسُّبْطَیْنِ وَفِي الْبُرْهَانِ
فِي عَلَامَاتِ مَهْدَیٍ آخِرِ زَمَانٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ كَذَبَ بِالدَّجَالِ
فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدَیٍ فَقَدْ كَفَرَ.

حدیث هشتم - از جابر بن عبد الله انصاری حدیث کند که گفت
رسول خدا فَلَمَّا كَانَتِ الْأَيَّلَةُ فَرَمِيْد: کسی که انکار ظهور مهدی را نماید محققا
کافر است به آنچه بر پیامبر حضرت محمد ﷺ نازل گردید، و آن که
انکار آمدن عیسی را (در وقت ظهور مهدی) نماید محققا کافر است،
و کسی که انکار خروج دجال (قبل از ظهور) نماید تحقیقا کافر است،
و روایت در کتاب غایه المرام (ترجمه آن، کفایه الحضام) در فضیلت
علی مرتضی و بتول العذراء و سبطین آمده و در برهان قسمت
علامات حضرت مهدی آخر زمان از جابر است که گفت رسول خدا
فَلَمَّا كَانَتِ الْأَيَّلَةُ فَرَمِيْد کسی که تکذیب نماید دجال را کافر است و آن که دروغ
پندارد حضرت مهدی (ع) را محققا کافر است.

حدیث - ۹ عن البرهان عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال:
السفياني من ولد خالد بن يزيد أبا سفيان، رجل ضخم الهمة، بوجهه أثر
المجدري، يعنيه نكبة بياض يخرج من ناحية مدينة دمشق، و عامه من يتبعه من
كلب، فيقتل حتى يقر بطن النساء ويقتل الصبيان فيجمع لهم قيس فيقتلها حتى
لا يمنع ذنب قلة، ويخرج رجل من أهل بيتي فيحرم فيبلغ السفياني فيبعث إليه
جنداً من جنود قيهز منهم فيسير إليه السفياني بن معه حتى إذا جاؤوا بيده من
الأرض خسف بهم فلا ينجو منهم إلا المخبر عنهم، آخر جهه عبد الله و المحاكم في
مستدركيه.

حدیث نهم - از کتاب برهان (اہل تسنن) از امیر المؤمنین حضرت
علی علیه السلام فرمود: سفیانی (در خبر دیگر است که او و امام قائم
در یک سال ظاهر می شوند) فرزند خالد بن یزید بن معاویه بن ابی
سفیان است، او مردی ضخیم الجثه است و در روی او اثر آبله وجود
دارد و در چشم او نقطه سفیدی است، او از ناحیه دمشق برخیزد و
عموم پیروان او چون سگها هستند، پس می کشد مردم را تا آن که
شکم زنان را بشکافد و کودکان را بکشد و جمع می کند برای آنان،
قیس می کشد اورا تا آن که، نماند از او چیزی و خارج می گردد
شخصی از اهل بیت من در حرم و چون سفیانی آگاه شود لشگری به
سوی او گسیل دارد ولی مواجه باشکست می شود آنگاه سفیانی با
سایر افراد سپاه خود به سوی او حرکت می کند و چون به زمین بیداء
می رسد زمین او را و اصحابش را به خود فرو می برد و باقی نمی ماند
از آنها مگر کسی که خبر دهد از آنان.

از محمد شاهرخی جذبه

مبشران ظهور

شکفت غنچه و بنشست گل بیار بیا

دمید لاله و سوری ز هر کنار بیا

بهار آمد و نشکفت باغ خاطر ما

تو ای روان سحر، روح نوبهار بیا

مگر چه مابه صبر عاشقان تو را

ز حد گذشت دگر رنج انتظار، بیا

ز هر کرانه شقایق دمیده از دل خاک

پسی تسلی دلهای داغدار بیا

ز عاشقان بلاکش نظر دریغ مدار

فروغ دیده نرگس به لاله زار بیا

ز منجنیق فلک سنگ فتنه می بارد

مباد آنکه فرو ریزد این حصار بیا

یکی به مجمع رنهان پاک باز نگر

دمی به حلقه میدان طرفه کار بیا

به سوی غاشیه داران میر عشق ببین

بکوی نادره کاران روزگار بیا

چه نقشها که نبیشتند بر صحیفه دهر

ز خونشان شده روی شفق نگار بیا

طلایه دار تواند این مبشران ظهور

بپاس خاطر این قوم حق گزار بیا

در این کویر که سوزان بود روان سراب

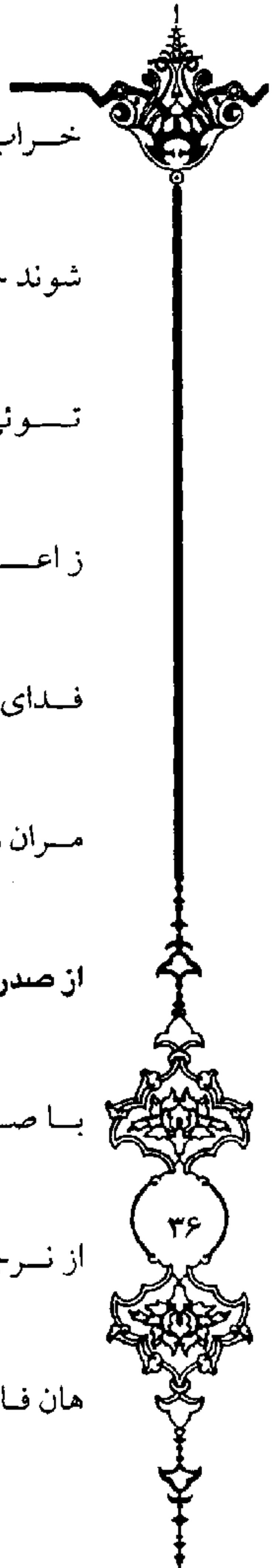
تو ای سحاب کرم ابر فیض بار بیا

ز دست بردمرا شور عشق و جذبه شوق

قرار خاطر محزون بی قرار بیا

عهد معدلت

برون ز حد عقول است و حیز امکان
خدیو کشور کون و مکان امام زمان
ملاذ و ملجا (مَنْ فِي الْوُجُودِ وَالْأَفَاقِ)
طفیل هستی او هر چه ظاهر است و نهان
پیمیزان همه بر خلقتش شهید و گواه
ببسته عهد همه اولیا به او پیمان
رضای اوست رضای خدای عزوجل
ولای اوست به گیتی نشانه ایمان
به قابلیت او بس همین آمُ الامکان
بفاعلیت او بس بسود آب الاکوان
محب اوست بهشت آفرین به نزد خرد
عدوی اوست سزاوار دوزخ و نیران
نبد عالم و آدم که ذات بیمیلش
درود حضرت حق می سرود از دل و جان
بیمن حضرت او رزق می دهد رزاق
برای اوست به پا هر چه هست در دو جهان
به عهد معدلتش مردمان سليم النفس
همه به نیکی و پاکی چوبودرو سلمان



خراب هر چه شده می کند زنو آباد
دکان زرق و ریاز بن کند ویران
شوند جمله خلایق فرشته خو و خصال
چراکه پیرو حقند و مجری قرآن
توئی سلاله یاسین و سوره طه
توئی که حضرت جبریل باشد در بان
ز اعتقاد به عمر دراز آن حضرت
سزد که فخر کند بر همه جهان ایران
فدای ذات شریفت شوم که بر هر درد
ز لطف و مهر توئی غمخور و توئی درمان
مران ز درگه خود جوهری مسکین را
که با امید به لطفت شده مدیحت خوان
از صدر الشریعه تنکابنی
لطف بیکران
با صورت محمدی و صولت علی
با یک جهان کرشمه و یک عالمی و قار
از نرجس حدیقه عصمت گلی حسن
 بشکفت و روزگار از او گشت نوبهار
هان فاش گوییم شده در سر من رای
از نور روی مهدی موعود نوبهار

شناخت امام عصر(ع)

تا شد سحاب پر تو خورشید را حجاب

انکار ذات آن نتوان کرد در نهار

هم از علوم سری و آیات وافره

چون شمس نیمروز شدی پر تو آشکار

هان گرچه وقت بود که بوده است روزگار

بی حجت خدای؟ عیان یا در استمار

گر حجت خدا نبود او پس از پدر

تا حال که شد گردش افلات رامدار

لطف است از خدای وجود چنین امام

لغوار نه بود خلعت خلق و نعیم و نار

آری وجود اوست ز حق لطف بیکران

لیکن حضور او است دگر لطف کردگار

از ملا محسن فیض

خبرم باز آید

اگر آن نایب رحمان ز درم باز آید

عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید

دارم امید خدایا که کنی تاخیری

در اجل تا سرم تاج سرم باز آید

گر نثار قدم مهدی هادی نکنم

گوهر جان به چه کار دگرم باز آید

آنکه فرق سر من خاک کف پای وی است
پادشاهی کننم ار او بسرم باز آید
کوس نو دولتی از بام سعادت بز نم
گربه بینم که شه دین ز درم باز آید
می روم در طلبش کوی به کو، دشت به دشت
شخصم ار باز نیاید خیرم باز آید
(فیض) نومید مشو در غم هجران و منال
شاید ار بشنو د آه سحرم باز آید
از غفور زاده شفق

تب عشق

ای گوهر ولای تو در جوهرم بیا
تا بر نشته تیر غمت در برم بیا
آتش گرفتم از تب عشق تو سوختم
ای کرده سور هجر تو خاکسترم بیا
من رو به آستان تو آورده ام ز شوق
من انتظار وصل تو رامی برم بیا
والفجر ما طلیعه فجر ظهرتست
ای لحظه طلوع تو در باورم بیا
اکنون که خط آتش و خون پیش روی ماست
ای دادخواه خون خدا در برم بیا

من خواب راز دیده دشمن ربوده ام

گاهی به خواب دیده پرسشگرم بیا

دامن کشان ز دامنه موج انفجار

ای سایه عنتیت حق بر سرم بیا

وقتی گلوله های منور غروب کرد

ای آرزوی گمشده در سنگرم بیا

یک عمر میزبان غمت بوده ام تو هم

یک شب به میهمانی چشم ترم بیا

حدیث ۱۰- کفاية الأثر- عبد الرحمن بن ثابت قال: قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلَى

صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَىٰ إِلَّا شَرَّ أَوْ لُمُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمْ

الثَّالِسُ مِنْ وُلْدِي، وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيَظْهُرُ بِهِ

دِينَ الْحَقِّ عَلَى الَّذِينَ كُلُّهُمْ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُ فِيهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ عَلَىٰ

الَّذِينَ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤْمِنُونَ وَيُقَالُ لَهُمْ آيَةٌ... (مقی هذا الوعد إن كنتم صادقین)

أَمَّا إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذْيَى وَالْتَّكَذِيبِ بِعِتَزَلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ

يَدَى رَسُولِ اللَّهِ تَعَالَى وَرَوَاهُ فِي كَمَالِ الدِّينِ وَفِي الْبِخَارِ لَا بْنَ عَيَّاشَ الْمَذَانِي.

حدیث دهم- کتاب کفایه الاثر از عبدالرحمن ثابت حدیث کند که

حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمود، ما دوازده نفریم که اول

آنان امیر المؤمنین علیه السلام و آخر آنها نهمین فرزند من است و او

قائم به حق است که زمین را خداوند بعد از مردنش به وجود او زنده

نماید، و ظاهر می کند به او دین حق را بر تمام ادیان ولو کراحت

داشته باشند مشرکان، و برای او غیبی است که مرتد می شوند

شناخت امام عصر (عج)

گروهی و ثابت می‌مانند بر دین او گروهی دیگر که مورد آزار قرار گیرند
(آیه ۲۵ سوره ملک چه وقت این وعده خواهد شد اگر باشد از راستگویان) اما صبر کنندگان در غیبت او مورد اذیت و آزار و تکذیب قرار گیرند که به منزله مجاهدین با شمشیرند در کنار رسول خدا ﷺ این حدیث در کتاب کمال الدین و بحار الانوار از ابن عیاش همدانی

نقل شده

از نظامی گنجوی

منتظران را به لب آمد نفس

سایه نشین چند بود آفتاب	ای مدنی برقع و مکی نقاب
ای ز تو فریاد به فریاد رس	منتظران را به لب آمد نفس
هر دو جهان را تو پر آوازه کن	ملک بر آرای و جهان تازه کن
خطبه تو خوان تا خطبا دم زند	سکه تو زن تا امراکم زند
غسل ده این منبر از آلودگان	باز کش این مسند از آسودگان
ما همه موریم سلیمان تو باش	ما همه جسمیم بیا جان تو باش
ما همه خفتیم تو بیدار، شو	خلوتی پرده اسرار، شو
دست برآور همه را دستگیر	ز آفت این خانه آفت پذیر

از ناصر مکارم

دوستانت همه سرگردانند

برو ای باد صبا کن گذری

بیر از ماسوی آن شه خبری

شتاخت امام عصر(عج)

تو مهین پادشه خوبانی

تو در این پیکر عالم جانی

به خدا طاقت ما طاق شده

دیده از بهر تو مشتاق شده

جام دل از غم تو لبریز است

سینه پر اخگر و آتش خیز است

دیده گریان و جگر پر خون است

خوب دانی که درونم چون است

مونس و مستظر جانهای

تسليت بخشش دل شیدائی

با همه فقر خریدار توام

عاشق خسته افکار توام

فاش می‌گویم، دل باخته‌ام

به تو، از غیر تو پرداخته‌ام

فash می‌گویم، مجنون توام

طالب و واله و مفتون توام

من از آن روز که بشناختم

یک نگه کردم و دل باختم

کمر بسندگیت را بستم

به صف چاکریت پیوستم

تُو هَمَانْ عِيسَى رُوحُ اللَّهِ

وارث حصدق كليم الله

آدم و نسوان و نوح نبی اللہ ہی

بہترین پور خلیل اللہی

تو محمد ﷺ تو حسین و حسنی

پادگار خلف بوالحسنی

صلف کون و مکان را گهري

از همه پاکدلان پاکتری

بهر دیدار تو در تاب و تیم

ساخت سودائی آن خال لیم

در رهت خیا شهیدان تا چند

دوستان بی سروسامان تا چند

در سماوات هدایت قمری

تُو ز خوبان چهان خوبتری

همه از بمن تر روزی خوارند

آسمانها همه اند، کارند

گ نہ دی، تھے افلائی نہود

آپ، باد، آتش، و هم خاکی نه د

آدم بـ الشـ از كـنـه عـلـم

نماید، به حفاظت همچو قلم

شناخت امام عصر(ع)

سوخته ز آتش کین خرمن دین

ظلم و بیداد شده جایگزین

همه از ظلم و ستم خسته شده

جمله درهای فرج بسته شده

عدل افسانه شده چون عنقا

قلب خونابه شده چون صهبا

رفته بر باد از آن صلح و قرار

بر جهان سایه فکن استکبارا!

روح افسرده و دل پژمرده

آسمان خفته، خلائق مرده

چهره خلق جهان مسخ شده

سخن حق عملاً نسخ شده

دوستانت همه سرگردانند

واله و غمزده و حیرانند

حاش لله که عنایت نکنی

مخلصان غرق کرامت نکنی

ناصرم از کرمت آگاهم

کمترین خادم آن درگاهم

در میلاد مولانا صاحب الزمان ﷺ
امشب شب ولادت شاهی است که نخست
کوچکترین تجلی او عرش اعظم است
غوث زمان که نصرت او را ز انتظار
نهانه جبرئیل که عیسی بن مریم است
مانند روح در تن گیتی او امرش
زان رو بود روان که خداوند اکرم است
افزون شد از هزار اگر سال عمر او
از دی عجب مدار که روح مجسم است
تغیر کی پذیرد از حادثات دهر
آن را که فضل طینت ارواح عالم است
آدم نهاد چون به دستان او قدم
او را به سرز تربیتش تاج علم است
خوانم گرت قدیم بود شرک و نقص تست
گویم که از حدوث وجود تو اقدم است
چون آدمی جمال سپاس تو می کند
نادان گمان برده اصم است و ابکم است
دانم من اینقدر که جهان جلوه‌ای ز تست
ورنه هنوز کنه صفات تو مبهم است

بنماز پرده منتظران را جمال خویش

کز فرقت تو روز همه شام مظلوم است

حدیث ۱۱- عن ينابيع المؤذة عن تفسير الغیاشی إنَّ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَينِ عَلَيْهَا السَّلَامَ قَرَأَ آيَةً (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ) قَالَ: وَاللَّهِ هُمْ مُحْبِبُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَىٰ يَدِ رَجُلٍ مِثْلِهِ وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَوْمَ يَقِيقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَيْوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عِتَاقِ إِسْمَهُ إِسْمَىٰ يَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْزًا.

حدیث یازدهم - امام سجاد علیه السلام قرائت فرمود (آیه ۵۵ سوره نور، خداوند و عده فرمود به کسانی که از شما بندگان که (به خداوند و حجت عصر) ایمان آورد و نیکوکار گردد، در زمین خلافت (در ظهر حجت) دهد چنانچه امم صالح پیامبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند) امام فرمود: به خدای تعالیٰ قسم ایشان دوستداران ما اهل بیت هستند که به جا آورد خداوند این و عده را به دست مردی از ما و او مهدی این امت است که رسول خدا فَلَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِ فَرَمَاهُمْ فَرَمَاهُمْ فرموده: اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، آن روز را خداوند آن قدر طولانی نماید تا این که بیاید مردی از عترت من که همنام من است و پر کند زمین را از عدل بعد از آن که پر شده از ظلم و ستم

حدیث ۱۲- کِفَائِيَّةُ الْأَثَرِ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ بْنُ بَكِيرٍ قَالَ: دَخَلَتْ عَلَى رَيْدِ بْنِ عَلَيٍّ وَعِنْدَهُ صَاحِبُ بْنُ بُشَّرٍ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَهُوَ يُرِيدُ الْخُروجَ إِلَى الْعِرَاقِ فَقُلْتُ لَهُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدَّثَنِي بِشَيْءٍ سَيِّفَتَهُ عَنْ أَبِيكَ قَالَ: نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

شناخت امام عصر (عج)

قال: قالَ رَسُولُ اللهِ أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمُ الشَّفِيعُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، الْكَرِيمُ لِدُرِيَّتِي، وَالْفَاضِلُ لَهُمْ
خَوَائِجُهُمْ، وَالشَّاعِرُ لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ إِضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ، وَالْحَبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ
لِسَانِهِ فَقُلْتُ: زِدْنِي يَابْنَ رَسُولِ اللهِ مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ قَالَ: نَعَمْ حَذَثَنِي
أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ تَعَالَى مِنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَسَعَنَ
شَفَاعَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ، يَابْنَ بَكِيرٍ مِنْ أَحَبَّنَا فِي اللَّهِ حُشِّرَ مَعَنَا وَأَدْخَلَنَا مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ،
يَابْنَ بَكِيرٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا فَهُوَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلُونِ، يَابْنَ بَكِيرٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى اصْطَفَنِي مُحَمَّداً فَلَا يَكُونُ مِنْ دُرِيَّتِي وَأَخْتَارَنِي لَهُ دُرِيَّتِي، فَلَوْلَا نَامَ يَخْلُقُ اللَّهُ تَعَالَى الدُّنْيَا وَ
الآخِرَةِ، يَابْنَ بَكِيرٍ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ، وَبِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَنَحْنُ السَّبِيلُ إِلَى اللَّهِ وَمِنْ
الْمُصْطَفَى وَمِنَ الْمُرْتَضَى وَمِنَّا يَكُونُ الْمَهْدِيُّ فَإِنَّمَا هُذِهِ الْأُمَّةُ، قُلْتُ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ
هَلْ عَاهَدْتَ إِلَيْكُمْ رَسُولُ اللهِ مَنْ يَقُولُ فَإِنَّكُمْ؟ قَالَ: يَابْنَ بَكِيرٍ إِنَّكَ لَنْ تَلْحَقَهُ، وَإِنَّ
هَذَا الْأَمْرِ يَكُونُ بَعْدَ سِتَّةِ مِنَ الْأَوْصِياءِ بَعْدَ هَذَا ثُمَّ يَجْعَلُ اللَّهُ خُروجَ قَائِمَنَا فَيَمْلأُهَا
قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَهَنَّمَ وَظُلْمًا، فَقُلْتُ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ أَسْتَضْعِفُ صَاحِبَ هَذَا
الْأَمْرِ؟ فَقَالَ أَنَا مِنَ الْعِتَرَةِ فَقَدِدْتُ فَعَادَ إِلَيَّ فَقُلْتُ هَذَا الَّذِي تَقُولُ عَنْكَ أَوْ عَنْ
رَسُولِ اللهِ تَعَالَى فَقَالَ: (لَوْكُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا سَكَرَتَتُ مِنَ الْخَيْرِ) لَا وَلَكِنْ عَاهَدْتَ
عَهْدَهُ إِلَيْنَا رَسُولُ اللهِ تَعَالَى مِنْ أَنْشَأَ يَقُولُ نَحْنُ سَادَاتُ قُرَيْشٍ - وَقَوْمُ الْمَقْ
فِينَا - نَحْنُ الْأَنْوَارُ الَّتِي - مِنْ قَبْلِ كَوْنِ الْخَلْقِ كُنَّا - نَحْنُ مِنَ الْمُصْطَفَى الْمُخْتَارُ - وَ
الْمَهْدِيُّ مِنْنَا - فِينَا قَدْ عُرِفَ اللَّهُ - وَبِالْحَقِّ أَنَّا - سَوْفَ يَصْلَاهُ سَعِيرًا - مَنْ تَوَلَّ
الْيَوْمَ مِنْنَا - قَالَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

حدیث دوازدهم- در کتاب کفایه الاشر گوید حدیث کرد مارا
محمد بن بکیر گفت: وارد شدم بر زید بن علی و نزدش صالح بن بشر
بود، سلام کردم در حالی که او قصد رفتن به عراق را داشت، گفت: بر

او ای پسر رسول خدا حدیثی برایم بازگو کن که از پدرت شنیده باشی، زید گفت: حدیث کرد مرا پدر از پدرش از جدش که گفت: رسول خدا ﷺ فرموده چهار کس را من شفاعت نمایم در قیامت: ۱- آن که به ذریه من کرامتی نماید، ۲- حواج ذریه مرا برأورد، ۳- سعی در امور ذریه من نماید وقتی که آنان گرفتاری دارند، ۴- دوست ذریه من باشد با زبان و دل، گفتم: زیاد فرما یابن رسول الله ﷺ از آنچه که خداوند انعام نموده بر شما، گفت: حدیث نموده مرا پدرم از پدرش از جدش رسول خدا ﷺ: کسی که دوست ما اهل بیت باشد ما هم در قیامت او را شفاعت می‌کنیم، ای پسر بکیر کسی که دوست داشته باشد ما را برای خدا محشور شود با ما وارد شود در بهشت، ای پسر بکیر کسی که متمسک شود بما هر آینه او با ما در درجات اعلی است، ای پسر بکیر خدای تعالی برگزید پیامبرش محمد ﷺ را و اختیار نموده ما را به ذریه او، پس اگر نبودیم ما خداوند نمی‌آفرید دنیا و آخرت را، ای پسر بکیر بما شناخته شد خدا و به وسیله ما عبادت کرده شد حق تعالی، مائیم راه به سوی خدا، و از ماست برگزیده او مصطفی ﷺ و از ماست اختیار شده او مرتضی طیلا و از ما می‌باشد مهدی (عج) قائم این امت، گفتم یابن رسول الله آیا عهد بر شما نموده رسول خدا چه وقت است قیام قائم شما؟ گفت: ای پسر بکیر تو هرگز ملحق به او نشوی همانا این امر می‌باشد بعد از شش پشت از او صیا من و بعد از آن قرار داده است خداوند ظهور قائم را پس از آن که دنیا پر از ظلم و ستم شود، او پر نماید از عدل و داد، گفتم: یا بن رسول الله

شناخت امام عصر (عج)

آیا نیستی تو صاحب این امر؟ گفت: من از عترتم آنگاه به سوی من برگشت، گفتم این را از خودت گوئی یا از رسول خدا الله عزوجل گفت: اگر من غیب میدانستم بسیاری از خیر و خوبی‌ها را برای خود بجا می‌آوردم ولکن عهد فرموده به ما رسول خدا الله عزوجل، آن وقت اشعاری را انشاء نمود.

حدیث ۱۳- فی کِتَابِ كَمَالِ الدِّينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الشَّقِيقِ الطَّخَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سُنَّةً مِنْ حَمَسَةٍ مِنَ الرَّوْسِلِ، مِنْ يُونُسَ بْنِ مِيقَاتِ فَرْجُو عِيهِ مِنْ غَيْبَتِهِ، وَهُوَ شَابٌ بَعْدَ كِبَرِ السِّنِ، فَأَمَّا سُنَّةُ مِنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبِ فَالْغَيْبَةُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَاخْتِفَائِهِ مِنْ إِخْرَاجِهِ وَإِشْكَالِ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَبِيهِ، وَأَهْلِهِ وَشَیْعَتِهِ، وَأَمَّا سُنَّةُ مِنْ مُوسَى فَذَوَامُ خَوْفِهِ، وَطُولُ غَيْبَتِهِ، وَخِفَاءُ وَلَادَتِهِ، وَتَعَبُ شَیْعَتِهِ مِنْ بَعْدِ مَيَالَقُوا مِنَ الْأَذْيَ وَاهْوَانِ إِلَى أَنْ أَذْنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظُهُورِهِ وَنَصْرَةِهِ، وَأَيَّدَهُ عَلَى عَدُوِّهِ، وَأَمَّا سُنَّةُ مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ مِنْ إِخْتَلَافِ فِيهِ حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ مَا وَلَدَ، وَطَائِفَةٌ مِنْهُمْ قَالَتْ مَاتَ، وَطَائِفَةٌ قَالَتْ قُتِلَ وَصَلَبَ وَأَمَّا سُنَّةُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ فَتَجَرِيَدُهُ السَّيْفُ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَأَعْدَاءُ رَسُولِهِ وَالْجَبَارِينَ، وَالظَّوَاغِيَّ، وَإِنَّهُ يَنْصُرُ بِالسَّيْفِ وَالرُّعبِ وَإِنَّهُ لَا يُرَدِّلُهُ رَأْيَهُ، وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ صلی الله علیه و آله و سلم خُرُوجُ الشَّفِيَّانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجُ الْيَهَانِيِّ وَصَبِيَّحَةُ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهِرِ رَمَضَانِ، وَمُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِسَمِيهِ وَإِسْمِ أَبِيهِ.

ترجمه حدیث سیزدهم در کتاب کمال الدین صدوق از محمد بن

شناخت امام عصر(عج)

مسلم ثقیل آسیابان به استنادش حدیث می‌کند که گفت وارد شدم بر حضرت ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام و قصد داشتم سوال کنم از خصوصیات قائم، آن حضرت قبل از سوال من ابتداء فرمود: یا محمد بن مسلم همانا در قائم از اهل بیت محمد ﷺ پنج سنت از پنج پیامبر است، از یونس بن متی رجوع اوست از غیبت و او جوانیست بعد از سن بسیار، و اما سنت از یوسف بن یعقوب، غیبت او از اهلش و از عموم و مخفی بودنش از برادرانش و اشکال امرش از پدرش یعقوب پیامبر با نزدیکی بین او و بین پدر و اهل و پیروانش.

و اما سنت از موسی ادامه خوف و ترس و طول غیبت و مخفی بودن ولادتش و ناراحتی شیعه از بعد او از آنچه صدمات و آزار و اذیت تا آن که خدایتعالی اذن دهد ظهرش را و یاریش کند و او را بر دشمنانش ظفر دهد.

و اما سنت از عیسی اختلاف در آن است که گروهی گویند او متولد شد و گروهی گویند مرده و طائفه‌ای قائل به کشتن او و به دار آویختنش باشند

و اما سنت از جدش پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر و خروج بر دشمنان خدا و دشمنان رسول و جبارین و طاغوتیان است و همانا او نصرت یابد با شمشیر و ترس در دلها و هر آینه برنگردد برای او پرچم و از علامات قبل خروجش، خروج سفیانی از شام و خروج یمانی و صیحه و صدا آسمانی بنامش

در ماه رمضان و منادی نداکند به اسم او و اسم پدرش .

حدیث ۱۴ - عن کمال الدین، عن الحسین بن خالد عن الامام علی بن موسی الرضا عليه السلام عن آبائیه الكرام عن حسین بن علی علیهم السلام عن أبيه أمیر المؤمنین علیه السلام إله قال: التاسع من ولدک یا حسین هو القائم بالحق، و المظہر للدین، و النايسط للعدل قال الحسین فقلت له: یا أمیر المؤمنین و ان ذلك لکائن فقال علیه السلام: ای والذی بعث محمدًا بالنبوة و اصطفاه علی جميع البریة و لكن بعد غیبتیه و حیرة فلا یثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون بروح اليقین الدین آخذ الله عز و جل میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الإيمان و آیدھم بروح منه.

حدیث چهاردهم - صدق از حسین بن خالد نقل کند که حضرت امام علی بن موسی الرضا عليه السلام از پدران کرامش از امیر المؤمنین علیه السلام حدیث کند که فرمود: یا حسین نهمن فرزند تو قائم بحق و ظاهر کننده دین و بسط دهنده عدل است، حضرت حسین علیه السلام عرض کرد: یا امیر المؤمنین علیه السلام همانا این از وقایع حتمیه است، امیر المؤمنین فرمود: بلی به آن کسی است که پیامبر را به نبوت برگزیده و او را بر جمیع مخلوقات انتخاب کرد، ولكن بعد از غیبت او و سرگردانی و حیرتی که ثابت نمی مانند بر دین مگر مخلصون که مباشرت دارند با روح اليقین آنانی که خداوند از آنها عهد و میثاق گرفته، ایشان را بولایت ما و نوشه شده در قلبها ایشان ایمان و مؤید هستند به روحی از جانب خدا .

در ولایت با سعادت صاحب الزمان طیب‌الله

وقت نشاط و خرمی شیعیان رسید

روز تولد شه کون و مکان رسید

ناموس دهر را چو زمن آستین فشاند

بر آسمان فروغ از این آستان رسید

نار احستان ظلمت اهل فساد را

نور هدی و صاحب عصر و زمان رسید

با مقدم مبارک وی شد جهان جنان

نور رخش به سلسلة کوهکشان رسید

روای صبا به گلشن پژمرده مژده ده

بلبل دگر نوانکند باغبان رسید

فجر طلوع صبح سعادت شد آشکار

فخر ملوک خسرو گوهر فشان رسید

دلدادگان حسن خدا داد شاد باد

معشوق دل نواز دل عاشقان رسید

فسانه گفت چشمۀ ظلمات هان بیا

آب حیات زندگی جاودان رسید

سار غم فراق ز دلخستگان گرفت

آن مژده کز وصال شه انس و جان رسید

بُر رهروان راه طریقت نوید باد

نور جبین رهبر این کاروان رسید

شاها زبان به مدح تو بگشود زین سبب

بر نطق ناتوان کلامی، توان رسید

از پیروی

دنیا پر از ترانه الله اکبر است

دنیا ز ظلم و جور پلیدان چو تیره شد

فسق و فجور بر همه آفاق چیره شد

چشم عدو به ساحت اسلام خیره شد

از بهر حفظ دین محمد ﷺ ذخیره شده

مردیکه بر همه سر و سالار و سرور است

ای قائم محمد ﷺ ای پیشوای دین

آشته شد ز جور عدو وضع مسلمین

اسلام شد ضعیف ز جور معاندین

شد وقت آنکه مرکب شاهی کنی تو زین

ظاهر کن آن وجود که مهر منور است

یا صاحب الزمان ﷺ به ظهورت مکن در نگ

بگرفته است آینه قلبها زنگ

بر شیعیان و آل علی گشته هر صه تنگ

محشور گشته عده‌ای با فرقه فرنگ

گر بشمرم مفاسد آن شرم آور است

شنایخت امام عصر(ع)

دنیا بود بدون فروع تو تیره شب

افتاده ایم سخت به رنج و غم و تعب

شد وقت آنکه تیغ کشی ای شه عرب

بهر قصاص خون حسین طیل شاه تشه لب

شاهنشهی که کشته شمشیر و خنجر است

چون مرغ پر شکسته فتادیم در قفس

غیر از وجود تو نبود هیچ دادرس

یا صاحب الزمان طیل تو به فریاد ما برس

نهانه چشم پیروی بر این در است و بس

چشم تمام مردم دنیا بر این در است

از دکتر رسا

مدیحه حضرت صاحب العصر

صبح پیکی ز مسیحا دم جانان آمد

گفت برخیز که آرام دل و جان آمد

مسی کند مرغ سحر زمزمه بر شانجه گل

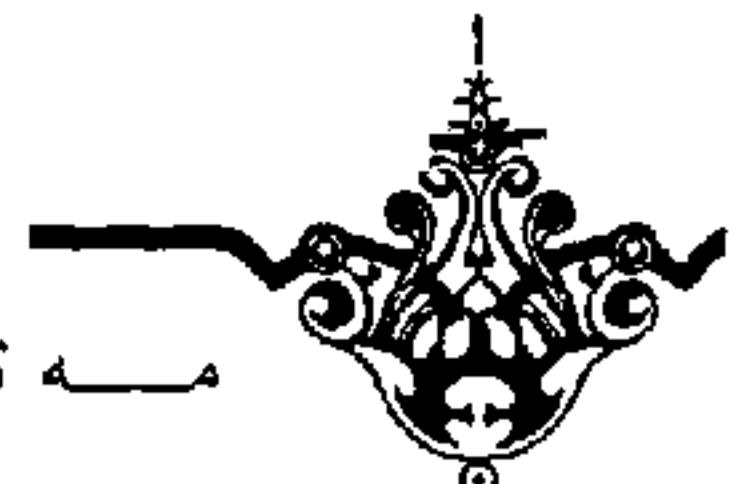
که زنرگس ثمری پاک به دوران آمد

دعوی رهبری ای جعفر کذاب خطاست

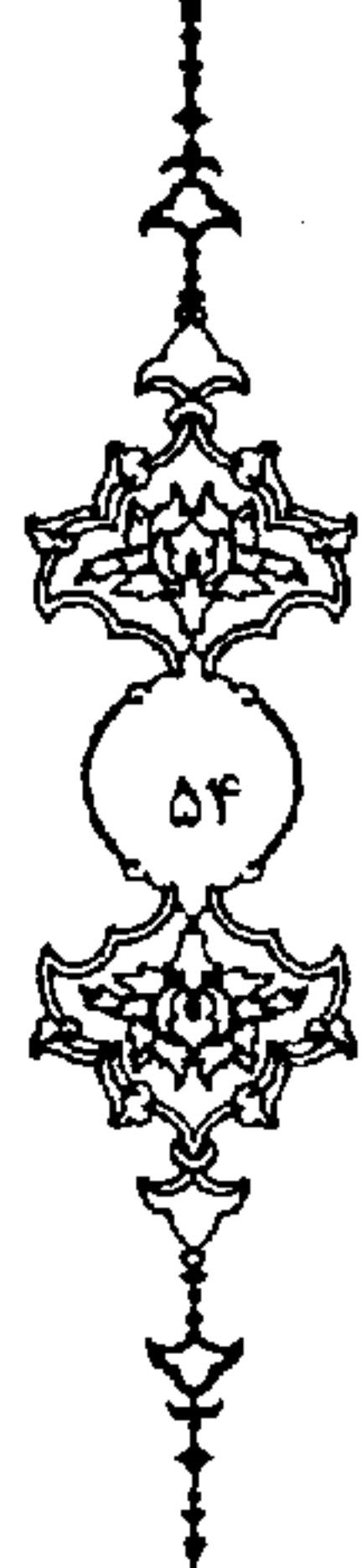
که به صد جلوه برون حجت یزدان آمد

سحر از پرده نشینان حریم ملکوت

نغمه برخاست که آن خسرو خوبان آمد



مه تابان امامت ژمر باغ رسول
در سحرگاه شب نیمه شعبان آمد
تابش نور رخش بر همه ذرات وجود
روشنی بخش چو خورشید درخشان آمد
وارث علم نبی قوت بازوی علی
بهر افراشتن پرچم قرآن آمد
چهره‌ای زهره بپوشان که زبان ملکوت
زهره فاطمه با چهره تابان آمد
مظهر حسن حسن اوست که با وجه حسن
پسی آرامش دلهای پریشان آمد
آنکه اندر تن او خون حسین ابن علی است
پسی خون خواهی سالار شهیدان آمد
در ره زهد و عبادت چو علی ابن حسین
سوی حق قافله را سلسله جنبان آمد
علم باقر همه با اوست که با مشعل نور
رهبر جامعه بسی سرو سامان آمد
تاز ناپاک کند مذهب صادق را پاک
با دو صد معجزه و حجت و برهان آمد
همچو کاظم که بود قبله حاجات به خلق
در دستان جهان را پسی درمان آمد



چون رضا تا کند او تکیه به او زنگ علوم

وارث خسرو دین شاه خراسان آمد

اوست سرچشمہ تقوی و فضیلت چو جواد

منبع فیض و جوانمردی و احسان آمد

هادی وادی حق از پس ارشاد بشر

با چراغ خرد و دانش و عرفان آمد

یادگاری بود از عسکری آن حجت حق

تاجهان را کند از عدل گلستان آمد

قائم آل محمد ﷺ شه اقلیم وجود

هان به فرماندهی عالم امکان آمد

ای شه مستظر از مستظران چهره مپوش

که دگر جان به لب از محنت دوران آمد

خسروا جز تو درین ملک سلیمانی نیست

کی رسد مردہ به موران که سلیمان آمد

از فقی تبریزی

آیینه غیب نما

ای نهان ساخته از دیده ما صورت خویش

به در از پرده غیب آی و نما طلعت خویش

طاق شد طاقت یاران بگشا پرده زرخ

ای نهان ساخته از دیده ما صورت خویش

نه همین چشم به راه تو مسلمانانند
عالی رانگران کرده‌ئی از غیبت خویش
آمد از غیبت تو جان به لب مستظران
همه دادند زکف حوصله و طاقت خویش
بسی رخت بسته به روی همه درهای امید
بکشا بر رخ احباب در از رحمت خویش
گرچه غرقیم به دریای گناهان، لیکن
شرم ساریم و خجالت زده از غفلت خویش
روی دل سوی تو داریم به صد عجز و نیاز
جز تو ابراز نداریم به کس حاجت خویش
جز تو مارانبود ملجهای ای حجت حق
باد سوگند ترا بر شرف و عصمت خویش
دست ماگیر که بیچارگی از حد بگذشت
بکشامشکل مارابه ید همت خویش
روزگاریست که از جهل و نفاق و نخوت
هر کسی رنج کسان می‌طلبید، راحت خویش
تاکه بر کار خلائق سرو سامان بخشی
گیر با دست خدائی علم نهضت خویش
توئی آن گوهر یکدانه دریای وجود
که خداوند جهان خواند ترا حجت خویش

شناخت امام عصر(عج)

ساخت حق آینه غیب نماروی ترا

نگرد خواست در آن آینه تا طلعت خویش

هست میلاد همایون تو آن عید که حق

در چنین روز عیان کرد مهین آیت خویش

یافت زان روی، شرف نیمه شعبان کامروز

شامل حال جهان کرد خدارحمت خویش

قرب حق یافت به تحقیق کسی کوبه صفا

با تو پیوست و گستت از دگران الفت خویش

خوش زدی دم ز مدیح ولی عصر (فتی)

که فزودی به بر اهل ولا حرمت خویش

کوش در بندگی آل علی با دل و جان

تا کند شامل حال تو خدارحمت خویش

ایضاً حدیث عن کتاب يوم الخلاص قال رسول الله ﷺ: طوبی لمن أدرى

قائم يحيى و هو مقتند به قبل قيامه يتولى وليته و يتبرأ من عذوه و يتولى الآئمة

المادين من قبيله، أولئك رقائب، و ذو ودي و مودتي، وأكرم أمقي على يوم

القيمة، طوبی لمن لقيه، و طوبی لمن أحبه و طوبی لمن قال به، ينجيهم الله من

الملائكة و بالاقرار يأله و رسوله، و يجمع الآئمه يفتح الله لهم الجنة، مثلهم في

الأرض كمثل المسك الذي يسطع ريحه فلا يتغير أبداً و مثلهم في الشاء كمثل

القمر المنير الذي لا يطفأ أبداً.

ترجمه حدیث: رسول خدا ﷺ فرمود: خوشابه حال کسی که

در کند زمان قائم از اولاد مرا و اقتدا کند به او قبل از قیامش به

شناخت امام عصر (ع)

دوستی او و بیزاری از دشمن او و به دوستی امامان هادی از قبل از او، آنان رفای منند و صاحب دوستی و مودت و گرامی ترین امت من در نزد من در روز قیامت، خوشابه حال کسانی که او را ملاقات کنند، خوشابه حال کسانی که دوست اویند و خوشابه حال کسانی که دوستدار او و پیرو او باشند خداوند آنان را از هلاکت نجات دهد با اقرار به خدا و رسولش و جمع می نماید امامانرا و می گشاید خدا برای آنان بهشت را، مثل آنان در زمین مانند مشکی است که بوی آن فraigیر است و هیچگاه تغییر نمی کند و مثل آنان در آسمان مانند ماه نور دهنده است که خاموش نمی شود.

حدیث ۱۵ - عن كِفَائِيَةُ الْأَقْوَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقُلْتُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ: أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الَّذِي يُطْهِرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْذَاءِ اللَّهِ وَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وِلْدَى لَهُ غَيْبَةً يَطْوُلُ أَنْدَهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَرْتَدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبِتُ فِيهَا آخْرُونَ ثُمَّ قَالَ مُلَكِّلًا: طُوبِي لِشَيْعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَى مَوْالَاتِنَا وَ الْبَرَائِةِ مِنْ أَعْذَائِنَا، أُولَئِكَ مِنْنَا وَ لَهُنَّ مِنْنُهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَنْهَى وَ رَضِيَّا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبِي لَهُمْ ثُمَّ طُوبِي لَهُمْ، هُمْ وَ اللَّهُ مَعْنَانِ دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ، رَوَاهُ فِي كَهَّالِ الدِّينِ.

حدیث پانزدهم - یونس بن عبد الرحمن گفت: وارد شدم بر حضرت امام موسی بن جعفر علیهم السلام گفتم: یا بن رسول الله تو قائم بحقیقی، فرمود: من قائم به حق و لکن آن قائم به حق که پاک می کند زمین را از دشمنان خدا و پر می کند از عدل کما آن که پر شده

باشد از ظلم و جور، او پسجمین از اولاد منست و برای او غیبیتی طولانیست، از بیم جان او در آن غیبت گروهی بر می گردند و ثابت و پابرجا می مانند گروه دیگر، سپس فرمود: خوشابه حال شیعیان ما که تمسک به ریسمان ما دارند در غیبت قائم ما و ثابت و مستقیم‌اند بر دوستی ما و برائت دارند از دشمنان ما، آنان از مایند و ما از ایشانیم، محقق‌راضی هستند به امامت ما، و ماراضی هستیم به آنان که شیعه مایند، پس خوشابرای آنان پس خوشابه حال آنان و الله با مایند در درجات ماروز قیامت.

حدیث ۱۶- عن كِفَاهَةِ الْأَثَرِ۔ عَنْ الْحُسَينِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: عَلَيْنَا مُوسَى الرِّضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ، وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيهَ لَهُ، وَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ يَعْنِي أَعْقَلُكُمْ بِالْتَّقِيَّةِ فَقِيلَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَنْ قَالَ: إِنِّي يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ هُوَ يَوْمُ خُروجِ قَائِمَنَا، فَنَّ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُروجِ قَائِمَنَا فَلَيَسْ مِثْنَا قِيلَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي إِبْرَاهِيمَ سَيِّدَ الْإِمَامَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَ يَقْدِسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُرُ النَّاسَ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُروجِهِ فَإِذَا أَخْرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُشْرِيَّةً، وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدًا أَخْدَا، وَ هُوَ الَّذِي تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبَعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (إِنَّ نَشَأْنَا نُزَّلُ عَلَيْنَا مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ) وَ رَوَاهُ فِي كَمَالِ الدِّينِ.

حدیث شانزدهم - حسین بن خالد گفت: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: کسی که در اعمال خود ورع نداشته باشد دین ندارد،

شناخت امام عصر (عج)

و آن که تقيه نداشته باشد ايمان ندارد، و فرمود مکرم‌ترین شمانزد خداوند با تقواترين شمایند یعنی اعمال شما با تقيه توام باشد، گفته شد به آن حضرت تا چه وقت است، فرمود: تا وقت معلوم و آن روز خروج قائم ما است، کسی که ترک کند تقيه را قبل از ظهر قائم ما از ما نیست، گفته شد یا بن رسول الله کیست قائم شما اهل بیت؟ فرمود چهارمین از اولاد من فرزند بانوی بانوان که خداوند به وجود او پاک می‌نماید زمین را از هر ظلم و جور و پاکیزه گرداند از هر ستم، او کسی است که شک کنند مردم در ولادتش و او غیبی کند قبل از خروجش، و زمانی که ظهر نمود نورانی نماید زمین را بانور خودش، و قرار دهد میزان عدل را بین مردم تا کسی به دیگری ظلم ننماید، و او آنچنانیست که زمین برایش پیچیده شود با خواستش، که می‌فرماید: آگاه باشید همانا حاجت خداوند ظاهر شد در کنار بیت الله (کعبه) پس متابعت نمایید او را هر آینه حق با اوست و در اوست و آن قول خداوند است که فرمود: (ما اگر بخواهیم از آسمان آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ايمان فرود آرند) اين حدیث در

كمال الدين هم آمده

در مانم آرزوست

یک لحظه دیدن رخ جانانم آرزوست

یکدم وصال آن مه خوبانم آرزوست

در خلوتی چنان که نگنجد کسی در آن

یکبار خلوت خوش جانانم آرزوست

من رفته از میانه و او در گنار من

با آن نگار عیش بدینسانم آرزوست

جانا ز آرزوی تو جانم به لب رسید

بنمای رخ که قوت دل و جانم آرزوست

گر بوسه‌ای از آن لب شیرین طلب کنم

طیره مشوکه چشم حیوانم آرزوست

در لحظه‌ای به کوی تو ناگاه بگذرم

عیم مکن که روشه رضوانم آرزوست

وز روی آن که رونق خوبان ز روی تست

دایم نظاره رخ خوبانم آرزوست

بر بروی آن که به وی دارد نسیم گل

پیوسته بروی باغ و گلستانم آرزوست

سودای تو خوشت و وصال تو خوشر است

خوشر از این و آن چه بود؟ آنم آرزوست

ایمان و کفر من همه رخسار و زلف تست

در بند کفر مانده و ایمان آرزوست

در دل عراقی و درمان من توانی

از درد بس مسلولم و درمان آرزوست

حدیث ۱۷ - عن كَهَّاْلُ الدِّينِ، رَيْثَانُ بْنِ الصَّلَتْ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ،

أَنْتَ صَاحِبُ الْأَمْرِ فَقَالَ طَبَّلَةُ: أَنَا صَاحِبُ الْأَمْرِ وَلِكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمْلَأَهَا عَدْلًا

كَمَا مُلِئَتْ جُورًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَىٰ مَا تَرَىٰ مِنْ ضَعْفٍ بَدَنِي، وَلِكِنِّي القائمُ

هُوَ الدِّي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِ الشَّيْوخِ، وَمَنْظَرُ الشَّبَابِ قَوْيٌ فِي بَدَنِهِ حَتَّىٰ لَوْمَدَ

يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ الشَّجَرَةِ عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلْعَهَا، وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِنَالِ لَتَدَكَّتْ

صُحُورُهَا، يَكُونُ مَعْهُ عَصَا مُوسَىٰ وَخَاتَمُ سُلَيْمَانٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ

وَلَدِي يَغْيِيَةُ اللَّهِ فِي سِرِّهِ مَا شاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَظْهُرُ فَيَعْلَمُ بِهِ الْأَرْضُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا

مُلِئَتْ جُورًا وَظُلْمًا.

حدیث هفدهم - ریان بن الصلت گفت: گفتم به حضرت رضا عليه

السلام شما صاحب الامرید؟ فرمود طبلة: من صاحب الامر و لكن آن

کسی نیستم که پر کند زمین را از عدل کما این که پر شده باشد از ستم،

چگونه توان من است بر آنچه می بینی از ضعف بدن من، و لكن قائم

آن کسی است که وقتی ظهور نماید با سن بسیار و قیافه جوان آنقدر

قوی است از لحاظ بدن تا این که اگر بکشد دستش را به سوی

بزرگترین درختها می خوابد بر روی زمین و از جای کنده شود، و اگر

صدا کند به این کوهها هر آینه تکه شود سنگهای سختش، و با او

عصای موسی و انگشتتر سلیمان علیهم السلام و او چهارمین فرزند

شناخت امام عصر(عج)

من است پنهان می نماید خداوند او را در پرده غیبت خود هر اندازه
بخواهد، سپس ظاهر شود و پر کند زمین را از عدل و داد همانطور که
پر شده باشد از ظلم و ستم.

از پیروی

توسل به حضرت ولی عصر

دلبر سیم تنم، پابه رکاب است هنوز

بخت این بندۀ بیچاره به خواب است هنوز

دلبر اگوشه چشمی بکن از بهر خدا

که مراگوشه دل در تب و تاب است هنوز

دل مارا مشکن کن نظری از ره مهر

نظر لطف تو در پشت حجاب است هنوز

دارم امید بگیری خبر از حال دلم

گرچه این آرزویم هم چو سراب است هنوز

عکس تو در دل عشاق و فادار بود

عکس این عاشق دل خسته به قاب است هنوز

کار تو کار درست است و ندارد حر斐

کار این شاعر بیچاره خراب است هنوز

گرچه درها به رویم بسته و باشد پنهان

پیروی متظر اخذ جواب است هنوز

ترجیعات مهدویه صلوات الله علیه

بند اول

حجۃ بن الحسن شه موعود
که نشانی ز کائنات نبود
جلوہ حق به ملک غیب و شهود
که ز دل زنگ غیر را به زدود
هم زو اللیل موی او مفقود
سیرتش سیرت خدای ودود
دل خلقی ز حسن خویش ریود
از خدا و خلائق است درود
باد بر جمله دوستان مسعود
حق نگهدار او ز چشم حسود
در بهشت برین به مجرم عود
خُرَّما روز عید این مولود
شیعیان شاد و خرم و خشنود
بلبل از شاخ گل چنین به سرود
صاحب العصر و الزمان آمد

مرده کز غیب ز دقدم به شهود
داشت نورش ظهر حق ز نخست
مظہر ذوالجلال و الاکرام
بسیند آنکس رخ دلارایش
والضحی وصف روی نیکویش
صورت آئینه خدای نما
پرده برداشت چون ز رخسارش
خُرَّما مسوب شهی که بر او
مقدم صاحب الزمان امروز
قدمش بر همه مبارک باد
قدسیان بهر حفظ او سوزند
حبدزا عید نیمه شعبان
کز قدم مبارکش هستند
بهر تبریک مقدمش در باغ

خلق آواره را امان آمد

بند دوم

ای که اندر تن جهان جانی
جان چه خوانم ترا که جانانی

شناخت امام عصر(عج)

جان نشارت که بهتر از جانی	دل فدایت که دلبری جانا
یافت درمان که عین درمانی	درد عشقت به جان هر که فتاد
به دل و جان ماکن ارزانی	ذرهای ز آتش محبت خود
ز آتش عشق خود بسوزانی	تا چو پروانه هستی ما را
نفخه صور و نفس رحمانی	پادشاهها به زنده کردن خلق
درة التاج فرق شاهانی	در ترازوی عدل شاهینی
در پس پرده چند پنهانی	مهر بطحائی و مهه یثرب
فتنه هائی که خاست بنشانی	گر به تخت ظهور بنشینی
گرز رخ پرتوى بیفشنانی	ظلمت ظلم میشود نابود
حل مشکل شود به آسانی	گر نگاهی ز التفات کنی
عدل راخانه گر شوی بانی	برفت از زمانه رسم ستم
شد بپا هر طرف چراغانی	خسروا بهر جشن میلادت
دوستان از ره ثنا خوانی	از پی مدحت همی خوانند
	صاحب العصر و الزمان آمد
	خلق آواره را امان آمد

بند سوم

وی رخت شمع انجمن آرا	ی قدت سرو بروستان ولا
که چنین دلربا شد و زیبا	نکسی از طلعت به گل افتاد
سر دهد نغمه های روح افزا	سلبل اندر چمن ز عشق رخت
تاز نرگس شدی چو عطر جدا	ند سرافکنده در چمن نرگس
مهر و ماهن دام ظلهما	رتوى از فروع رخسار

شناخت امام عصر (عج)

حجت آخری به خلق خدا	صادر اولی و صنع نخست
صاحب المسمعی و والمرئی	در بسیط زمین و دور زمان
جز در این صورت و ازین سیما	به خداروی حق نشاید دید
منبع رحمتی و غیب خفا	معدن حکمتی و کنز خفی
سر و سامان گرفته ارض و سما	از وجود مبارکت هستند
همه خلق میخورند غذا	بر سر خوان رحمت شب و روز
که بود امر او به تو بر پا	قائمه ز آن سبب خدا خوانده است
دوستان را ملادی و ملجا	جز سرکوی تو نمی باشد
دل خلقی گرفت و داد ندا	دوش وقت سحر منادی غیب
	صاحب العصر و زمان آمد
	خلق آواره را امان آمد

بند چهارم

همچو جان در تن جهانی تو	صاحب العصر و الزمانی تو
در مکانی و لامکانی تو	در جهانی چو جان و بیرونی
آفرینش چو جسم و جانی تو	همه جا هستی و نه هر جائی
گرچه در جسم مانهانی تو	چو رخت نیست در دل و دیده
بی نشان را همین نشانی تو	گرچه خود بی نشان و بی اثری
از نیا بر علوم کانی تو	وارث دانش نیا کانی
عطر گلهای گلستانی تو	خرمی بهار از رویت
گرمی بزم دوستانی تو	شمع جمع کمال عشقی
ماه من، به چه مهربانی تو	مظہر مهر و لطف یزدانی

شناخت امام عصر(ع)

شاه شاهان و خسروانی تو
خسرو عرش و آسمانی تو
گر بخوانی ورم برانی تو
هر چه خواهم کبیر آنی تو
مرژهای را که نیک دانی تو

خسروانند بندگان درت
بندهی سر بر آستانم من
نشوم دور ز آستان درت
هر چه خواهی صغیر آنم من
صباحدم داد مرغ حق از شاخ

صاحب العصر والزمان آمد

خلق آواره را امان آمد

بند پنجم

باز آمد بهار و شد گلزار عطر افshan چو طبله عطار
چمن از جو بیار و گل گردید رشگ جنات تحتها الانهار
مشک ریز است گلبن اندر باغ مشک بیز است تا که باد بهار
رسنه گوهری شده است چمن بسکه ابر بهار شد ڈربار
قامت دوست می نماید سرو گل حکایت کند ز طلعت یار
اندرین پرده های رنگارنگ در تجلی است چهره دلدار
جلوه اولین حضرت حق حجت آخرین هشت و چار
صاحب الامر آنکه در کف اوست گردش سال و ماه و لیل و نهار
آنکه از امر او بروز آید چشم از سنگ خار و گل از خار
آنکه جز طلعت مبارک او نیست حق را به حق حق رخسار
روی او فَيَأْتِمُ وَجْهَ اللَّهِ كوي او پو، فَتَلَكَّ نِعَمَ الدار
کاش با چشم دل همی دیدی همه جارویش از یمین و یسار
چشمی از باطن ولايت گیر تابیینی چو عارف هشیار

شناخت امام عصر (ع)

که جز او صاحبی به عالم نیست لیس فی الدار غیره دیار
سوخت فخر از آتش عشقش همچو پروانه در محبت یار
گوش دل باز کن که تا شنوی این ندارا بالغشی و الایکار
صاحب العصر، و الزمان آمد
خلق آواره را امیان آمد

مجاهدی پروانه

طور جنون

نشدی غایب از اندیشه که پیدا کنمت
تو هویدا تر از آنی که هویدا کنمت
چشم دل روشنی از مهر رخت می گیرد
گم نکردست ترا دیده که پیدا کنمت
گرچه یک لحظه جدا از تو نبودم همه عمر
باز از شوق به هر لحظه تمنا کنمت
اشک نگذاشت تمایلی رویت باشم
سببی ساز که بی پرده تمایل کنمت
بسکه با خلق ز حسن تو سخن می گویم
ترسم آخر که مه انجمن آرا کنمت
ای دل از تیرگی آینه خویش منال
دامنی اشک بیاور که مصفا کنمت
همچو آینه اگر پاک و مصفا گردی
محور خساره جانانه سراپا کنمت

در ره عشق مدد از خرد خام مگیر

تابه تدبیر جنون واله و شیدا کنمت

شعله ئی از قبس طور جنون گیر و بسوز

تابه صحرای طلب بادیه پیما کنمت

لن ترانی شنوی گر ارنی گوئی باز

پرده افکندم از این راز که بینا کنمت

یک جهان درد اگر رو به تو آورد بیا

تاكه رو سوی وی آورده مداوا کنمت

در غم مهدی موعد چو پروانه بسوز

تا چون او جرعه کش جام تولا کنمت

حدیث ۱۸- عن کتاب کمال الدین عن احمد بن اسحاق الاشتری قال: دخلت

علی ابی محمد الحسن بن علی علیهم السلام و انا اريد ان اسئلة عن المخالف من

بعده فقال مثلا لى مبتدئاً: يا احمد بن اسحاق إن الله تبارك و تغالي لم يخُل

الارض مُنذ خلق آدم عليه السلام ولا يخليها إلى أن تقوم الساعة من حجۃ الله

على خلقه، به يدفع البلاء عن أهل الأرض وبه ينزل الغيث وبه يخرج برکات

الارض فقلت: يابن رسول الله فمن الإمام وال الخليفة بعدك؟ فنهض مسراً فدخل

البيت ثم خرج و على عاتقه غلام كان وجهه الفجر ليلة البدري من أبناء ثلث سنتين

قال يا احمد بن اسحق لو لا كرامتك على الله عز وجل و على حجيجه ما عرضت

عليك ابني هذا انه شمع برسول الله عليه السلام و كنيته الذي يملأ الأرض قسطاً و

عدلأكما ملئت جوراً و ظلمها يا احمد بن اسحق مثله في هذه الأمة مثل الخضر، و

مثله مثل ذي القرنيين و الله ليغيبن غيبة لا ينجو من الملحقة فيها إلا من ثبتة الله

شناخت امام عصر (ع)

غَرَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ، وَ وَقَفَّةً فِيهَا لِلْدُعَاءِ بِسَعْيِهِ فَرَجَّهُ فَقَالَ أَحَمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَلَّتْ يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عَلَامَةٍ يَطْمَئِنُ إِلَيْهَا قَلْبِي فَنَطَقَ السَّلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ فَصَبَعَ فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُسْتَقِيمُ مِنْ أَعْذَابِهِ وَ لَا تَطْلُبُ آثَارًا، بَعْدَ عَنِّيْ يَا أَحَمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ، قَالَ أَحَمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ: فَخَرَجْتُ مَسْرُورًا فَرِحًا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِيرُدُتْ إِلَيْهِ قَلَّتْ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ عَظِيمٌ شُرُورِيِّ إِنَّمَاتِيَّ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّ السُّنَّةَ الْجَارِيَّةَ فِيهِ مِنَ الْخِضْرِ وَ ذِي الْقَرَنِينَ قَالَ: طُولُ الْفَيْبَةِ يَا أَحَمَدُ قَلَّتْ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِنَّ غَيْبَةَ لَكَطُولُ قَالَ: إِنِّي وَرَبِّي حَقُّ تَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ، وَ لَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخْذَهُ اللَّهُ غَرَّ وَ جَلَّ عَهْدَهُ لِوَلَائِيَّتِهِ وَ كَسَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ يَا أَحَمَدُ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سُرُّ مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخَذْ مَا أَتَيْتُكَ وَ أَكْثُنْهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُونُ مَعْنَا غَدَّاً فِي عَلِيَّنَ.

ترجمه حدیث هجدهم - در کتاب کمال الدین از احمد بن اسحاق اشعری، گفت: وارد شدم بر امام حضرت عسکری حسن بن علی علیهم السلام و اراده کردم که سؤال از جانشین و خلف بعد از امام نمایم، امام علیه ابتدا فرمود: یا احمد بن اسحاق خدای تعالیٰ خالی نمی گذارد زمین را، از ابتدا که آدم علیه السلام را آفرید و خالی نگذارد تا قیام قیامت از حجت بر مخلوقاتش که به سبب حجت دفع بلاز اهل زمین می نماید و به سبب حجت باران می بارد و به سبب حجت برکات از زمین خارج می شود، گفتم ای فرزند رسول خدا کیست امام و خلیفه بعد تو؟ سپس امام برخاست و داخل خانه شد و با پسری که روی او چون شب بدر مانند ماه می درخشید و حدود سن او سه سال

بود و فرمود: ای احمد بن اسحق اگر کرامت تو نزد خداوند و
حجتهای او نبود فرزندم را نشان تو نمی دادم، او هم اسم رسول خدا
ص و کنیه اش کنیه اوست پر کند زمین را از عدل بعد از آن که پر شده
از ظلم یا احمد مثُل او در این امت مانند خضر است و مثل او مثل
ذی القرنین می باشد، به خدا قسم هر آینه غائب شود به غیبتی که
نجات نیابند از هلاکت مگر آنان که ثابت بدارد خداوند عزوجل بر
قول به امامتش و موفق شوند به دعا به تعجیل فرجش، احمد بن
اسحق گفت: آیا علامتی هست که سبب اطمینان دل من شود حجت
خدا امام عصر با زبان عربی فصیح فرمود: منم بقیة الله در زمین و
انتقام گیرنده از دشمنان خدا و نیابی اثری از من بعد از این، احمد بن
اسحاق گفت خارج شدم با حالت خوش و سرور و فرحاک و در
فردای آن روز برگشتم و گفتم: ای فرزند رسول خدا اللهم اللهم به تحقیق
خوشحالی من بسیار بود به آنچه منت نهادی بر من اماست جاریه در
این امت از خضر و ذی القرنین چیست؟ فرمود: طول غیبت ای
احمد، گفتم یعنی غیبتش طولانی است؟ فرمود: بلی تا این که برگردند
از این امر اکثر قائلین بوجود او و باقی نمانند مگر کسانی که گرفته
است خداوند از آنان پیمان برای ولایت ما، و نوشته شده باشد در
قلیشان ایمان و مؤید باشند به روح ولایت، ای احمد این امر از امر
خداوند و سری از اسرار اوست و پنهانیست از پنهانیهای او، پس بگیر
آنچه آمد ترا و کتمان کن آن را و از شاکرین باش تا این که فردا با ما در
اعلا علیین، باشه..

شناخت امام عصر (عج)

حادیث ۱۹ - عن نور الأبصار - عن أبي جعفر رضي الله عنه قال: إذا تشبّه الرجال بالنساء والنساء بالرجال، وركبت ذوات الفروج الشروج، وأماتت النساء الصلوات، واتبعوا الشهوات، واستخفوا بالدماء وتعاملوا بالربا، وظاهروا بالزنا، وشيدوا البناة، واستخلوا الكذب وأخذوا الرشوة واتبعوا الهوى وبايعوا الدين بالدنيا، قطعوا الأرحام، وضئوا بالطعام، وكان الحلم ضعفاً والظلم فخراً، والأمراء فجرة والوزراء كذبة، والأمناء خونة، والأعوان ظلمة، والقراءة فسقة، وظهر المحوّر، وكثُر الطلاق، وبذالفجور، وقبلت شهادة الزور، وشرب الخمور، وركبت الذكور الذكور، واستغفت النساء بالنساء واتخذ القاء مفنة، والصدقة مغروماً، واتق الآثار مخافة ألسنتهم، وخرج السفياني من الشام، واليسافي من اليمن، وخفى بالبيداء بين مكة والمدينة، وقتل غلام من آل محمد عليه السلام بين الركين والمقام، وصاخ صائخ من السماء بأن الحق مفعه ومع أتباعه قال: فإذا خرج أستاذ ظهرة إلى الكعبة واجتمع إليه ثلاثة وثلاثة عشر رجلاً من أتباعه، فأول ما ينطق به هذه الآية (بِقِيَّةُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ثم يقول: أنا بقيّة الله و الخليفة، وحجّته عليكم فلا يسلّم عليه أحد إلا قال السلام عليك يا بقيّة الله في الأرض فإذا جتمع عند العقد عشرة آلاف رجل فلا يبقى يهودي ولا نصراوي، ولا أحد من يعبد غير الله تعالى إلا آمن به وصدقه، وتكون الملة واحدة ملة الإسلام، وكل ما كان في الأرض من معبود سوى الله تعالى تنزل عليه نار من السماء فتشعره.

حدیث نوزدهم - از امام باقر علیه السلام روایت است زمانی که شباhtت یافتند مردان به زنان و زنان به مردان، و سوار شوند زنان بر زین اسب ها، و نماز از بین مردم برداشته شود و پیروی شهوت

نمایند و خون ریختن را سبک شمارند و معاملات آنان با ربا باشد و زنا علنی گردد، و بنا و ساختمان بسیار و بلند گردد و دروغ رایج شود و رشوه گیر بسیار باشد و پیروی هوای نفس نمایند و بفروشند دین را به دنیا و قطع رحم نمایند، و بخیل باشند در طعام و بردبازی ضعیف محسوب شود و ستم و تجاوز فخر باشد، و امراء فاجر و وزراء دروغگو، و امنا خیانتکار، کمک کاران به ستمکاران، قراء فاسق گشته ستم آشکار شود، و جدائی زنان از مردان بسیار باشد، و گناهان تازه آشکار شود، قبول شهادت ناروا بسیار، شرب خمر بسیار شود، مردان بر مردان سوار شوند، زنان به زنان اکتفا کنند در مساقمه، مالیات زیاد گیرند، صدقات زیان محسوب شود، پرهیز نمایند از اشرار از ترس زبانشان، سفیانی از شام و یمانی از یمن قیام کنند، فرو رفتن زمین بیداء بین مکه و مدینه، کشتن جوانی از آل محمد ﷺ بین رکن و مقام کعبه، ندای آسمانی آید به این که حق با اوست و با پیروان او، وقتیست که قائم ظاهر شود و پشت به دیوار کعبه دهد و اجتماع کنند سیصد و سیزده نفر از تابعین او ابتدا نطق به این آیه نماید (بقیة الله بهتر است برای شما اگر مؤمن باشید)، پس از آن می گوید: منم بقیة الله در زمین و خلیفه او و حجتم بر شما و سلام نکند کسی بر او مگر آن که گوید السلام عليك يا بقیة الله در زمین، پس اجتماع نمایند ده هزار نفر مردم بر او، و باقی نماند یهودی و نه نصرانی و کسی عبادت غیر از خداوند ننماید و همه به او ایمان آورده و او را تصدیق می کنند و ملت واحد می باشند آن هم اسلام است، و هر معبود غیر خدا با نزول آتش

از آسمان سوزانیده شوند.

حَدِيثٌ ۖ ۲۰۔ أَخْرَجَ الدَّارُ قُطْنِيَ عَنِ الْحِكْمَمِ بْنِ عَتَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ سَمِعَتْ أَنَّهُ سَيَخْرُجُ مِنْكُمْ رَجُلٌ يَعْدِلُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ قَالَ: أَنَا نَرْجُو مَا يَرَوْنَ النَّاسَ وَأَنَا نَرْجُو لَوْمَ يَقِيقٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَكُونُ مَا تَرْجُو هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَقَبْلَ ذَلِكَ فَتَنٌ شَرٌّ فَتَنٌ يَمْسِي الرَّجُلَ مُؤْمِنًا، وَيَصِحُّ كَافِرًا فَنَادَ رَجُلٌ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلَيَسِقِ اللَّهُ وَلَيَكُنْ مِنْ أَهْلَإِنْ يَتَّبِعُهِ.

حَدِيثٌ بِيَسِّتمْ - دَارَ قُطْنِيَ ازْ حَكِيمَ بْنَ عَتَبِيهِ نَقْلَ كَرْدَ: گفتَمْ بِهِ حَضْرَتْ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَهْ شَنِيدَهَ امْ هَمَانَا بِزَوْدِي خَارِجَ شَوْدَ ازْ شَمَا مَرْدِي کَهْ عَدَالَتْ نَمَايِدَ درَ اِینَ اَمَّتَ، فَرَمَدَ: مَنْ اَمِيدَ دَارَمْ آنْجَهَ رَاکَهَ مَنْ بِيَنَدَ مَرْدَمْ، وَمَنْ اَمِيدَوَارَمْ کَهْ اَكْرَ ازْ دَنْيَا بَاقِي نَمَانَدَ مَكْرَ يَكْ رَوْزَ، آنَ رَا خَدَاوَنَدَ آنَقَدَرَ طَوَلَانِي نَمَائِدَتَ اِینَ کَهْ آنْجَهَ کَهْ اَمِيدَوَارَنَدَ اِینَ اَمَّتَ ظَاهِرَ شَوْدَ، وَپِیشَ ازْ اِینَ فَتَنَهَهَانِي وَشَرُورِي ظَاهِرَ گَرَددَ کَهْ بِهِ مَوْجِبَ آنَ شَبَ، مَرْدِي مُؤْمِنَ اَسْتَ وَصَبِحَ كَافِرَ مَنْ شَوْدَ، پَسْ كَسانِي ازْ شَمَا کَهْ درَکَ اِینَ اِيَامَ كَنَندَ بِپَرَهِيزَنَدَ خَدَارَا وَلَكَنْ كَلِيمَ خَانَهَ خَوْدَ باشَنَدَ (يَعْنِي كَمْتَرَ بِاَمِيدَ مَرْدَمْ آمِيزَشَ كَنَندَ)

حَدِيثٌ ۖ ۲۱۔ عَنْ كِتَابِ يَثَابِيْعِ الْمَوَدَّةِ، عَنِ الْبَاقِرِ وَالْصَادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادَتِ الصَّالِحُونَ) (آيَهَ ۱۰۵ - سُورَهُ اَنْبِياءً) قَالَ: هُمُ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ، فِي تَفْسِيرِ الْمَجْمَعِ الْبَيَانِ قَالَ: أَبُو جَعْفَرَ طَلَّالٌ هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ طَلَّالٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَيَدْلُ عَلَى ذَلِكَ مَا رَوَاهُ الْمَخَاصِصُ وَالْعَامُ عَنِ النَّبِيِّ طَلَّالٌ أَنَّهُ قَالَ: لَوْمَ يَقِيقٍ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَبْقَى رَجُلًا صَالِحًا مِنْ أَهْلِ بَقِيَ يَمْلأُ الْأَرْضَ

شناخت امام عصر(عج)

عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِّئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا.

حدیث بیست و یکم- امامین صادقین علیهم السلام در باره قوله تعالی (همانا محققاً نوشتیم در کتاب زبور داود که هر آینه زمین را ازت می برند بندگان صالح ما) فرمودند: اینان قائم و اصحاب اویند و در مجمع البيان حضرت ابو جعفر فرمود: آن بندگان صالح ایشان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام اند در آخر زمان و دلالت می کند بر این آنچه روایت نموده، آن را خاص و عام از پیامبر ﷺ که فرمود: اگر هر آینه باقی نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند آن را طولانی نماید تا این که مبعوث شود مردی صالح از اهل بیت من که پرسکند زمین را از عدل پس از آن که پرشده باشد از ظلم و جور.

حدیث ۲۲- عن يَثَابِيْعُ الْمَوْدَةِ عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ: وَيَحْكُمُ الْأُمَّةُ مِنْ مَلْوِكٍ جَبَابِرَةَ، كَيْفَ يَقْتُلُونَ وَ يَطْرُدُونَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مَنْ أَظْهَرَ طَاعَتَهُمْ، فَالْمُؤْمِنُ الشَّقِيقُ يُضَانُهُمْ بِلِسَانِهِ وَ يَفْرُّ مِنْهُمْ بِقَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يُعِيدَ الْإِسْلَامَ عَزِيزًا قَصْمَ كُلُّ جَبَابِرٍ عَنِيدٍ وَ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ وَ أَصْلَحَ الْأُمَّةَ بَعْدَ فَسَادِهَا، يَا حَذِيفَةَ لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَقُّ يَمِيلَكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَظْهَرُ الْإِسْلَامُ وَ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ وَ هُوَ عَلَى وَعْدِهِ قَدِيرٌ، وَ رُوَى الْبُرْهَانُ فِي عَلَامَاتِ مَهْدِيٍّ أَخِرِ الزَّمَانِ لَحْوِهِ وَ رَوْيَهُ فِي الْبِخارِ عَنْ كَشْفِ الْغُمَمَةِ بِاسْتَادِهِ عَنْ حَذِيفَهِ.

حدیث بیست و دوم- حذیفه صحابی گفت: شنیدم از رسول خدا ﷺ می فرمود: وای بر این امت از ملوک جبابره (از ملاحم، رسول خدا فرمود: بعد از من خلفا و بعد امرا و بعد ملوک و بعد جبابره

حکومت کنند) که چگونه می‌کشند و متفرق کنند مسلمانان را، مگر آنان که اطاعت ایشان کنند، لذا مؤمن متقی حفظ زبان خود کند ولی با دلش از ایشان دوری گزیند، و زمانی که اراده نماید خداوند اسلام را با عزت برگرداند، مضمحل نماید هر جبار عنید را، و اوست قادر مایشاء، و به اصلاح آورده است را بعد از فسادش، ای حذیفه اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، هر آینه خداوند طولانی نماید آن روز را تا این که مالک شود مردی از اهل بیت من که ظاهر نماید اسلام را و خلاف وعده نکند و اوست بر وعده اش قدر تمدن.

این روایت در کتاب برهان در علامات مهدی آخر الزمان آمده و بحار هم از کشف الغمہ با استنادش ذکر نموده.

حدیث ۲۳- عن کتاب کمال الدین عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام قال: حَمْسٌ، قَبْلَ قِيامِ الْقَابِمِ: الْيَهَافِي، وَ السُّفِيَانِي، وَ الْمَنَادِيُّ يَنْدُوِي مِنَ السَّمَاءِ وَ خَسْفُ الْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ نَفْسِ الرَّزِكَيَّةِ.

حدیث بیست و سوم- امام صادق علیه السلام فرمود: پنج علامت قبل از قیام قائم است، خروج یمانی از یمن، خروج سفیانی از شام، ندای منادی از آسمان به نام قائم و پدرش، فرو رفتن زمین در بین مدینه و مکه، کشتن نفس زکیه در خانه کعبه (مؤلف و مترجم: احتمالا هر پنج علامت در یک سال واقع شود از جمادی تاریخ و رمضان، و در حدیث دیگر است که بین کشتن نفس زکیه و قیام قائم علیه السلام پانزده شب بیشتر فاصله نیست، و در حدیث دیگر آمده که وقتی منادی از آسمان به نام قائم و پدرش نداکند، شیطان هم در

شناخت امام عصر(ع)

زمین ندانماید همان طور که در لیله عقبه به رسول خدا نداشت

از حسین جوهری:

گل نرگس ز کرم جانب گلزار آید

ای خوش آن روز که از پرده بروان یار آید

یار بی پرده عیان بر سر بازار آید

باغ گیتی چو خزان از دی و بهمن گردد

(گل نرگس) ز کرم جانب گلزار آید

شام هجران به سر آید ز پس پرده غیب

صبح امید دمدم دولت دیدار آید

کوری چشم رقیبان و حسودان عنود

پی اصلاح جهان حجت دادار آید

غوث دین کهف حصین حضرت مهدی که بود

رافع دین خدا دافع اشرار آید

حجت ثانی عشر فخر ز من پور حسین علیه السلام

یادگار نبی و حیدر کرار آید

پی تسخیر دل خلق ز تاثیر کلام

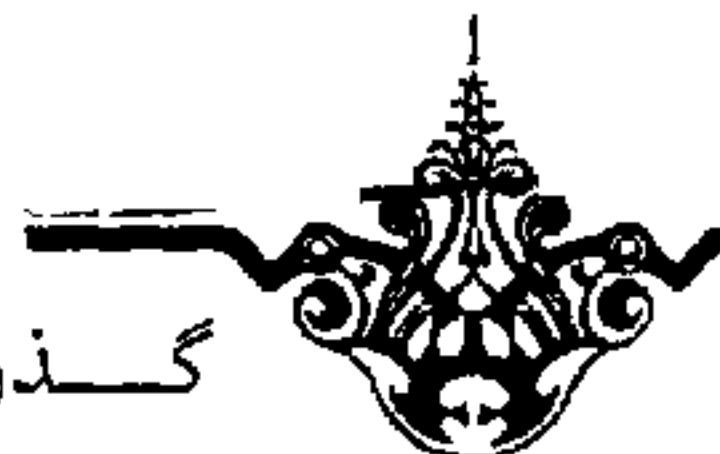
باسلاح سخن و لعل گهر بار آید

نه همین شاد ز دیدار رخش اهل زمین

به نشاط از قدمش گنبد دوار آید

ز هق الباطل و جاء الحق اگر گوش کنی

ز همه خلق جهان و در و دیوار آید



گزند دوره بیداد و رسید موسم عدل

چونکه آن مظہر حق جلوه دلدار آید

حجۃ ابن الحسن العسكري آن نور هدی

عزت مؤمن و خواری ستمکار آید

مقدمش راحتی گیتی و آسایش خلق

بی شک این گفته قبول اولو الابصار آید

رشگ فردوس برین ساحت دنیا گردد

خار کفر و حسد و شرک دگر خوار آید

دارد امید شها (جوهری) از دولت عشق

واقف سر و عن کاشف اسرار آید

از مفتون امینی:

بشرات

ای دل بشارت میدهم خوش روزگاری می‌رسد

یا درد و غم طی می‌شود یا شهریاری میرسد

گر کارگردان جهان باشد خدائی مهربان

این کشتی طوفان زده هم بر کناری میرسد

اندیشه از سر ما مکن سر می‌شود دوران دی

شب را سحر باشد ز پی آخر بهاری میرسد

ای متظر غمگین مشوقدری تحمل بیشتر

گردی به پاشد در افق گوئی سواری میرسد



شناخت امام عصر(ع)

یار همایون منظرم آخر درآید از درم

امید خوش میپرورم زین نخل باری میرسد

کی بوده است و کی شود ملک غزل بی حکمران

هر دوره آن را خواجه‌ای یا شهریاری میرسد

(مفتون) منال از یار خود گر با تو گاهی تلغخ شد

کز گل بدان لطف و صفا گه نیش خاری میرسد

از آزادگان واصل:

شمیمی از گل نرجس در این گلزار پیدا شد

بشارت چشم بر راهان نشان از یار پیدا شد

قرائن مردۀ وصل نکار پرده‌دار آمد

شواهد رانشان از وعده دیدار پیدا شد

بگو ظلمت سیزان را که عمر شب به سر آمد

جهان را از ظهور متظر آثار پیدا شد

در و دیوار این عالم نشان از ظلم و کین دارد

ظهورش را علائم از در و دیوار پیدا شد

مهیا تا شود بهر قیامش صحنه گیتی

ز هر سو نصرت اسلام در پیکار پیدا شد

ز خون بر خاک ره بهر چه میکارند آلاه

نشان از موکب فرخ فر دلدار پیدا شد

مگر آیینه دلهای تجلیگاه یار آمد

که صدها طوطی گویاشکر گفتار پیدا شد

ز نقد جان خریداران حسن یوسف زهرا

هزاران لاله پیراهن سر بازار پیدا شد

مگو (واصل) همه گفتار دیدم نیست کرداری

که در این دوره در گفتارها کردار پیدا شد

از مجاهدی پروانه: چشم نور

روی تو را ز چشم نور آفریده‌اند

لعل تو از شراب طهور آفریده‌اند

خورشید هم به روشنی طلعت تو نیست

ایینه سور را ز بلور آفریده‌اند

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش

خورشید را برای ظهور آفریده‌اند

منعم مکن ز مهر خود ای مه که ذره را

مفتون مهر و عاشق نور آفریده‌اند

خیل ملک ز خاک در آستان تو

مشتی گرفته پیکر حور آفریده‌اند

عیسی وظیفه خوار لب روح بخش توست

کز یک دم تو نفخه صور آفریده‌اند

از پرتو جمال تو در کوه و برو بحر

سینای عشق و نخلة طور آفریده‌اند

آلوده‌ایم و بیم به دل ره نمی‌دهیم

از بس تو را حیم و غفور آفریده‌اند

شناخت امام عصر(ع)

سرمايه سرور دل ماز دُرد توست

دُرد تو را براي سرور آفريده‌اند

عمرى اسیر هجر تو بود و فغان نکرد

بنگر دل مرا چه صبور آفريده‌اند

از نام دلربای تو همت گرفته‌اند

تابرج آخرین شهور آفريده‌اند

عشاق را به کوي وصال تو ره نبود

این راه دور را به مرور آفريده‌اند

(پروانه) را در آتش هجران خود مسوز

کو را براي درک حضور آفريده‌اند

از حسین جوهري:

غاية الجود بذل الموجود

ماه شعبان و جهان پر ز گل و یاسمون است

رشک فردوس برین ساحت دشت و چمن است

ناله بلبل شوریده ز هجر رخ گل

همچو آن آه جگر سوز شب تار من است

ناگوار است خدا دیدن روی اغيار

ليک در پرده بود، آنكه چو جانم به تن است

بلبل ار فرقت گل ليک من زار پريش

غمم از بهر شهنشاه زمين و زمن است

یعنی آن باعت ایجاد و شه ملک وجود
سمی حضرت پیغمبر ﷺ و پور حسن است
حضرت مهدی صاحب ولی عصر و زمان
آنکه چون روح به ابدان و چو جان در بدن است
یادگار نسبی و والی ملک امکان
آنکه بانام ویش نصر و ظفر مقترن است
همچو خورشید سما از پی ظلمات سحاب
شمع هر محفل و زینت ده هر انجمان است
شیعه اندوه مخور از سخن رشت عدو
منتظر هر که شدش، همچو اویس قرن است
اندر این عصراتم هر که شدش فرمانبر
فارغ از غصه و آسوده ز حزن و محن است
دوستان مژده که در نیمه ماه شعبان
شب مولودی آن خسرو شیرین دهن است
بذل موجود بود غایت جود ای یاران
شب اتمام نعم بر همه مرد و زن است
(جوهری) منعم مذکور خداوند غفور
نعمتش حضرت حجت ولی مؤمن است

شناخت امام عصر(عج)

ایضاً حدیث عن کتاب یوم الخلاص فَالْمَسْئُونُ الْعَسْكَرِیُّ عَلیْهِ‌اللّٰہُ‌بَرَکَاتُ: اِذَا قَامَ الْقَائِمُ، اَمْرَ بِهَدْمِ الْمَنَابِرِ (أَيِّ الْمَادِنَ) وَالْمَاقَبِرِ فِي الْمَسَاجِدِ لَا نَهَا مُحَمَّدَةٌ مُبَدِّعَةٌ لَمْ يُنْهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ وَقَالَ عَلِیٌّ يَكْسُرُ كُلَّ زُجَاجٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَيَهْدِمُ شُرُفَاتِ الْمَنَازِلِ الْمَطْلَةَ عَلَى مَسَالِكِ النَّاسِ وَبَيْوَتِهِمْ، وَلَا يُنْتَرِكُ بِسَدَعَةً إِلَّا أَزَاهَا وَلَا سَنَةً إِلَّا أَقَامَهَا.

ترجمه حدیث- امام عسکری علیه السلام فرمود: زمانی که قائم قیام نماید. امر کند به خراب کردن ماذنه های مساجد به جهت آن که اینها حادثند و بدعت هستند و بنای آن را نه پیامبر و نه حجتی گزارده اند و فرمود: هر شیشه ای که رو به راه مردم باشد، خراب نماید بالکانه های منازل که بر راه مردم باشد و هر بدعتی را زائل گرداند و هر سنتی را اقامه کند.

حدیث ۲۴- عن يَتَابِعِ الْمَوَدَّةِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (قُلْ يَسَوْمَ الْفَتْحَ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (سوره احزاب، آیه ۳۰) عن ابْنِ دُرَاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ الصَّادِقَ عَلِيًّا يَقُولُ: فِي هَذِهِ الْآيَةِ، يَوْمُ الْفَتْحِ، يَوْمُ تَفَتَّحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ عَلِيًّا وَلَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقْرَبُ بِإِيمَانِهِ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُؤْمِنًا وَأَمَّا مَنْ كَانَ قَبْلَ هَذَا الْفَتْحِ مُؤْمِنًا بِإِيمَانِهِ وَمُتَشَبِّهً بِخُرُوجِهِ فَذِلِكَ الَّذِي يَنْفَعُهُ إِيمَانُهُ، وَيَعْظِمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْهُ قَدْرِهِ وَشَانِيهِ وَهَذَا أَجْرُ الْمَوَالِيْنَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ.

حدیث بیست و چهارم- در آیه ۳۰ سوره احزاب (بگو روز فتح، ایمان آنان که کافر بودند سود نبخشید و به آنها با نظر لطف و رحمت نگرند) ابن دراج گفت: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام سی فرمود: در این آیه یوم الفتح، روزیست که مفتح شود دنیا بر

قائم علیه السلام، سود نبرند کسانی که قبل ایمان نداشتند و آن وقت خود را به ایمان نزدیک نمایند و اما کسی که قبل از چنین روزی مؤمن بوده به امامت قائم علیه السلام و انتظار ظهورش را داشته نفع بخشد او را و خدایتعالی عظمت دهد از قدرت و شانش و این است اجر دوستان اهل بیت.

حدیث ۲۵- عن کتاب کمال الدین، عن هشام بن سالم عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عليهم السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْمَاجِدِ مِنْ وُلْدِي إِسْمَاعِيلَ وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَسُنْنَةُ سُنْنَتِي يَقِيمُ النَّاسُ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبِي فَقَدْ أَنْكَرْتُهُ وَمَنْ كَذَبَهُ فَقَدْ كَذَبْتُهُ وَمَنْ صَدَقَهُ فَقَدْ صَدَقْتُهُ، إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، الْمُجَاهِدِينَ يَقُولُونَ فِي شَانِيهِ، وَالْمُضْلِلِينَ لَا مَئِتَى عَنْ طَرِيقِهِ (وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلِبٍ يَنْقَلِبُونَ).

حدیث بیست و پنجم - هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام از آباء کرامش فرمود: پیامبر ﷺ فرمود: قائم از اولاد من است، اسم او اسم من، کنیه او کنیه من، و شکل و شمایل او شمایل من، و سنت و رویه اش مانند من است، بر پادار مردم را بر ملت و شریعت من، و می خواند مردم را به کتاب پروردگار تعالی، هر کس اطاعت کند او را محقق اطاعت مرا نموده، و هر کس نافرمانی او کند به تحقیق مرا نافرمانی کرده، و آنان که منکر او شوند در غیبتش همانا انکار مرا نموده اند، و کسی که تکذیب او کند مرا تکذیب کرده و آنکه او را تصدیق نماید مرا تصدیق نموده، به خدای تعالی شکایت تکذیب

کندگان را نمایم، منکرین به گفتار من در شأن او، و گمراهان امت من از راه او (به زودی خواهند دانست آنان که ظلم کردند به چه جایگاهی باز می‌گردند).

حدیث ۲۶- من کتاب يثابيغ المؤذة قال: جعفر الصادق عليه السلام في قوله تعالى (وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنَتَّظِرِينَ (سورة يونس، آیه ۲۰) قال عليه السلام: الغیب في هذه الآیة هو الحجۃ القائم علیه السلام.

حدیث بیست و ششم - امام صادق علیه السلام در قول خدای تعالی فرمود: (می‌گویند چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدا نیامد، پاسخ ده که دانای غیب خدا است شما منتظر باشید من هم با شما منتظر می‌باشم)، امام فرمود غیب در این آیه حجت قائم علیه السلام است (همان طور که در آیه شریفه ذلک الكتاب لاریب فيه هدی للمنتقین، الذين يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکاة و هم بالآخره هم یوقنون، در اینجا هم تفسیر ایمان به غیب به وجود صاحب الامر شده است)

حدیث ۲۷- عن کتاب غیبة الثعبانی - عن زرارة بن أعيین قال: سمعت أبا عبد الله يقول للقائم عليه السلام غيبة قبل أن يقول، فقلت: ولم؟ قال عليه السلام: يخفف و أومئه بيده إلى بطنه ثم قال عليه السلام: يا زرارة و هو المنتظر و هو الذي يشك في ولادته فنهم من يقول مات أبوه و لا خلف، و منهم من يقول محمل و منهم من يقول غائب، و منهم من يقول ولد قبل وفاة أبيه بسبعين و هو المنتظر غير أن الله يمتحن قلوب الشيعة فعند ذلك يرثاب المبطلون، قال زرارة: فقلت: جعلت فذاك إن

شناخت امام عصر (ع)

آدر کث ذلک الزمان آئی شیئهٔ آعمَل؟ قَالَ اللَّهُمَّ يَا زُرَارَةً مَتَىً آدر کث ذلک
الزمان فلتدع بِهذا الدُّغا (اللَّهُمَّ عَرِفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي نَفْسِكَ لَمْ
أعْرِفَ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أعْرِفَ
حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَّتْ عَنِ دِينِي) ثُمَّ
قَالَ يَا زُرَارَة لَاهِدٌ مِنْ قُتِلَ غُلَامٌ بِالْمَدِينَةِ قُلْتُ، جَعَلْتُ فِذَاكَ أَوْ لَيْسَ الذَّي يَقْتُلُهُ
جَيْشُ السُّفِينَيِّ؟ قَالَ لَا وَلِكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ بَنِي فُلَانَ، يَخْرُجُ حَتَّى يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ، وَ
لَا يَدْرِي النَّاسُ فِي أَيِّ شَيْءٍ جَاءَ فَيَأْخُذُ الْغُلَامَ فَيَقْتُلُهُ فَإِذَا قَتَلَهُ بَغَيَا وَعُدُوانًا
وَظُلْمًا لَمْ يُهَلِّهُمُ اللَّهُ فِيْعَنْدَ ذلک يَتَوَقَّعُ الْفَرَجَ وَرَوَى فِي الْكَافِ وَفِي كَمَالِ الدِّينِ
بِسَنَدِهِ.

حدیث بیست و هفتم - زراره گفت شنیدم امام صادق علیه
السلام فرمود: برای قائم طبله غیبی است قبل از قیامش، گفتم برای
چه، فرمود: می ترسد و اشاره نمود به شکم خود، سپس فرمود: ای
زراره او متظر امر خداوند است و او کسی است که شک کردند در
ولادتش، و بعضی می گویند پدرش فوت شده و جانشین از خود
نگذاشت و بعضی می گویند او در شکم مادرش بود، و بعضی
می گویند غایب است، و بعضی می گویند دو سال قبل از وفات پدرش
متولد شده و اوست متظر، این است که امتحان میکند خداوند قلوب
شیعه را و در این وقت به شک افتند باطلان، زراره گفت فدایت شوم
اگر چنین زمانی را درک کنم چه باید کرد فرمود: اگر درک کردی این
زمان را مداومت کن این دعا را (خدا یا بشناسان به من خود را و اگر
نشناسانی خود را هر آینه من پیامبرت را نشناسم، خدا یا بشناسان به

من حجت خود را که اگر نشناسانی به من حجت را از دین تو گمراه خواهم شد) سپس امام طیلہ فرمود: ای زراره کشن جوانی در مدينه حتمی است، گفتم فدایت شوم آیا کسی نیست که او را لشکر سفیانی می کشد، فرمود: نه لکن می کشند لشکر بنی فلاں او را و خروج می کند تا این که داخل می شوند به مدينه و نمی دانند مردم که از کجا آمد، جوان را می گیرند و می کشند، و زمانی که او را کشند به ظلم و ستم، خدایتعالی مهلت نمی دهد ایشان را، در این وقت منتظر باشید فرج قائم را.

حدیث ۲۸- عن کتاب کمال الدین، عن أبي حمزة عن أبي جعفر علیه السلام قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه وآله وسلامه: طُوبٰ لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمٌ أَهْلٌ بَيْقٍ وَ هُوَ يَا تَمٌ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلِّ أَوْلَيَّةَ وَ يُغَادِي أَعْذَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَاقَافِي وَ ذُوِّي مَوْدَتِي وَ إِكْرَامُ أَمْقَى عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ رُؤُوئِي فِي الْخَرَائِجِ عن رَسُولِ اللَّهِ.

حدیث بیست و هشتم- ابی حمزه از امام محمد باقر طیلہ نقل می کنند که فرمود: رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلامه فرموده: خوشابه حال کسانی که درک قائم اهل بیت مرا بینمایند و او ثابت باشد به امامتش در غیبت او قبل از قیامش و دوستدار دوستان او و دشمن دشمنان او باشد، اینان از نزدیکان من و صاحب موذت من هستند و عزیزترین امت منند در نزد من در قیامت

ایضاً حدیث من یوم الخلاص قائل زین العابدین طیلہ فی علامات آخر الزمان: النّاسُ فِي زَمَانِنَا يَسْتَ طَبَقَاتٍ، أَسَدٌ، ذِئْبٌ، ثَعَلَبٌ، كَلْبٌ، خَنْزِيرٌ، شَاهٌ، فَأَمَّا الْأَسَدُ فَلُوكُ الدُّنْيَا، وَ أَمَّا الْذِئْبُ فَتَجْهَارُ كُمْ، وَ أَمَّا الثَّعَلَبُ فَهُوَ لَأْءُ الدُّنْيَا يَأْكُلُونَ بِأَدِيَانِهِمْ

شناخت امام عصر (عج)

وَلَا يَأْكُلُونَ فِي قُلُوبِهِمْ مَا يَصِفُونَ بِالسِّنَثِيمْ، وَأَمَّا الْكَلْبُ فَهُوَ الَّذِي يَهْرُ عَلَى النَّاسِ بِلِسَانِيهِ، وَيُكَرِّمُهُ النَّاسُ مِنْ شَرِّ لِسَانِيهِ، وَأَمَّا الْخِنْزِيرُ فَهُوَ لَاءُ الْمُخْتَشَوْنَ وَأَشْبَاهِهِمْ، فَلَا يَدْعُونَ إِلَى فَاجِشَةٍ إِلَّا أَجَابُوا وَأَمَّا الشَّاةُ فَالَّذِينَ تُحِرِّزُ شَعُورُهُمْ وَيُؤْكِلُ لَحُومَهُمْ وَيَكْسِرُ عَظَمَهُمْ فَكَيْفَ تَصْنَعُ الشَّاةُ بَيْنَ أَسَدٍ، وَذئبٍ، وَثَعَلَبٍ وَكَلْبٍ، وَخِنْزِيرٍ.

ترجمه حدیث - امام زین العابدین علیه السلام فرمود: از علامات آخر زمان این است که مردم در آن زمان شش طبقه‌اند، شیر، گرگ، روباء، سگ، خوک، گوسفند، اما شیر ملوک و شاهان و رهبران دنیا‌یند و اما گرگ تجارت و کسبه شمایند که بی‌رحم و خون مردم خوارند و اما روباء آناند که از راه دین ارتزاق کنند و باور ندارند در دلهاشان آنچه به زبان جاری می‌کنند، و اما سگ آنانی هستند که پارس کنند به مردم با زیانشان و مردم اکرام آنان کنند از شر زبان آنها، و اما خوک آنها بی‌هستند که مُخْتَشَنَد و شبیه آنان که هرگاه بخوانند آنها را به فاحشه اجابت کنند، و اما گوسفند آنها بی‌شکنند و گوسفند در میان شیر و گرگ و روباء و سگ و خوک چه می‌تواند کرد؟

از کمپانی (مفتقیر)

در مدح حجه الابن الحسن علیه السلام

دلبر ارادست امید من و دامان شما

سر ما و قدم سرو خرامان شما

شناخت امام عصر(عج)

نه در این دائره سرگشته منم چون پرگار

چرخ سرگشته چو گوئیست به چوگان شما

درد عشق تو نگاران پذیرد درمان

تاشوم از سر اخلاص به قربان شما

حضر را چشم حیوان رود از یاد اگر

رسدش رشحه ئی از چشم حیوان شما

عرش بلقیس نه شایسته فرش ره توست

آصف اندر صف اطفال دستان شما

نبد ملک سلیمان همه با آن عظمت

موری اندر نظر همت سلمان شما

جلوه دید کلیم الله از آن دید جمال

نغمه ئی بود انس الله ز بیابان شما

قاب قوسین که آخر قدم معرفت است

اولین مرحله رفرف جولان شما

فیض روح القدس از مجلس انس تو و بس

سفخه صور صفیریست ز دربان شما

گرچه خود قاسم الارزاق بود میکائیل

نیست در رتبه مگر ریزه خور خوان شما

لوح نفس از قلم عقل نمی گردد نقش

تانبایشند نفس منشی دیوان شما

چیست تورات ز فرقان شمار مزی و بس
یک اشارت بود انجیل ز قرآن شما
هست هر سوره به تحقیق ز قرآن حکیم
آیة محاکمه‌ئی در صفت شان شما
خسرو اگر به مدیح تو سخن شیرین است
لیکن افسوس نه زینده و شایان شما
ای که در مکمن غیبی و حجاب ازلی
آه از حسرت روی مه تابان شما
بکن ای شاهد با جلوه‌ئی از بزم وصال
چند چون شمع بسوزیم ز هجران شما
مسند مصر حقیقت ز تو تا چند تهی
از دو صد یوسف صدیق به قربان شما
رخش همت بکن ای شاه جوان بخت تو زین
تا شود زال فلک چاکر میدان شما
زهره شیر فلک آب شود گر شنود
شیهه زهره جبین تو سن غران شما
(مفقر) رانه عجب گر بنمایی تحسین
منم امروز در این مرحله حسان شما

کی رفته‌ی ز دل

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم ترا

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم ترا

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم ترا

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم ترا

بالای خود در آینه چشم من ببین

تابا خبر ز عالم بالا کنم ترا

ستانه کاش در حرم و دیر بگذری

تاقبله گاه مؤمن و ترسا کنم ترا

خواهم شبی نقاب ز رویت برافکنم

خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم ترا

گرفت آن دو زلف چلیپا به چنگ من

چندین هزار سلسه در پا کنم ترا

طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند

یک جا فدای قامت رعنای کنم ترا

زیبا شود به کار گه عشق کار من

هر گه نظر به صورت زیبا کنم ترا

خوشادردی که درمانش تو باشی
خوشادردی، که درمانش تو باشی
خوشاراهی، که پایانش تو باشی
خوشاچشمی، که رخسار تو بیند
خوشاملکی، که سلطانش تو باشی
خوشآآن دل، که دلدارش تو گردی
خوشاجانی، که جانانش تو باشی
خوشی و خرمی کامرانی
کسی دارد که خواهانش تو باشی
چه خوش باشد دل امیدواری
که امید دل و جانش تو باشی
همه شادی عشرت باشد، ای دوست
در آن خانه که مهمانش تو باشی
گل و گلزار خوش آید کسی را
که گلزار و گلستانش تو باشی
چه باک آید ز کس؟ آن را که او را
نگهدار و نگهبانش تو باشی
مپرس از کفر و ایمان بیدلی را
که هم کفر و هم ایمانش تو باشی

شناخت امام عصر(عج)

برای آن به ترکی جان بگوید

دل بیچاره، تا جانش تو باشی

(عراقی) صاحب درد است دایم

به بُوی آنکه درمانش تو باشی

از ناظر زاده کرمانی

امید عارفان

نبود به ملک هستی به جز از تو پادشاهی

چه شود اگر ز رحمت فکنی به من نگاهی

تو اسماں انس و جانی تو امید عارفانی

تو مدبیر جهانی همه عالمت سپاهی

به خط اگر دل من بدری دگر نهد رو

برود ز کوره راهی نرود ز شاهراهی

به چه کس امید بندم که به جهل خود نخندم

نبود جز آستانت به جهان دگر پناهی

به امید آنکه شاید نظری کنی به حالم

به نهیم رو به سویت من و شوق و اشک و آهی

شب تار زندگانی تو در آسمان هستی

پی روشنی دلهابه صفائ مهر و ماهی

تو مرا به لطف پنهان همه وقت دستگیری

بود از امید پیدا دل من بر این گواهی

به میان بحر حیرت چه غم از خروش طوفان
که بود به ساحل حق چو توام پناهگاهی
دل منکران دین رانه صفا بود نه نوری
دلشان بود ولیکن چه دلی دل سیاهی
مکن اشتباه ای دل ز خدای خویش مگسل
که بزرگتر از این نیست به عالم اشتباهی
به ولی عصر یارب که به ما ترحم آور
که بشر گناهکار است و کند گناهگاهی
از ناظر زاده کرمانی

تکیه گاه زمین

شنیدستی از بخرا دان این سخن که بر ماهیست این زمین تکیه زن
چو معنای آن راندانی درست شگفت آیدت لاجرم این سخن
که چون تکیه گاه زمین ماهیست؟ ز من گوش کن پاسخ خویشتن
ده و دو شمار همه ماهه است در اینت نه تردید باشد نه ظن
بپابان رسد سال در برج حوت کنون بشنو ای مرد بارای و فن
بود برج حوت امامت ترا مسین قائم ایزد ذوالمنن
از این رو بود تکیه گاه زمین امام زمان حجه الابن الحسن

کوکبه عدل

گرچه از اهل جهان روی نهان ساخته‌ئی
روشن از پرتو خود روی جهان ساخته‌ئی
دیدن طلعت تو چشم جهان بین خواهد
که جهانی به سوی خود نگران ساخته‌ئی
آنچه پیداست به چشم تو نهانست زما
و آنچه پنهان بود از ما تو عیان ساخته‌ئی
تو چو خورشید پدیدی ولی از فرط ظهر
رخ نهان از نظر پیر و جوان ساخته‌ئی
عالم جم اگر از جنگ تپه گشت چه باک
کز پی صلح تو جا در دل و جان ساخته‌ئی
هر کجا کوکبه عدل تو پرچم افراشت
عرصه مظلمه را عهد امان ساخته‌ئی
هادی خلقی و مهدی حق و حجت عصر
وزرخ اهل جهان روی نهان ساخته‌ئی
به ولای تو که فرمان ولايت با توست
بنده درگه خود پادشاهان ساخته‌ئی
هر که شد پیرو تو پیروی از ظلم نکرد
که ز بیدادگرش دادستان ساخته‌ئی



صاحب امری و از حکم تو بیرون نبود
 آنچه در دایره کون و مکان ساخته‌ئی
 تو به خود قائم و قائم به تو عالم که جهان
 قائم از عدل کران تابه کران ساخته‌ئی
 حجت بالغه عقلی و در روی زمین
 پیرو حکم خود اعصار و زمان ساخته‌ئی
 دولت حق طلب از دولت (سرمد) طلبی
 گر بدین سودا بی سود و زیان ساخته‌ئی
 حدیث ۲۹- عن رَوْضَةِ الْكَافِيِّ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: سَعَىْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشَيْعَتَنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى
 لَا يَكُونُ بَيْتُهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي
 مَكَانِهِ، وَرَوَاهُ فِي الْبِحَارِ عَنْ الْخَرَاجِ رَاوَنْدِی.

حدیث بیست و نهم- ابی الربيع شامی گوید: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می فرمود: «همانا قائم مازمانی که قیام نماید خدای تعالی امتداد می دهد برای شیعیان ما در گوشها و چشمها یشان تا این که بین آنان و بین قائم فاصله‌ای نمی باشد و کلام و سخن او را میشنوند و او را می بینند در جای خودش، این حدیث در بحار از خرائح راوندی آمده است.

حدیث ۳۰- عن المَسْحَجَةِ، الْعَيَاشِيِّ بِاسْنَادِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكِيرٍ قَالَ: سَأَلَتْ
 أَبَا الْحَسَنِ عَنْ قَوْلِهِ تَغَالَى (وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا)،
 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْزَلْتِ فِي الْقَائِمِ إِذَا خَرَجَ بِالْهَبُودِ وَالنَّضَارِيِّ، وَالصَّابِيْنَ، وَ

شناخت امام عصر(ع)

الزَّنادقَة، وَ أَهْلَ الرَّدَّة، وَ الْكُفَّارُ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ
فَنَّ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمْرًا بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ، وَ مَا يُؤْمِنُ بِهِ الْمُسْلِمُ، وَ يُحِبُّ اللَّهَ، وَ مَنْ لَمْ
يَسْلِمْ ضَرَبَ عَنْهُ حَتَّى لا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحْدَ اللَّهَ، قُلْتُ
جَعَلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ الْحَقَّ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّ الْكَثِيرَ، وَ كَثُرَ
الْقَلِيلُ.

حدیث سی ام- عیاشی با سند خود از ابن بکیر نقل کرد که گفت:
پرسیدم از حضرت ابوالحسن علیه السلام از آیه ۸۳ آل عمران (برای
اوست تسلیم آنچه در آسمانها و زمین است خواه ناخواه) امام علیه السلام
فرمود: آیه نازله درباره قائم است زمانی که ظهور نماید بر یهود و
نصاری و صابئین و زنادقه و اهل رده و کفار در شرق و غرب زمین.
سپس امام بر آنان اسلام را عرضه می دارد، کسانی که اسلام آورند
به طور رغبت امر نماید آنان را به نماز و ادائی زکاه، و به مسلمین امر
نمی نماید، و دوست می دارد برای خدایتعالی، و کسانی که اسلام
نیاورند گردن آنها را می زند، تا این که باقی نمی ماند در تمام شرق و
غرب کسی مگر آن که موحد و خداشناس باشد، گفتم فدایت شوم هر
آینه مردم بسیارند از این، فرمود: خدایتعالی وقتی اراده نماید کم
می کند بسیار را و زیاد می نماید کم را.

حدیث ۳۱- عنْ الْمَحْجَجَةِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ
هُنَّا (الَّذِينَ إِنْ مَكَنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمْرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اللَّهُ غَافِيَةُ الْأُمُورِ) (آیه ۴۱. سوره حج) قَالَ مُحَمَّدٌ:
هَذِهِ لِلَّٰلِ مُحَمَّدٌ الْمَهْدِيُّ وَ أَصْحَابِهِ يُمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقُ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبُهَا، وَ يَظْهَرُ

شناخت امام عصر (ع)

الَّذِينَ وَيُمْسِكُونَ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ
حَتَّى لَا يَرَى أَثْرَ مِنَ الظُّلْمِ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ
الْأُمُورِ، وَرَوَاهُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَفِي يَنَابِيعِ الْمَوَدَّةِ.

حدیث سی و یکم - ابی الجارود گفت حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: آیه شریف (آنان که خدا را یاری می کنند آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار دهیم نماز پا می دارند و زکاۃ به مستحقان می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و عاقبت کارها به دست خداوند است) برای مهدی آل محمد و اصحاب اوست که مالک مشارق و مغارب زمین می شوند و ظاهر می نمایند دین حق را و خدای تعالیٰ به سبب او و اصحابش می میراند بدعتها و باطلها را کما این که می میرانند سفیهان حق را، تا اینکه نمی بینید، اثری از ستم و جور و أمریں به معروف و ناهین از منکراند و برای خداوند است عاقبت کارها، این روایت را علی بن ابراهیم هم نقل نموده و در کتاب ینابیع قندوزی هم آمده است.

دکتر رسا

کوکب رحمت

سحر از دامن نرگس برآمد نوگلی زیبا
گلی کز بوی دلジョیش جهان پیر شد برنا

شناخت امام عصر(عج)

چه صبح آمد ز دریای کرم برخاست امواجی
که عالم غرق شد از آن امواج روح افزا
خدا را ز آستین آمد برون دست درخشانی
که خط نسخ اعجازش کشیده بَرِ موسا
سحر در نیمه شبان تجلی کرد خورشیدی
که از نور جیبینش شد منور دیده زهرا
قدم در عرصه عالم نهاد آن پاک فرزندی
که چشم آفرینش شد ز نورش روشن و بینا
چه مولودی که همتایش ندیده دیده گردون
چه فرزندی که مانندش نزاده ما در دنیا
به صورت شبہ پیغمبر به صولت تالی حیدر
به سیرت حاجت داور ولی والی والا
رخ او لاله رضوان خط او سبزه رحمت
لب او چشممه کوثر قد او شاخه طوبی
شهنشاه قدر قدرت که فرمان همایونش
چه منشور قضا گردد به هر کون و مکان اجرا
به ختم انبیا ماند چون خواند خطبه در منبر
به شاه اولیا ماند چوتا زد بر صف اعدا
لب لعل روان بخشش چو آید در سخن روزی
پسی بوسیدنش آید فرود از آسمان عیسا

شناخت امام عصر (عج)

جهان پیر چون یعقوب شد سرگشته و حیران
که شد آن یوسف ثانی به چاه غیب ناپیدا
بیا ای خسرو خوبان حمایت کن تو از قرآن
که شد پامال دین حق ز شر و فتنه اعدا
شها چشم انتظاران راز هجران جان به لب آمد
به تاب ای کوکب رحمت چو خورشید جهان آرا
ز حد بگذشت مهجوری ز مشتاقان مکن دوری
رخ ماه ای نکو منظر مپوش از عاشق شیدا
شبی در کلبه احزان قدم بگذار تا گردد
شب تاریک ماروشن لب خاموش ما گویا
تو گر لشگر برانگیزی، سپاه کفر بگریزد
تو گر از جای برخیزی نشیند فتنه و غوغای
بیا ای کشتی رحمت که دنیا گشته طوفانی
چو کشتی بان توئی ما را رهان از جنبش دریا
توئی فرمانده مطلق امام و حجت بر حق
توئی بر شیعیان سرور توئی بر بندگان مولا
(رسا) در مقدمت امروز اشک شوق افشارند
به امیدی کز آن خرمن بچیند خوشهای فردا

شناخت امام عصر(عج)

از وصف

سلطان عصر

او را سزاست حمد که ایجاد جان کند

وز قدرت آفرینش کون و مکان کند

آن ناخدا خدای که این فلک نه فلک

جاری مدام بی مدد بادبان کند

بر برگ گل نگارد مخفی رموز عشق

بلبل بر او گمارد تا ترجمان کند

آن قادری که نیشتر نیش پشه را

کو پال مغز کله پیل دمان کند

آن گرد گرد گردان آن چرخ چنبرین

گردنه طوق گردن گردنشان کند

بر آن برم سپاس که ز الطاف بیقياس

سلطان عصر مهدی صاحب زمان کند

آن استقطس هستی و آن منبع وجود

کارکان جود را کرمش پشتیان کند

بی پاس تو عجب نبود گربکوه و دشت

بر گله گرگ گرسنه خود را شبان کند

دانی که چیست کار شهنشه به روزگار

روز و شبان به ماتم جدش فغان کند

(وصاف) شد ز رنج روان چهره زعفران

با آنکه دفع رنج گران زعفران کند

کمال عدل

بیا که رایت منصور پادشاه رسید
 نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید
 جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت
 کمال عدل به فریاد دادخواه رسید
 سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد
 جهان به کام اکنون رسد که شاه رسید
 ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن
 قوافل دل و دانش که مرد راه رسید
 عزیز مصر به رغم برادران غیور
 ز قعر چاه برآمد به اوچ ماه رسید
 کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل
 بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید
 صبا بگو که چها بر سرم در این غم عشق
 ز آتش دل سوزان و برق آه رسید
 ز شوق روی تو جانا بر این اسیر فراق
 همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید
 مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول
 ز درد نیم شب و درس صبحگاه رسید

رو به مدینه نهد و این حدیث را فضل بن شاذان در کشف الاستار از امام صادق نقل نموده و در کمال الدین و بنایبیع هم آمده است.

حدیث ۳۳- کمال الدین، عن محمد بن سنان عن أبي المغارود عن أبي جعفر الباقر علیہ السلام قال: قات أمير المؤمنین و هو على المنبر: يخرج رجل من ولدی في آخر الزمان أبيض اللون مشرب بالحفرة مندح البطن غريب الفخذين عظيم مشاش المنكبين. يظهره شامتان على لون جلدہ و شامته على شبه شامه التي له إسم، اسم يخفى و اسم يعلن، فاما الذي يخفى فآحمد، واما الذي يعلن محمد فإذا هز رأسه أضاء لها ما بين المشرق والمغرب و يوضع يده على رؤس العباد فلا يبقى ميت من المؤمنين إلا دخلت عليه تلك الفرحة في قلبه و هو في قبره و هم يتزاورون في قبورهم يتباشرون بقيام القائم.

حدیث سی و سوم- حدیث از امام باقر علیه السلام از پدرش و از جدش امیر المؤمنین علیه السلام است که در منبر فرمود: خروج نماید مردی از اولاد من در آخر زمان سفید روی مایل به سرخی، شکم دار و وسیع ران و سر مرفقین و منکبين او بزرگ و رشید و به پشت او دو خال به رنگ پوستش و خالی بر روی او مانند حال رسول خدا، و برایش دو اسم است، اسم مخفی احمد و اسم آشکارش محمد ص و زمانی که سر را تکان دهد و جنباند روشن شود برایش آنچه بین مشرق و مغرب است و قرار دهد دستش را بر سر بندگان خدا و باقی نمی ماند مرده‌ئی از مؤمنین مگر آن که وارد شود بر دل او این شعب و سرور و او وایشان را در قبورشان زیارت نماید و مباشرت کنند به قیام قائم.

حدیث ۳۶- آریین لیخاتون آبادی، قال فضل بن شاذان عن محمد بن مسلم قال: سأَلَ رَجُلٌ عَنْ أَبِنِ عَبْدِ اللَّهِ مَتَى يَظْهَرُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: إِذَا كَثُرَ الْغَوَایةُ وَ قَلَ الْهِدَایةُ، وَ كَثُرَ الْجُوْرُ وَ الْفَسَادُ، وَ قَلَ الصَّلَاحُ وَ السَّدَادُ، وَ اكْتَفَى الرُّجَالُ بِالرُّجَالِ، وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَ مَا لَلَفْقَهَاءِ إِلَى الدُّنْيَا، أَكَثُرُ النَّاسِ إِلَى الْأَشْغَارِ وَ الشُّعْزَاءِ، وَ مَسَخَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْبَدْعِ حَتَّى يَصِيرُوا قِرَدةً وَ خَنَازِيرَ، وَ قَتَلَ السُّفِينَاتِ ثُمَّ يَخْرُجُ الدَّجَالُ وَ بَالَّغَ فِي الْإِغْوَاءِ وَ الْإِضَلَالِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُنَادِي بِإِسْمِ الْقَائِمِ طَلَّابَ لَيْلَةِ ثَلَاثَ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ غَاشُورًا فَكَانَ أَنْظُرُ إِلَيْهِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ يُنَادِي جَبَرَئِيلَ بَيْنَ يَدَيْهِ: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ، فَتَقَبَّلَ شَيْعَتُهُ إِلَيْهِ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تَطْوِي لَهُمْ طَيَا حَتَّى يُبَايِعُوهُ، ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزَلُ عَلَى نَجَفِهَا ثُمَّ يَفْرَقُ الْجَنُودَ مِنْهَا إِلَى الْأَمْصَارِ لِدَفْعِ عُشَّالِ الدَّجَالِ فَيَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطَاءً وَ عَدَلَّا كَمَا مُلِئَتْ جَوَارًا وَ ظَلَمًا، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ فِذَاكَ أَبِي وَ أَمْتَي أَيْعُلُمُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ مِنْ أَيْنَ يَجِيئُهُ قَائِمُكُمْ إِلَيْهَا؟ قَالَ: لَا تُمْثِثْ فَالَّذِي يَنْهَا بَعْتَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ رَوَاهُ فِي كَشْفِ الْأَسْتَارِ.

حدیث سی و چهارم- از کتاب اربعین خاتون آبادی، فضل بن شاذان گوید (با حذف استناد) از محمد بن مسلم گفت: پرسید مردی از حضرت امام صادق طلیلا چه وقت ظاهر می شود قائم شما؟ امام فرمود: وقتی که هوسرانی و گمراهی زیاد شود، و هدایت کم گردد، و ظلم و ستم بسیار شود، و کم باشد صلاح و درستی و راستی، و اکتفا نمایند مردان به مردان و زنان به زنان و فقها دنیا پرست شوند، و اغلب مردم به شعر و شاعری روی آورند و مسخ گردند قومی از بدعت گزاران تا این که میمون و خنزیر شوند (یعنی اخلاق آنان را

شناخت امام عصر (ع)

پیدا کنند)، و کشته شود سفیانی و دجال خروج نماید، و بسیار در اغواه و ضلالت مردم کوشد، در چنین زمانی منادی به نام قائم در شب ۲۳ رمضان ندانماید و قیام نماید در روز عاشوراً گویا می‌بینیم قائم را که بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل ندانماید در جلوی او که بیعت کنید برای خدا، و شیعیان از اطراف زمین به سوی او روی آورند با طی الارض تا این که بیعت نمایند.

سپس او به سوی کوفه حرکت کند و در نجف نزول نماید و از آنجا لشکر به طرف بلاد متفرق شوند تا عمل دجال را دفع نمایند و زمین را از عدل و قسط پر نماید پس از آن که پرشده باشد از ستم و جور، آن مرد گفت بابن رسول خدا فدایت شود پدر و مادرم آیا از اهل مکه کسی می‌داند که قائم از کجا می‌آید به سوی آنان، فرموده: ظاهر نمی‌شود مگر ناگهانی بین رکن و مقام این حدیث در کشف الاستار هم آمده است.

حدیث ۳۵- عن کتاب غیبۃ النعمانی، (با استناد اسناد) عن أبي بصیر عن أبي عبد الله علیہ السلام قال: قلت له جعلت فذاک مثی خروج القائم علیہ السلام؟ فقال: يا أبا محمد إنا أهل بيتك لأنوقي وقد قال محمد صلی الله علیه و آله و سلم: الواقتون، يا أبا محمد إن قدام هذا الأمر خمس علامات، أولهن النداء في شهر رمضان، و خروج السفیناني، و خروج الخراسانی، و قتل النفس الزكية، و خسف بالبيداء، ثم قال: يا أبا محمد إن لا بد أن يكون قدام ذلك الطاغون الأبيض والطاغون الأحمر قلت جعلت فذاک وأی شيء هناء؟ فقال أما الطاغون الأبيض فالمؤثر الجارف وأما الطاغون الأحمر فالسيف، ولا يخرج القائم حتى ينادي بإسمه

شناخت امام عصر(ع)

فِي جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثَةِ وَعِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةً جُمُعَةً قُلْتُ: يَمْ يُنَادِي؟
قَالَ: بِإِسْمِهِ وَإِسْمِ أَبِيهِ، إِلَّا إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانَ قَائِمٌ آلُ مُحَمَّدَ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطْبِعُوهُ،
فَلَا يَبْقَى شَيْئٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فِيهِ الرُّوحُ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْخَةَ فَتُوقَظُ الْثَّالِثُ، وَيَخْرُجُ إِلَى
صَحْنِ دَارِهِ، وَتَخْرُجُ الْعَذْرَاءُ مِنْ حُدُرِهَا وَيَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَهُنَّ صَيْخَةٌ
جَبَرَئِيلُ.

حدیث سی و پنجم - از کتاب غیبت نعمانی، ابو بصیر به امام صادق علیه السلام گفت فدایت شوم چه وقت قائم ظهور می نماید، امام فرمود: ای ابا محمد (کنیه ابو بصیر) ما که اهل بیت هستیم وقتی تعیین نمی کنیم زیرا پیامبر فرمود دروغ می گویند وقت تعیین کنندگان، ای ابا محمد این امر پنج علامت دارد، ابتداند آ است در شب ۲۳ ماه رمضان، ۲- خروج سفیانی، ۳- خروج خراسانی (مشهور به سید حسنی) ۴- کشته شدن نفس زکیه ۵- فرو رفتن زمین بیدا (بین مدینه و مکه)، سپس فرمود ای ابا محمد مقدم بر این علامات طاعون سفید و طاعون سرخ آید، گفتم فدایت شوم کدام است آن دو، فرمود طاعون سفید موت و طاعون سرخ جنگ است، و خارج نمی شود قائم تا این که منادی به نام او از آسمان در شب جمعه ۲۳ رمضان ندانماید، گفتم به چه نداکند، فرمود به نام او و نام پدرش، آگاه باشد فلان پسر فلان قائم آل محمد است بشنوید و اطاعت کنید او را، و باقی نماند چیزی از مخلوقات خدا که صاحب روحند جز آنکه می شنوند صیحه آسمانی و هر شخص خوابیده ای بیدار شود و باید به صحن خانه اش، و خارج شوندمخدرات پشت پرده و آن صیحه جبرئیل است.

شناخت امام عصر (عج)

حدیث ۳۶- عن بشاره الاسلام، عن محمد بن علی علیهم السلام قال:
الصوتُ في شهرِ رمضانٍ في ليلة الجمعة فاسمعوا و أطیعوا، و في آخرِ النهارِ صوتُ
الملعونِ إبليس ينادي أنْ قُلْلَانَا قُتِلَ مظلوماً يُشكُّ الثابِس، و يُفْتَنُم فَكَمْ فِي
ذِلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكِ مُتَحَرِّر، فَإِذَا سَمِعْتُمْ ذَلِكَ الصَّوْتَ فِي رَمَضَانِ يَعْنِي الْأَوَّلَ
فَلَا تَشْكُوا إِنَّهُ صَوْتُ جَبَرِيلَ، وَ عَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنادِي بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ وَ اسْمِ آبِيهِ.

حدیث سی و ششم- در کتاب بشاره الاسلام از حضرت امام
محمد بن علی علیهم السلام است که فرمود: ندا منادی در ماه
رمضان شب جمعه است پس بشنوید و اطاعت کنید، و در آخر روز
ندای شیطان است که گوید فلانی مظلوم کشته شده و مردم به شک و
تحیر درآیند، لذا وقتی شنیدید ندای اول راشک نکنید آن صدای
جبriel است و علامتش آن است که ندانماید به نام مهدی و نام
پدرش امام حسن عسکری علیهم السلام.

از صادقی وفا

مهر جهانتاب

از طلعت زیبای تو گر پرده برافتد
ماه از نظر مردم صاحب نظر افتاد
گر پیش رخت گل بزند لاف نکوشی
از شاخه به یک جنبش باد سحر افتاد
در باده عشق تو ندانم چه اثره است
کز خویش هر آنکس که خورد بی خبر افتاد

با کام هوس هر که ره عشق تو پوید

با هر قدمی مرحله‌ای دورتر افتاد

ای حجت ثانی عشر ای مهر جهانتاب

از طلعت زیبای تو کی پرده برافتد

گر دیدن روی توبه مرگ است میسر

با شوق دهم جان که به رویت نظر افتاد

از فخر زنم طعنه بر افلک چو گردی

از رهگذرت بر من بی پا و سر افتاد

ای منجی عالم ستم و جور شد از حد

بازآکه ز دست متعدی سپر افتاد

پر مظلمه شد دهر بیاتاشجر عدل

در سایه جان پرور تو بارور افتاد

گر قوت دل مستظران خون جگر شد

غم نیست چو وصل توبه خون دگر افتاد

ای مستقم خون شهیدان ره حق

مپسند که خونهای مقدس هدر افتاد

گویند دعای سحری راست اثرها

لطفی که دعاهای (وفا) کارگر افتاد

شاهد غیبی

ای مستظران مژده که آمد گه دیدار
 بر بام برآئید که شد ماه پدیدار
 آن شاهد غیبی که نهان بود به پرده
 از پرده به بزم آمد و از بزم به بازار
 باز آمد و از رنگ رخ و جلوه بالاش
 شد کلبه مارشک چمن غیرت گلزار
 برخاست شمیم خوش آن طره مشکین
 یا قافله مشگ رسیده است ز تاتار
 هر سال بهار از چه بسی نغزو نکو بود
 امسال نکوتر بود از پاروز پیرار
 عید است و بسود مولد مسعود شه کل
 همنام شهنشاه رسول احمد مختار
 شاهنشه دین حجت موعود که باشد
 بر قافله کون و مکان قافله سالار
 هم آمر و هم ناجی و هم صاحب امر است
 هم قادر و هم عالم و هم فاعل مختار
 آن شمس ولایت که فروغی است از او مهر
 شد در مه شعبان به گه نیمه نمودار

شاخت امام عصر(ع)

در طور جهان کرد تجلی چو جمالش

شد شش جهت از نور رخش مطلع انوار

هادی ام مظہر حق مهدی موعود

آن قایم غایب ز نظر واقف اسرار

چون جان به تن و عقل به سر نور بدیده

پیداست بر عقل و نهان است ز انتظار

از صفیر اصفهانی

جاء الحق

هر آنچه میزنم از دفتر وجود ورق

نوشته است به خط جلی که: جاء الحق

نخست جلوه خالق، امام آخر خلق

یقین فراخته از غیب در عیان بیرق

به یمن مولد مسعود مهدی موعود

زمین به عرش برین از شرف گرفته سبق

ولی مطلق حق آنکه کارگاه وجود

به دست او ز ازل تا ابد بود مطلق

چگونه عالم ایجاد را نظامی بود

نمیگرفت ز اضداد اگر که نظم و نسق

از او قواعد اسلام راست است حکام

از او مسائل و احکام را، بود رونق

شداو به پرده غیب نهان و متظرند
به مقدمش همه خلق‌ها فِرق به فِرق
برای آنکه نمایند نثار مقدم او
زمانه هستی خود را نهاده روی طبق
(صغری) دانی در بحر، زورقی باید
به بحر معرفت امروز او بود زورق
از حسین جوهری

اختر برج امامت گهر بحر وجود
سرور و صاحب ما جان جهان می‌آید
حجت ثانی عشر فخر زمان می‌آید
امشب از نور وجودش شده عالم روشن
ذکر خیرش همه جاورد زبان می‌آید
مظہر و آینه ذات خداوند احمد
آنکه دارد زنی نام و نشان می‌آید
موسم حق‌کشی و ظلم و ستم می‌گذرد
دوره معدلت و امن و امان می‌آید
روز پیروزی یاران وفادار وی است
وقت رسواشدن مدعیان می‌آید
بود یک چند چو خورشید پس ابر نهان
حال از لطف خداوند، عیان می‌آید

تام عطر کند از عطر عدالت دنیا

در گلستان جهان مشگ فشان می آید

شادی مقدم مسعود شه بخت جوان

پدر پیر فلک باز جوان می آید

نااظم کشور ایجاد و شه ملک وجود

سرپرست همه کون و مکان می آید

تاکند بندگیش حضرت عیسی ز فلک

بر زمین خرم و خوش وجد کنان می آید

ای صبا از طرف شاه تو این مرزده ببر

ناتوانان جهان را که توان می آید

عالی ملک و شهادت ز تراب قدمش

غیرت خلد برین رشگ جنان می آید

اختر برج امامت گهر بحر وجود

(جوهری) فخر همه پادشاهان می آید

حدیث ۳۷- عن کمال الدین، محمد بن مسلم قال: سمعت أبا عبد الله عليه

السلام يقول: إن قدام القائم علمات يكُون من الله عز وجل لمؤمنين قلت:

ما هي جعلني الله فدائی؟ قال ذلك قول الله تعالى (ولئلئونكم - يعني المؤمنين

قبل خروج القائم - بشيءٍ من الخوف والجوع ونقصٍ من الأموال والأنفس و

الثمرات وبشر الصابرين) قال: لئلئونكم بشيءٍ من الخوف من ملوك بني فلان

في آخر سلطانهم والجوع بخلاف أسفارهم، ونقصٍ من الأموال فساد التجارات و

قلة الفضل، ونقصٍ من الأنفس، موت ذريع ونقصٍ من الثمرات لعله ريع

شناخت امام عصر (ع)

مَا يَرَعِي وَبَشِّرُ الصَّابِرِينَ إِنَّهُ ذَلِكَ بِتَعْجِيلٍ خُرُوجُ الْقَائِمِ طَبَّالٌ ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ رَوَاهُ النُّعْمَانِ فِي غَيْبَتِهِ.

حدیث سی و هفتم - محمد بن مسلم گفت: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا برای مقدمه ظهور قائم علاماتیست از طرف خدای تعالی به جهت مؤمنین، گفتم چیست خداوند مرا فدای تو نماید؟ فرمود: قوله تعالی (هر آینه می آزمائیم یعنی مؤمنین را قبل ظهور قائم به مقداری از ترس و گرسنگی و کمی مال و اولاد و میوه‌جات، بشارت ده صابران را) (سوره بقره، آیه ۱۵۵).

امام فرمود: آزمایش شما به ترس از شاهان بنی فلانست در آخر سلطه آنان، و گرسنگی به بالا رفتن نرخها، و کمی مال را فرموده فساد تجارت است (که دولتها دخالت کنند)، و کمی زوائد و کمی از نفوس را فرموده به مردن سریع (سکته‌های فعلی در مدت دقایقی انجام شود) و کمی میوه‌جات به ثمر نرسیدن و یابی آبی، بشارت باد صبرکنندگان را در چنین وقتی به تعجیل ظهور قائم طبّال، سپس فرمود: ای ابا محمد این است تاویل این آیه که خدا فرموده: و نمی‌دانند تاویل آن را مگر خدا و راسخون در علم (که مائیم)

حدیث ۳۸ - قَالَ عَلَى الرُّضَا طَبَّالٌ: إِذَا رَفَعَ الْعِلْمُ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ فَتَوَفَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ (ای فجاهه) يَنْقُصُ الْعِلْمُ فَيَغِيَضُ غَيِضاً، وَ يَفِيضُ الْجَهَلُ فَيَضُاً، وَ يَنْقُصُ الْعَمَلُ، وَ يَلْقَى الشَّيْخُ وَ يَسِيقُ ذَلِكَ خُرُوجَ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلاً مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ كُلُّهُمْ يَدْعُ الإِمَامَةَ لِتَفْسِيهِ (من کتاب یوم الملاصی).

شناخت امام عصر(عج)

(وَرَدَ مِثْلُهُ عَنِ الْهَادِي) وَسَيَكُونُ الْفَرَجُ قَرِيبًا بِإِذْنِ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ طَوَّيَتْ مَرْخَلَةُ
الْعِلْمِ فَانقَبَضَ وَفَسَّالَ الْجَهَلُ، وَلَمْ يَبْقِ مِنَ الْعُلَمَاءِ إِلَّا فَرَادٌ فِي زَوَالِيَا مَتَّنَاتِيَا
أَقَاصِيِ الْمَعْمُورِ، إِذَا قَالُوا لَا يَسْمَعُ قَوْلُمُ، وَإِذَا أَمْرُوا لَا يَأْتِيْرُ أَحَدًا... أَمَّا الشَّيْخُ
الْطَّاعِنُ فِي السِّنِ فَقَدْ ضَارَ عَبْتَأُ عَلَى ذُوِّيهِ وَقَلَّ احْتِزَامِهِ وَضَارَ أَبْنَاؤُهُ لَا يَتَلَقَّوْنَ
آزَائِهِ إِلَّا بِالشَّخْرِيَّةِ وَقُولِ: أَفِ!

وَهَا نَحْنُ نَنْتَظِرُ الْفَرَجَ بَعْدَ أَنْ تَحْقَقَتْ صُغْرَيَاتِ الْعَلَامَاتِ وَبَدَأَتْ كُبَرَيَاتِهَا
تَلُوحُ فِي الْأَفْقِ الْمَنْظُورِ كَأَمْثَالِ ثُورَةِ إِيْرَانَ الَّتِي هِيَ فَاتِحَةُ الْخَيْرِ الَّذِي قَدِيمَهُ دُلُّهُ أَى
حَدُوثُ الْعَلَامَاتِ الْخَمْسِ الْمُمْيَّزِ كَظُهُورِ زَأِيَّةِ الْخُرَاسَانِيِّ الَّتِي تَدْفَعُ إِلَى الْقَانِيمِ
سَهَّلَ اللَّهُ مَخْرَجَهُ.

ترجمه حدیث ۳۸- هرگاه علم از میان شما برداشته شود منتظر
فرج باشید. ناگهان از زیر قدمهای خود، در آن زمان علم کم می شود و
جهل بسیار و عمل ناقص باشد، و سبقت گیرند در این زمان دوازده
نفر مرد از آل ابی طالب که مدعی امامت شوند برای خود.

و مانند آن حدیث از امام هادی علیه السلام رسیده که فرمود: فرج
نزدیکست به فرمان خداوند بعد از آن که علم بر جیده شود و جهل
شایع گردد، و نماند از علماء مگر گوشنهنشینان در بلاد دور دست هرگاه
چیزی بگویند، کسی قبول نکند و اگر امر کنند کسی اطاعت ننماید،
اما شیخ پیر که وجودش در میان بستگانش عبث خواهد بود و
احترامی نخواهد داشت و او را به تمسخر گیرند و بگویند اف!

و ما منتظر فرج هستیم بعد از آن که علام کوچک آشکار شد و
علام بزرگ شروع شده، و در افق جامعه مشهود و محسوس است

شناخت امام عصر (ع)

مانند انقلاب (شوره) ایران که ابتدای خیرات است، آن خیری که ابتدای تمام خیرها است، و به علائم دیگر ختم می شود که عدد آنها پنج است مانند ظهور علم خراسانی که به قائم سپرده شود که خداوند ظهورش را نزدیک کند.

حدیث ۳۹- عن أبي صَدُوقَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَ لَهَا: لَا يَدْخُلُ عَلَى أَحَدٍ فَجَاءَ الْمُسْئِنُ وَ
هُوَ طِفْلٌ فَمَا مَلَكَتْ مَعْهُ شَيْئًا حَتَّى دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَدَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَى
أَغْرِيَهُ فَإِذَا الْمُسْئِنُ عَلَى صَدِرِهِ وَإِذَا النَّبِيُّ ﷺ يَبْكِيُ وَإِذَا فِي يَدِهِ شَيْئًا يَقْلِبُهُ
فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّ هَذَا جَبَرِيلٌ يَخْرُبُنِي أَنَّ هَذَا مَقْتُولٌ وَأَنَّ هَذِهِ
الْتُّرْبَةُ الَّتِي يَقْتُلُ عَلَيْهَا قَضَعِيهَا عِنْدَكَ فَإِذَا ضَارَتْ ذَمَّاً فَقَدْ قُتِلَ حَبِيبِي فَقَالَتْ أُمُّ
سَلَمَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلِّ اللَّهُ أَنْ يَدْفَعَ ذَلِكَ عَنِّي قَالَ: قَدْ فَعَلْتَ فَأَوْحَى عَرْزَوَجَلٌ
إِلَيْهِ أَنَّ لَهُ دَرْجَةً لَا تَنْاهَا أَحَدٌ مِنَ الْمِخلُوقِينَ وَأَنَّ لَهُ شِيعَةً يَشْفَعُونَ فِي شَفَاعَةِ
أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ وُلْدِهِ فَطُوبِي مَنْ كَانَ مِنْ أَوْلَيَاءِ الْمُسْئِنِ وَشِيعَتِهِ هُمْ وَاللهُ الْفَائزُونَ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

حدیث سی و نهم- ابی الجارود از امام باقر علیه السلام حدیث می کند که پیامبر اکرم ﷺ در حجره ام سلمه تشریف داشت به او فرمود: کسی داخل خانه نشود، در این هنگام حسین علیه السلام که طفل کوچکی بود آمد و وارد شد بر پیامبر ﷺ، ام سلمه به دنبال او آمد، وقتی که حسین در روی سینه پیامبر بود و پیامبر می گریست و در دستش چیزی بود که می گردانید، پیامبر ﷺ فرمود: ای ام سلمه این جبرئیل است خبر می دهد مرا که این طفل کشته می شود و این خاکی

است که روی آن خونش ریخته گردد، سپس فرمود نگهدار نزد خود زمانی که تبدیل به خون شد حبیب من کشته شده، ام سلمه گفت: ای رسول خدا ﷺ بخواه از خداوند که از او این بلا را دفع کند، پیامبر فرمود: محققاً خواهد شد و در علم باری تعالی گذشته و خداوند به من وحی نمود که هر آینه درجه‌ئی برای اوست که به آن درجه کسی از مخلوقین نرسد و همانا برای او شیعیانیست که شفاعت می‌کند، و همان مهدی از اولاد اوست لذا خوشابرای کسانی که از دوستان حسین و شیعه او باشند که آنان به خدا قسم رستگاران روز قیامتند.

حدیث ۴۰ - عن مُسْتَدِرِكَ الْوَسَائِلِ، مَكَاتِبُ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْقَسْكُرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَوْقِيْعُهُ الشَّرِيفِ إِلَى الشَّيْخِ الْجَلِيلِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَينِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابِوِيْهِ الْقُبْصِيِّ رَحْمَةُ اللهُ وَ هَذَا لَفْظُهُ وَ صُورَتُهُ عَلَىٰ مَا رَأَاهُ الشَّيْخُ الطَّبَرِيُّ فِي الْاحْتِجاجِ: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْغَافِقَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ النَّارُ لِلْمُنْكَرِينَ وَ لَا يَعْدُ دُنْيَا إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَ الْصَّلَاةُ عَلَىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٌ وَ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ أَمَّا بَعْدُ أَوْصِيَكَ يَا شَيْخِي وَ مُعْتَمِدِي وَ فَقِيهِي أَبَا الْحَسَنِ عَلَىٰ بْنِ الْحُسَينِ بْنِ بَابِوِيْهِ الْقُبْصِيِّ وَ فَقَّهَ اللهُ لِرَضَايَهِ وَ جَعَلَ مِنْ وُلْدِكَ أَوْلَادًا صَالِحِينَ بِرَحْمَتِهِ يُسْتَقْوِي اللهُ وَ أَقْامِ الْصَّلَاةَ وَ إِيتَاءِ الزَّكُوْةِ فَإِنَّهُ لَا تُتَقْبِلُ الصَّلَاةُ مِنْ مَانِعِي الزَّكُوْةِ، وَ أَوْصِيَكَ بِمَغْفِرَةِ الذَّنْبِ وَ كَظِيمِ الْغَيْظِ وَ صِلَةِ الرَّحِيمِ، وَ مُؤَاشَةِ الْأَخْوَانِ وَ السَّعْيِ فِي حَزَائِچِهِمْ فِي الْعُرُورِ وَ الْيُسْرِ، وَ الْحِلْمِ عِنْدَ الْجَهْلِ، وَ التَّقْفَةِ فِي الدِّينِ، وَ التَّثْبِتِ فِي الْأُمُورِ، وَ التَّعْهُدِ لِلْقُرْآنِ، وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ (الْأَخْيَرُ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمْرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ) وَ إِجْتِنَابِ

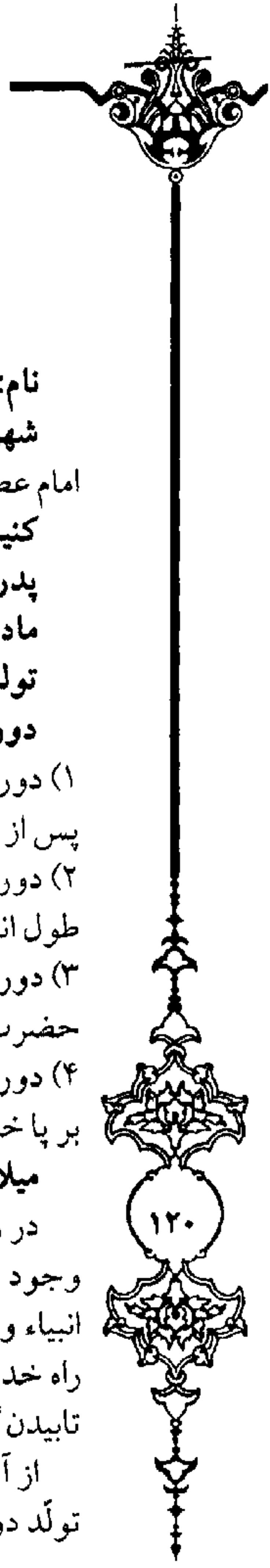
شناخت امام عصر (عج)

الفواجیش کُلُّها وَ عَلَيْكَ بِصَلَوةِ اللَّيلِ فَإِنَّ النَّبِيًّا أَوْضَى عَلَيْتَا فَقَالَ: يَا عَلَيَّ بِصَلَوةِ
اللَّيلِ، عَلَيْكَ بِصَلَوةِ اللَّيلِ، عَلَيْكَ بِصَلَوةِ اللَّيلِ وَ مَنْ أَسْتَخَفَ بِصَلَوةِ اللَّيلِ فَلَيْسَ
مِثْنًا، فَأَعْمَلْ بِوَصْبِرِي وَ امْرُ جَمِيعِ شَيْعَتِي بِمَا أَمْرَتُكَ بِهِ حَتَّى يَعْمَلُوا عَلَيْهِ، وَ
عَلَيْكَ بِالصَّبَرِ وَ انتِظَارِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ النَّبِيًّا فَلَلَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أَمَّتِي إِنْتِظَارُ
الْفَرَجِ وَ لَا تَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وُلْدُ الَّذِي بُشِّرَ بِهِ النَّبِيُّ فَلَلَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ حَيْثُ
قَالَ إِنَّهُ يَمْلأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَسْرًا فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي وَ
مُعْتَدِلِي أَبَا الْحَسَنِ، وَ أَمْرُ جَمِيعِ شَيْعَتِي بِالصَّبَرِ فَإِنَّ الْأَرْضَ إِلَهٌ يُورَثُهَا مَنْ يَشَاءُ وَ
الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى جَمِيعِ شَيْعَتِنَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ
حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ، اِنْتَهَى.

حدیث چهلم - کتاب مستدرک الوسائل، نامه امام عسکری طیبه و
توقيع شریف آن حضرت به شیخ ابی الحسن علی بن حسین بن
موسى بن بابویه قمی نوشتہ و این کتاب بنا بر آنچه روایت نموده شیخ
طبرسی در احتجاج است: به نام خداوند بخشندۀ مهربان، حمد و
سپاس برای خدای پرورش دهنده عالمیان و عاقبت از آن موحدین و
آتش برای کافران است، و دشمنی نیست مگر بر ستمکاران، و نیست
خدائی به جز الله که بهترین آفرینندگان است و درود بر بهترین آفریده
و اهل بیت طاهرین اوست، اما بعد وصیت می‌کنم ترا ای شیخ و
معتمد و فقیه ما اباالحسن علی بن حسین بابویه قمی موفق بدارد ترا
در راه رضای او و قرار دهد از اولاد تو ذریه صالح به رحمت حق و به
پاکی و پرهیز از خداوند و برپاداشتن نماز و پرداخت زکاه، همانا قبول
نشود نماز از کسانی که زکاه ندهند، و وصیت می‌کنم ترا به پرهیز از

گناه و فروبردن خشم و صله رحم و هم یاری برادران و کوشش به حواج آنان در گرفتاری و راحتی و حلم با جاهلان و اجتهاد در دین و ثبوت در امور و تعهد به قرآن و نیکونی اخلاق و امر به معروف و نهی از منکر که خداوند فرمود (خیری نیست در بسیاری از سخنان پنهانی مگر آن که امر به صدقه یا امر به معروف و یا اصلاح بین مردم باشد) و اجتناب از تمام فواحش و بر تو باد به نماز شب که پیامبر وصیت نموده به علی علیه السلام و فرموده یا علی بر تو باد نماز شب، بر تو باد نماز شب، بر تو باد نماز شب، و کسی که سبک شمارد نماز شب را از ما نیست، پس عمل نما به وصیت من و امر نما به جمیع شیعیان ما به آنچه به تو امر نمودم تا این که عمل کننده باشی بر آن، و بر تو باد به صبر و انتظار فرج، هر آینه پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم فرمود: بهترین عملهای امت من انتظار فرج است و همیشه حزن و اندوه قرین شیعیان ماست تا اینکه ظاهر شود پسر من آن کسی که بشارت داد پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم به او آنجاکه فرمود پر کند زمین را از عدل و داد همانطور که پرشده باشد از ظلم و جور پس صابر باش ای شیخ و معتمد ما ابوالحسن، و امر نما جمیع شیعیان مرا به صبر هر آینه زمین برای خداوند است که وارث می نماید هر که را بخواهد و عاقبت برای پرهیزکاران است و سلام بر تو و بر جمیع شیعیان ما و رحمت و برکات خداوند، کفایت کند خدایتعالی مارا که او بهترین وکیل و بهترین مولی و بهترین یاری کننده است.

ملتمس دعا، داعی احمد سیّاح



زندگینامه حضرت امام زمان

(عجل الله تعالى فرجه الشریف)

نام: م - ح - م - د (همنام جدش محمد مصطفیٰ صلوات اللہ علیہ و آله و سلّم).

شهرت: مهدی، منتظر، صاحب الزمان، بقیة الله الاعظم، قائم، امام عصر و ...

کنیه: ابا صالح، ابوالقاسم (کنیه پیامبر صلوات اللہ علیہ و آله و سلّم).

پدر: امام حسن عسکری علیہ السلام.

مادر: نرجس خاتون (ملیکه دختر پادشاه روم).

تولد: روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء متولد شد.

دوران زندگی:

۱) دوران کودکی که پنج سال مخفیانه تحت سرپرستی پدر بسر بردا و پس از آن در سال ۲۶۰ با شهادت امام عسکری علیہ السلام به امامت رسید.

۲) دوران غیبت صغیری: از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ که حدوداً ۷۰ سال به طول انجامید.

۳) دوران غیبت کبری: از سال ۳۲۹ شروع شده و تا هنگام ظهور آن حضرت ادامه خواهد یافت.

۴) دوران پر افتخار ظهور که حکومت عدل و داد را در سراسر جهان بر پا خواهد نمود.

میلاد مبارک آنحضرت

در روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری شهر سامراء از طلوع خورشید وجود امام منتظر پُر از نور و سرور شد، این اختر تابناک که از سلاطه انبیاء و چکیده او صیاء و منتقم حقیقی همه خونهای پاکی بود که در راه خدا بر زمین ریخته شده بود، از دامان مادری با تقویٰ به نام نرجس تاییدن گرفت.

از آنجاکه خلفاء و کارگزاران حکومت بر طبق احادیث معتبر منتظر تولد دوازدهمین امام و فرزند پاک امام حسن عسکری علیہ السلام بودند و

می دانستند که بدست او جور و ستم از ریشه نابود خواهد شد، لذا خانه امام عسکری علیهم السلام را بشدّت تحت کنترل قرار می دادند، تا اگر فرزندی در آن خانه متولد گشت او را به سرعت نابود کنند، غافل از اینکه (يُرِيدُونَ لِيَطْفُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُّثُمٌ نُورِهِ وَلَوْكَرَةُ الْكَافِرِونَ^(۱)).^(۱)

می خواهند نور خدا را با دهانها یشان خاموش کنند، در حالیکه خداوند نور خود را کامل می کند، اگر چه کافران نپسندند.

به اذن الهی همانطور که به علت فشار و اختناق فرعونیان، آثار حمل مادر موسی مخفی بود، مادر امام زمان (ع) نیز هیچ آثاری از حمل در خود نداشت، شب نیمه شعبان امام عسکری (ع) از عمه بزرگوار خود حکیمه خاتون خواهش کرد که برای کمک در به دنیا آمدن نوزاد آن شب را در منزل امام بماند، حکیمه خاتون بسیار متعجب شد، چون هیچ نشانه‌ای از بارداری در وجود نرجس نبود، لیکن به فرمان امام به نزد نرجس رفت، پیش از طلوع آفتاب نشانه‌های وضع حمل پدید آمد و حکیمه خاتون مشاهده کرد حجابی از نور میان او و نرجس فاصله شد، حکیمه خاتون وحشت کرد و به نزد امام رفت و جریان را به عرض رسانید، امام لبخندی زده و فرمود: چند لحظه بعد به اتاق بر گرد خواهی دید که نوزاد متولد شده است، وقتی حکیمه خاتون به اتاق بازگشت، طبق فرموده امام مشاهده کرد نوزادی چون قرص ماه به سجده رفته و انگشت سبابه را به سوی آسمان بلند کرده و پروردگار را تقدیس و تحمید می گوید.

در این هنگام امام عسکری علیهم السلام ندا داد: عمه جان، پسرم را به نزد من بیاور، حکیمه خاتون نوزاد را به نزد امام برد، امام کودک را در آغوش فشد و بر اندام او دست کشید و زبان مبارک را در دهان نوزاد برد و سپس در گوش وی اذان و اقامه گفت.

پس از ولادت این نوزاد فرخنده امام عسکری علیهم السلام ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت برای او صدقه داد و سیصد گوسفند عقیقه نمود

و گوشت آن را برای شیعیان و خواص از بنی هاشم فرستاد و به ایشان مژده ولادت امام دوازدهم را ابلاغ فرمود و به آنها فرمان داد که این خبر را میان خود مخفی نگاه دارند.

نرجس خاتون مادر امام علیه السلام:

نرجس خاتون دختر پادشاه روم و از نسل شمعون الصفّا یکی از حواریون عیسیٰ طیلّا بود، وقتی به سن رشد رسید، پدرش می‌خواست او را به عقد پسر عمویش در آورد، مجلس جشن آراسته شد، اما به محض اینکه خواستند مراسم عقد را اجرا کنند، همه چیز به لرزه در آمد و داماد از تخت به زیر افتاد، این ماجرا سه بار تکرار شد، بزرگان و روحانیون مسیحی این امر را شوم دانستند و مجلس را ترک گفتند، آن شب نرجس افسرده و اندوهگین به خواب رفت، در خواب دید پیامبر اسلام ﷺ به نزد عیسیٰ بن مریم طیلّا آمده است و می‌فرماید: من این فرزند زاده شما را برای فرزندم خواستگاری می‌کنم، حضرت عیسیٰ طیلّا با خوشحالی این پیشنهاد را پذیرفت، ابتدا از نرجس خواستند شهادتین را بروزبان جاری کنند و چون او چنین کرد، پیامبر ﷺ که همراه فاطمه زهرا(س) در مجلس بودند، در کنار عیسیٰ طیلّا و مریم عذر(س) مراسم عقد نرجس را برای حسن بن علی العسکری طیلّا که جوانی نورانی و خوش سیما بود به جای آوردند، از آن پس گاهگاهی حسن بن علی طیلّا در خواب به دیدار وی می‌آمد، سرانجام در خواب به نرجس ابلاغ شد که در جنگی که بین مسلمین و سپاه روم روی می‌دهد او اسیر خواهد شد و او باید منتظر باشد تا فرستاده امام هادی طیلّا برای خرید او مراجعه کند.

این ماجرا واقع شد و نرجس که در خواب بدست فاطمه زهرا(س) مسلمان شده و به عقد ازدواج امام عسکری طیلّا در آمده بود، در عالم ظاهر نیز به منزل امام هادی طیلّا راه یافت و تحت نظر حکیمه خاتون احکام اسلام را فراگرفت و به عنوان همسر رسمی امام عسکری طیلّا در میان خواص شناخته شد.

آری امر خدا چنین محقق شده بود که مهدی موعود از دامان چنین مادری متولد شود و نژاد آنحضرت از سوی مادر به عیسیٰ بن

مریم علیه السلام برسد، همانطور که از سوی پدر به پیامبر اسلام علیه السلام می‌رسید.

ولادت امام زمان(عج) بدین صورت مخفیانه انجام پذیرفت و به جهت شرایط خاص آن دوران در پرده کتمان پوشیده ماند و امام عسکری علیه السلام تولد او را جز با اصحاب خاص خود با دیگران در میان نهاد، اندکی قبل از شهادت، امام عسکری علیه السلام چهل تن از یاران و خواص خویش را در منزل خویش گردآورد و فرمود: هیچ کس بیرون نزود، ناگهان پرده‌ای را کنار زد و چهره تابناک کودک ۵ ساله خود را که شبیه‌ترین مردم به آنحضرت بود برایشان آشکار نمود و فرمود: (این پسر فرزند من و پس از من پیشوای شماست، بدانید تا پس از من به تفرقه دچار نشود و در دین خویش به هلاکت نیافتد، بدانید که از این پس او را نخواهید دید تا وقتیکه عمرش کامل گردد، از این پس هر چه عثمان بن سعید می‌گوید: اطاعت کنید او نایب امام شماست و کار شما بدست اوست^(۱)).

آغاز دوران امامت ایشان:

پس از شهادت جانگداز امام حسن عسکری علیه السلام، خلیفه وقت معتصم عباسی عده‌ای را به منزل آنحضرت فرستاد تا خانه و اطاقها را بازرسی کنند و نشانی از فرزند او بجوینند، اما هر چه جستجو کردند کمتر یافتند، سرانجام میراث امام حسن را میان مادر و برادرش جعفر تقسیم کردند.

جعفر پس از برادر بزرگوار خود ادعای کرد که امامت حق اوست و با این ادعای باطل مردم را به سوی خود فراخواند، اما در جریان نمازگزاردن بر جنازه حضرت عسکری علیه السلام امام زمان(عج) در یک چشم بر هم زدن در برابر مردم ظاهر شده و ادعای او را باطل نمود، به علاوه خود جعفر و همه مردم به خوبی می‌دانستند که او شایستگیهای لازم برای امامت را ندارد، لذا دیری نپایید که جعفر دست از این ادعای دروغ خود برداشت و به راه صواب بازگشت و

شناخت امام عصر (عج)

امامت حضرت مهدی (عج) را پذیرفت، لذا از لقب (کذاب) به (تواب) معروف شد.

لیکن حکومت وقت هنوز هم در جستجوی یافتن نشانی از فرزند امام بود، شیخ طوسی از فردی به نام (رشیق) که از مأموران معتقد عباسی است، ماجرای زیر را نقل می‌کند: (روزی معتقد خلیفه عباسی مارا خواست و گفت شنیده‌ام در خانه حسن عسگری فرزندی است، به خانه او بروید و اگر پسری را دیدید، او را بکشید و سرش را برای من بیاورید.

ما به سرعت به منزل امام شتافتیم، خانه زیبایی دیدیم که در گوشه آن، اطاقی نظر ما را جلب کرد، پرده را بالا زدیم، اطاق بسیار بزرگی دیدیم که پر از آب بود و در میان آب فرشی قرار داشت که جوانی روی آن به نماز ایستاده بود، با دیدن او یکی از مأموران خواست او را دستگیر کند، به محض ورود به اطاق، در آب فرو رفت، به زحمت او را بیرون آوردیم و او بیهوش شد.

مأمور دوم وارد شد او هم در آب فرو رفت و به زحمت او رانیز از آب بیرون آوردیم و او نیز بیهوش شد، ساعتی بعد هر دو در حالیکه از ترس می‌لرزیدند به هوش آمدند، همگی سوار مرکب‌های خود شده به سوی جایگاه خلیفه رفتیم و ماجرا را برایش توضیح دادیم، او هم مانند ما از ترس لرزید و گفت: هیچ کس از این جریان باخبر نشود، اگر این ماجرا را برای کسی بگویید، شما را خواهم کشت، ماهم تا وقتی خلیفه زنده بود جرأت نکردیم این ماجرا را بازگو کنیم).

به دلیل همین تعقیب و جستجوها بود که امام مهدی (عج) مجبور شد در پرده غیبت به سر برد و دوران غیبت صغیری آغاز شد.

غیبت صغیری:

غیبت صغیری یا دوران غیبت کوتاه امام مهدی (عج) از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ هجری به طول انجامید، در این دوران عده‌ای به نام وکیل یا نایب خاص، پل ارتباط میان امام و شیعیان بودند، اینان که همگی از خواص یاران و شیعیان امام بودند، عبارتند از:

(۱) عثمان بن سعید؛ او وکیل امام حسن عسگری علیه السلام بود که پس از

در گذشت آن امام بزرگوار نایب امام زمان (عج) گردید و شش سال
عهدهدار این منصب بود.

(۲) محمد بن عثمان: پس از وفات عثمان در سال ۲۶۶ هجری،
فرزند او محمد بن عثمان نایب امام زمان (عج) گشت و مدت نیابت
او ۳۸ سال به طول انجامید.

(۳) حسین بن روح، پس از وفات محمد بن عثمان، حسین بن روح
به نیابت رسید او که از سال ۳۰۴ هجری به این سمت منصوب
گشت، تا مدت ۲۲ سال از جانب امام به عنوان مرجع شیعیان عمل
نمود.

(۴) علی بن سمری: پس از آنکه حسین بن روح دار فانی را وداع
گفت، امام مهدی (عج) علی بن سمری را به عنوان جانشین او
منصوب کرد، او سه سال در این منصب باقی ماند و چون وفاتش
نزدیک شد از آن حضرت در باره جانشین خود پرسش کرد، اما امام او
را آگاه میگردد که پس از وفات او دوران غیبت صغیری پایان یافته و
کسی جانشین او نخواهد بود.

غیبت کبری:

در طول هفتاد سال غیبت صغیری این چهار دانشمند اسلام شناس
به نیابت از امام به امور امت رسیدگی میکردند و در موارد لازم
مستقیماً از امام دستور میگرفتند و نقش رهبری امت را به عهده
داشتند، چه بسا این مدت برای آمادگی امت جهت گزینش رهبران
خود در دوران غیبت کبری کافی بوده است، یعنی امت در این مدت
آماده شدند تا از میان فقهاء کسانی را که از نظر خصوصیات به نواب
اربعه نزدیکتر باشند برای رهبری خود انتخاب کنند و حکمت این امر
در این است که ارتباط الهی از وحی بهوصایت و از آن به نیابت خاصه
و پس از آن به نیابت عامه درجه بندی میگردد.

در عصر غیبت کبری مسلمانان باید به فقیهان عادلی که بر طبق
مقیاسهای عمومی به شایستگی آنها معرفت یافته‌اند، مراجعه کنند،
وظیفه مسلمانان، انتظار و دعا برای فرج امام زمان (عج) است، در
این دوران اگر چه ارتباط امام عصر ارواحنا له الفداء با اولیاء خدا به

شناخت امام عصر (عج)

اشکال گوناگون ادامه دارد، لیکن هیچ کس نمی‌تواند ادعای کند که با امام ارتباط مستقیم دارد و چنانکه کسی زبان به چنین ادعایی بگشاید مسلمانان وظیفه دارند که او را تکذیب نمایند.

امام عصر (عج) در این زمان در میان ما حضور دارند و کلیه اعمال ما تحت ناظرت مستقیم آنحضرت قرار دارد و آنحضرت لحظه‌ای از احوال شیعیان خود غافل نیست و در عبادات خود برای بهبود وضع آنها به درگاه الهی تضرع می‌نماید، در میان مردم بطور ناشناس زندگی کرده و در اجتماعات آنها حضور می‌یابد، اما به جز عده محدودی از اولیاء الهی هیچ کس آن حضرت را نمی‌شناسد و توفیق زیارت جمال بی مثالش را نمی‌یابد.

فرهنگ انتظار:

باید دانست مفهوم انتظار که پیامبر اکرم ﷺ آن را برتین عبادت امت خود دانسته است، صبر و بردازی و دست روی دست نهادن و بی تفاوتی و سکون نیست، بلکه انتظار، عین امید، تلاش و حرکت است، انسان منتظر انسانی زیرک، آگاه و معتقد است که باید زمینه ساز ظهور امام منتظر باشد.

انتظار به انسانها انگیزه، امید و اندیشه نوآوری و نوسازی می‌دهد، انتظار یک اصل جدا نشدنی مذهب شیعه است که نوید آینده‌ای درخشان و پیاده شدن یک مدینه فاضله آرمانی را به آنها می‌دهد که باید در پناه آن شیعیان محیط را برای تأسیس حکومت واحد جهانی آماده سازند و خود انسانهای صالحی باشند که در انتظار یک مصلح بسر می‌برند، انتظار یک آرزوی شورآفرین و یک آرمان بی نظیر است که روح بدینی، بدگمانی و منفی بافی را از کالبد شیعیان راستین زدوده و به روان آنان رنگی از خوشبینی و امید می‌زند.

حکایت چهل و ششم از کتاب نجم الثاقب :

در کتاب شریف نقل کرده از بعضی از اصحاب صالحین مा�که روایت کرده است از محبی الدین اربلی، او گفت: من نزد پدر خود بودم و مردی با او بود و آن مرد را خوابی گرفت، پس عمامه از سر او افتاد و جای ضربت هایله در سر او بود، پدرم او را از آن ضربت

سوال کرد، گفت: «این ضربت از صفین است».

پدرم گفت: جنگ صفين در زمان قدیم بوده و تو در آن زمان نبودی، گفت: «من سفر کردم به سوی مصر و مردی از قبیله غرّه با من رفیق شد، در میان راه، روزی جنگ صفين را یاد کردیم، آن رفیق من گفت: «اگر من در روز صفين می‌بودم، شمشیر خود را از خون علی و اصحاب او سیراب می‌کردم»

من گفتم که: «اگر من در آن روز می‌بودم، شمشیر خود را از خون معاویه و اصحاب او سیراب می‌کردم و اینک من و تو، اصحاب علی و معاویه ایم».

پس با یکدیگر جنگ عظیمی کردیم و جراحت بسیار به یکدیگر رساندیم، تا آنکه من از شدت ضربتها افتادم و از حال رفتم، ناگاه مردی را دیدم که با سرنیزه مرا بیدار می‌کند و چون چشم گشودم، آن مرد از مرکب فرود آمد و دست به جراحتهای من مالید، در حال عافیت یافتیم، فرمود که: در اینجا مکث نمای!.

پس غایب شد و بعد از اندک زمان برگشت و سر آن خصم من، با او بود و مرکب او را نیز آورده بود، به من فرمود که: «این سر دشمن تو است و تو ما را یاری و نصرت کردی، ما تو را یاری کردیم و خداوند عالم یاری می‌کند هر که او را یاری کند».

من گفتم: «تو کیستی؟»، گفت: «من فلان بن فلان». یعنی حضرت صاحب الزمان علیه السلام، پس به من فرمود که: «هر که تو را از این ضربت سوال کند، بگو که این ضربت صفين است».

فهرست

۱۷	شعر از مؤید و فیض	۳	مقدمه
۱۸	حدیث ۲ با ترجمه	۵	حدیث رویت
۱۹	شعر از موحدیان	۷	شعر عربی از اریلی
۲۰	حدیث ۳ با ترجمه	۸	مناقجات امام عصر
۲۲	شعر از صفیر و موحدیان	۹	آیات قرآن
۲۳	حدیث ۴ با ترجمه	۱۶	حدیث ۱ با ترجمه

شناخت امام عصر (عج)

۷۶	حدیث ۲۳ با ترجمه اشعار از جوهری، مفتون امینی، واصل، حافظ، مجاهدی، جوهری	۲۵	قصیده ملا صالح مازندرانی حدیث ۵ با ترجمه حدیث ۶ با ترجمه حدیث ۷ با ترجمه حدیث ۸ با ترجمه حدیث ۹ با ترجمه قصیده جذبه، جوهری، تنکابنی، فیض، شفق، حدیث ۱۰ با ترجمه اشعار نظامی، ناصر مکارم، علی اخوی
۸۴	حدیث ۲۴ با ترجمه	۳۱	
۸۵	حدیث ۲۵ با ترجمه	۳۲	
۸۶	حدیث ۲۶-۲۷ با ترجمه		قصیده جذبه، جوهری، تنکابنی، فیض، شفق، حدیث ۱۱-۱۲ با ترجمه
۸۸	حدیث ۲۸ با ترجمه اشعار از کمپانی، فروغی، عراقی، ناظرزاده کرمانی، سرمد	۳۳	
۸۹		۳۹	حدیث ۱۳ با ترجمه
۹۶	حدیث ۳۰-۲۹ با ترجمه	۴۰	حدیث ۱۴ با ترجمه
۹۷	حدیث ۳۱ با ترجمه اشعار از حبیب خراسانی، صفیر اصفهانی، دکتر رسا، وفاف، حافظ	۴۳	اشعار از کلامی، پیروی، دکتر رسا، فتی تبریزی،
۱۰۴	حدیث ۳۲ با ترجمه	۴۹	
۱۰۵	حدیث ۳۳ با ترجمه	۵۵	ایضاً حدیث با ترجمه
۱۰۶	حدیث ۳۴ با ترجمه	۵۶	حدیث ۱۵ با ترجمه
۱۰۷	حدیث ۳۵ با ترجمه	۵۷	حدیث ۱۶ با ترجمه
۱۰۸	حدیث ۳۶ با ترجمه اشعار از وفا، محیط قمی، صفیر	۵۸	اشعار از جذبه، فخر الدین عراقی،
۱۰۹	اصفهانی، جوهری	۶۲	حدیث ۱۷ با ترجمه
۱۱۳	حدیث ۳۷ با ترجمه		اشعار از پیروی، جسدی،
۱۱۴	حدیث ۳۸ با ترجمه	۶۳	مجاهدی
۱۱۵	حدیث ۳۹ با ترجمه	۶۹	حدیث ۱۸ با ترجمه
۱۱۷	حدیث ۴۰ با ترجمه اشعار از مسعودی، فصیح	۷۱	حدیث ۱۹ با ترجمه
۱۲۰	الزمان، حامدی	۷۳	حدیث ۲۰ با ترجمه
۱۲۶	فهرست	۷۴	حدیث ۲۱ با ترجمه
		۷۵	حدیث ۲۲ با ترجمه